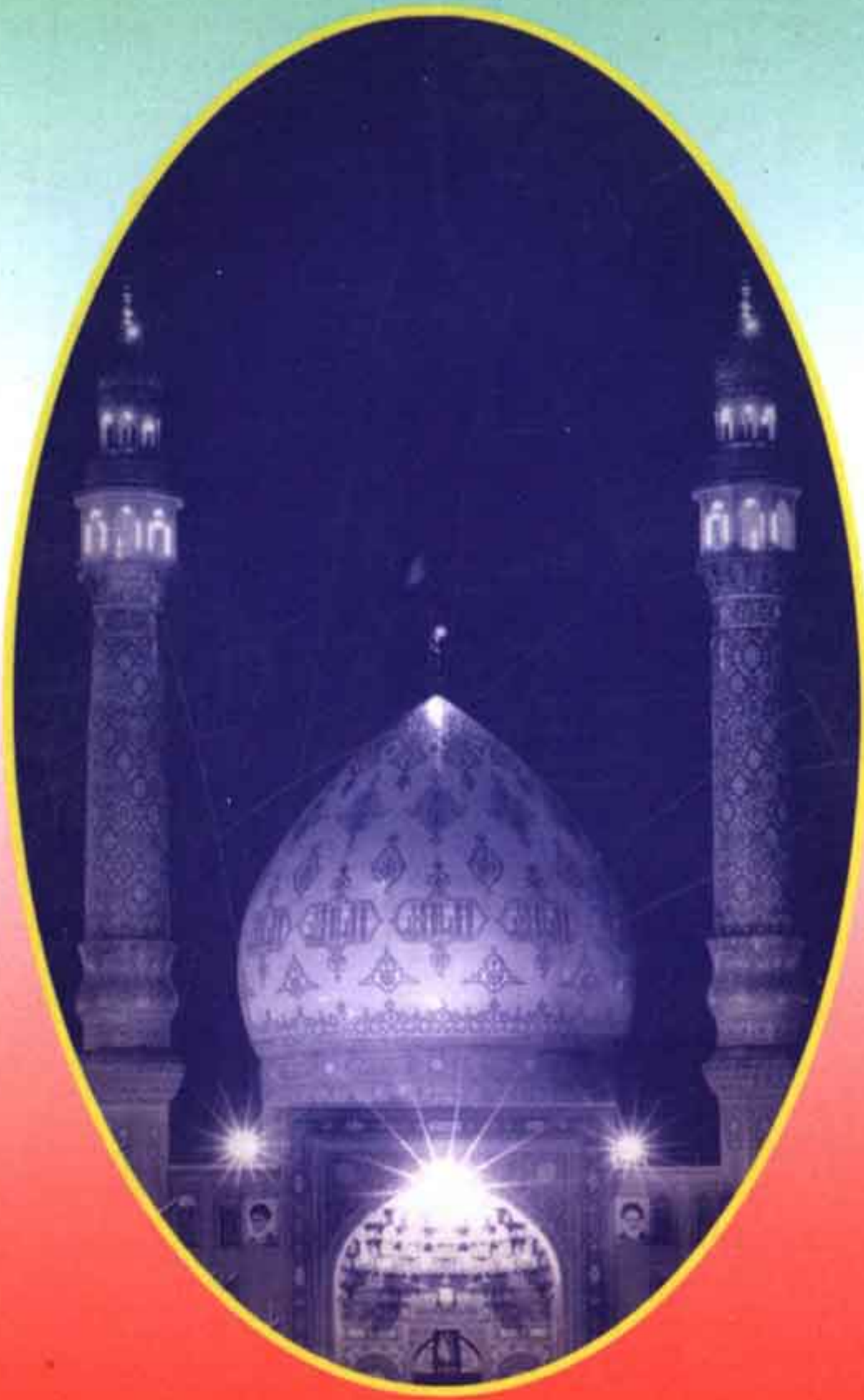


عدالت

در حکومت جهانی حضرت مهدی «عج»



فاذا خرج اشرفت الارض بنوره و وضع ميزان العدل بين الناس فلا يظلم احدُ احداً

مؤلف: محمد عربی ستوده آرانی

عدالت در حکومت جهانی حضرت مهدی (علیه السلام)

شامل:

شناخت امام

ویژگی های امام

مقام انبیاء

عزت مسلمانان

حجت بالغه

اطاعت از امام

ظهور مهدی (ع)

انصار مهدی (ع)

آیات و روایات درباره مهدی (عج)

رجعت در زمان مهدی (عج)

مؤلف: محمد عربی ستوده آرائی



سلام بر مهدی عج

ای ز تو فریاد بفریاد رس
هر دو جهان را پر از آوازه کن
خطبه تو خوان تا خطبام زنند
تا جوران عجمی را تو ش
سلسله شیفتگان موی تو
ز آب دهانت رطب تر خورند
نظامی

منتظران را بلب آمد نفس
ملک بر آرای و جهان تازه کن
سکه تو زن تا امرا کم زنند
راه روان عربی را تو راه
عقل شده شیفته روی تو
لب بگشا تا همه شکر خورند

* * *

معنی حسن لم یزل در خور خط و خال تو
طلعت لیلی قدم آینه مثال تو
نقطه مهملی است در دائره کمال تو
باز نمی رسد با اول قدم خیال تو
باز کند دوندگی در طلب زلال تو

صورت شاهد ازل جلوه گر از جمال تو
جام جهان نمای جم ساغر درد نوش تو
دفتر علم و معرفت نسخه حکمت و ادب
رفرف عقل پیر اگر از سر سدره بگذار
خضر اگر چه زندگی ز آب حیات یافته

فهرست مطالب

۲۱	مقدمه:
۲۲	پیشگفتار:
۲۷	فصل اول:
۲۷	شناخت امام
۲۸	بسم الله الرحمن الرحيم
۲۷	شناخت امام
۳۰	بیان ابراهیم
۳۰	مقام انبیاء <small>علیهم السلام</small>
۳۱	امام (ع) و نظام مسلمین
۳۱	نماز و عبادت
۳۱	ماه تابان
۳۲	رهبر
۳۲	پدر مهربان
۳۲	اقامه حدود
۳۳	نظام دین
۳۳	عزت مسلمانان

۳۳	یگانه و بی نظیر
۳۴	امام کاظم (ع)
۳۴	وارث پیامبران
۳۴	خلیفه
۳۴	امام صادق (ع)
۳۴	حجة البالغه
۳۵	ولایت
۳۶	خلیفه خدا
۳۷	ستاره یا چراغ راه هدایت
۳۸	پرونده‌ها
۴۰	تعجب
۴۰	اطاعت امام السّلام (ع)
۴۱	خشم و سرور
۴۲	عرفان
۴۲	رستگار
۴۲	گنجینه علم
۴۳	امام (ع) و شناخت خدا
۴۴	بخش دوم :

- ویژگی های امام ۴۵
- ویژگی های امام (ع) ۴۵
- امام صادق (ع) و هشام ۴۵
- در مسجد بصره ۴۶
- جلسه بحث در مسجد بصره ۴۶
- اجازه دارم سؤال کنم ۴۷
- سوال احمقانه ۴۷
- قلب ۴۸
- آیا بدون امام امکان دارد؟ ۵۰
- مردم سرگردان ۵۰
- عمر و بن عبید محکوم شد ۵۰
- حکمت ۵۲
- صفات و خصال امام (ع) ۵۳
- فصل دوم: ۵۷
- آیات و روایات درباره ی مهدی عج ۵۷
- اعلامیه جهانی ۵۸
- نور و ظلمت ۶۰
- وعدۀ خدا ۶۰

- انسان‌های شایسته ۶۲
- حضرت مهدی عج ۶۲
- دولت و حکومت حق ۶۳
- پیروزی حق بر باطل ۶۳
- علامات قبل از ظهور ۶۴
- نام مادرش صیقل ۶۶
- امام حسن عسکری و پایان عمر ۶۷
- وصیت و سفارش امام عسکری ۷۱
- مثل نور خورشید ۷۳
- هدیه خدا ۷۴
- معدن علم و حکمت ۷۸
- عفریت قائل ۷۹
- امام (ع) سجده کرد ۸۵
- یادگار انبیاء ۸۶
- کتب آسمانی ۸۷
- آخرین حجت خدا ۸۸
- حاکم روم ۸۹
- در حضور مهدی عج ۹۰

- ۹۰..... امام عسکری و امر به صبر
- ۹۲..... ماه شب چهارده
- ۹۳..... رستگاری
- ۹۵..... سری از اسرار خدا
- ۹۶..... نشانه‌ای از مهدی عج
- ۹۷..... ستاره نورانی
- ۹۷..... نوروز
- ۹۸..... بخش دوم :
- ۹۸..... علائم قبل از ظهور مهدی (ع)
- ۹۸..... علائم قبل از ظهور
- ۱۰۱..... قتل نفس زکیه
- ۱۰۵..... آیات خدا یا سحر؟! ..
- ۱۰۶..... بخش سوم :
- ۱۰۶..... روایات درباره ظهور مهدی (ع)
- ۱۰۷..... کبریت احمر
- ۱۰۸..... امام عادل
- ۱۰۹..... امام زمان عجل الله تعالی فرجه
- ۱۰۹..... جاهلیت

- ۱۱۰ امام غائب عج
- ۱۱۱ حیات و زندگی نافر جام
- ۱۱۲ حجت خدا
- ۱۱۳ زمین فرو رود
- ۱۱۳ اضطراب
- ۱۱۳ یک لحظه بدون امام (ع)
- ۱۱۴ حق اعتراض
- ۱۱۵ عمر طولانی
- ۱۱۶ حجت خدا
- ۱۱۶ مقام هزار شهید
- ۱۱۷ نشانه و صفاتی از پیامبران
- ۱۱۸ بهترین عبادت
- ۱۱۹ خطابه امام قائم و گریه حضار
- ۱۲۰ شمشیر تیز؟! !!!
- ۱۲۱ لباس رسول خدا ﷺ
- ۱۲۲ از کجا و چگونه؟
- ۱۲۳ تجع سپاهیان مهدی عج
- ۱۲۴ عمود زر

- ۱۲۴ امام حسین (ع)
- ۱۲۵ تکیه بر کعبه
- ۱۲۶ حضرت محمد ﷺ و امیر المؤمنین (ع)
- ۱۲۷ قرائت کتب انبیاء (ع)
- ۱۲۷ کتاب موسی و عیسی (ع)
- ۱۲۸ قرآن می خواند
- ۱۲۸ حضرت علی (ع) یا دابه الارض
- ۱۲۹ خانه مهدی (عج) هنگام ظهور
- ۱۳۰ قیام امام رضا (ع)
- ۱۳۰ کلام رسول خدا ﷺ
- ۱۳۱ فرق عدل و قسط
- ۱۳۲ مقام و مرتبه منتظران
- ۱۳۳ او مهدی (عج) است
- ۱۳۳ اهل آسمان خوشحال شوند
- ۱۳۴ انتظار
- ۱۳۵ منتظران مهدی (ع)
- ۱۳۶ یادآوری
- ۱۳۷ عبادت در زمان غیبت

۱۳۸.....	دفاع از رسول خدا ﷺ
۱۳۸.....	نشانه ها
۱۳۹.....	احکام و اوامر
۱۴۰.....	ایمان و یقین
۱۴۱.....	اطاعت و پیروی از امام (ع)
۱۴۳.....	کلام علی (ع)
۱۴۴.....	قیام به امری عظیم
۱۴۵.....	ظهور بعد از تصفیه
۱۴۶.....	تخریب و تعمیر
۱۴۶.....	خار مغیلان
۱۴۷.....	بهشت در انتظار
۱۴۸.....	حکم به عدل
۱۴۸.....	حکم بدون بینه
۱۴۹.....	قتل مانع الزکوه
۱۵۰.....	اولیاء مظلوم
۱۵۰.....	انکار رسول خدا ﷺ
۱۵۱.....	در زمان غیبت
۱۵۱.....	کبریت احمر

- ۱۵۳..... سرانجام کافران
- ۱۵۳..... پنجمین پسر مهدی (ع) است
- ۱۵۴..... مقام شیعه در زمان غیبت
- ۱۵۵..... بیان امام رضا (ع)
- ۱۵۶..... قدرت و قوت امام قائم (ع)
- ۱۵۶..... رحمت و لطف خداوند
- ۱۵۸..... دوستان ثابت قدم
- ۱۵۹..... امام صادق (ع) و گریه پیرمرد
- ۱۶۱..... چرا گریه نکنم؟
- ۱۶۱..... تسکین خاطر
- ۱۶۲..... امام صادق (ع) قسم یاد می کند
- ۱۶۲..... حیران
- ۱۶۳..... انتقام
- ۱۶۴..... قصاص
- ۱۶۴..... آخرین حجت خدا
- ۱۶۵..... عکس امام قائم (ع)
- ۱۶۶..... دعوت به کتاب خدا
- ۱۶۷..... شکایت رسول خدا ﷺ

- ۱۶۸..... امام قائم یا منتقم؟
- ۱۶۸..... هزار هزار
- ۱۶۹..... اسرار خدائی
- ۱۶۹..... دفع بلاء
- ۱۷۰..... ستاره درخشنده
- ۱۷۱..... امام زمان در مراسم حج
- ۱۷۱..... خرط القتاد
- ۱۷۴..... درخت طوبی
- ۱۷۴..... ایمان بی فایده
- ۱۷۵..... دوستان خدا
- ۱۷۶..... حسین (ع) پدر نه امام
- ۱۷۷..... حجت بعد از حجت
- ۱۷۷..... ظهور مهدی (عج) از بیان پیامبر ﷺ
- ۱۷۸..... اسم تو چیست؟
- ۱۷۹..... سلام رسول خدا ﷺ
- ۱۸۱..... مرد جنگ و نبرد
- ۱۸۲..... علی با حق و حق با علی (ع)
- ۱۸۳..... دژهای گمراهی

- ۱۸۳..... دوازده امام
- ۱۸۴..... کلام ابن عباس
- ۱۸۵..... علی خلیفه رسول خدا ﷺ
- ۱۸۶..... رسول خدا را کفن می کند
- ۱۸۶..... فرزند بانو و خانم کنیزان
- ۱۸۷..... میزان عدل
- ۱۸۸..... گریه امام رضا و اشعار دعبل
- ۱۹۰..... مرگ نافر جام
- ۱۹۲..... آخرین ساعات عمر رسول خدا ﷺ و گریه زهرا(س)
- ۱۹۳..... نقش مهدی(ع) در جامعه
- ۱۹۳..... انصار مهدی عج
- ۱۹۴..... مهدی آل محمد ﷺ
- ۱۹۵..... وفور نعمت
- ۱۹۷..... جواب مثبت بود
- ۱۹۸..... قدرت خدا
- ۱۹۹..... چراغ روشن
- ۱۹۹..... بهترین ایمان و بهترین افراد
- ۲۰۰..... ولایت و ثواب هزار شهید

- ۲۰۱ ثواب پنجاه نمر
- ۲۰۱ پیروان امام زمان (ع)
- ۲۰۲ ایمان و کفر
- ۲۰۳ دوستان خدا
- ۲۰۴ قدرت خداوند
- ۲۰۵ مسخ قبل از قیام مهدی (ع)
- ۲۰۶ قصاص از ذراری
- ۲۰۷ شریک در قتل
- ۲۰۸ ثواب و اجر سپاهیان مهدی (ع)
- ۲۰۹ حکم و داوری
- ۲۱۰ علم و دانش
- ۲۱۰ سلام بر مهدی عج
- ۲۱۱ بقیه الله
- ۲۱۲ ابلیس به زانو در آید
- ۲۱۲ حکومت و سیطره
- ۲۱۳ شناسائی
- ۲۱۴ سیما از راه دور
- ۲۱۴ نهروان و ناظران

- آخر الزمان و شرکاء علی (ع) ۲۱۵
- برادران رسول خدا ﷺ ۲۱۶
- تصدیق رسول خدا ﷺ ۲۱۷
- بخش چهارم : ۲۱۸
- معجزات و ظهور حضرت مهدی (ع) ۲۱۸
- درجات ۲۲۰
- معجزه امام عصر (ع) ۲۲۱
- منکر مهدی (ع) می سوزد ۲۲۲
- عصا ازدها شود ۲۲۳
- اعدامش کنید ۲۲۳
- طوق آهنی ۲۲۴
- کارد کشنده ۲۲۵
- شهادت بر امامت ۲۲۵
- مهدی (ع) و شفای مرد کاشانی ۲۲۶
- امام قائم (ع) شفا می دهد ۲۲۷
- امام قائم حضرت مهدی (ع) و مقدس اردبیلی ۲۲۸
- عترت ۲۳۰
- آیا عترت چیست و عترت کیست ۲۳۰

- ۲۳۱ حجت فرزند حجت
- ۲۳۲ اولی الامر کیست؟
- ۲۳۳ حجت خدا در زمین
- ۲۳۴ پیروزی
- ۲۳۵ بخش پنجم :
- ۲۳۵ علائم زمان ظهور حضرت مهدی (ع) و وزراء مهدی (ع)...
- ۲۳۶ وزراء مهدی (ع)
- ۲۳۷ فرد یا زوج نشانه‌ای از سالهای ظهور مهدی (ع)
- ۲۳۷ ادعای امامت کذابین
- ۲۳۸ مؤمن و کافر اعتراف و انکار
- ۲۳۹ مدت حکومت مهدی عج
- ۲۴۰ مهدی (ع) و فتح الفتوح
- ۲۴۱ دروغگویان
- ۲۴۲ بخش ششم :
- ۲۴۲ پرچم و شعار سپاه مهدی (ع)
- ۲۴۳ شعار و پرچم
- ۲۴۴ کمال الدین
- ۲۴۴ عیسی (ع) نماز می خواند

- بخش هفتم : ۲۴۵
- حق به صاحب حق باز گردد..... ۲۴۷
- رجعت در زمان مهدی ۲۴۹
- خنده و سرور امام زین العابدین (ع)..... ۲۵۰
- مردها زنده شوند..... ۲۵۱
- پیمان از پیروان و دوستان..... ۲۵۳
- ایام الله ۲۵۴
- نور و ظلمت ۲۵۴
- عمر طولانی ۲۵۵
- مؤمن خوشنود شود ۲۵۶
- خیمگاهی از عراق تا به حجاز ۲۵۷
- رجعت و محاکمه جباران ۲۵۸
- اولین شاکی ۲۵۹
- گریه اهل زمین و آسمان و قصاص جباران ۲۶۰
- شکایت امیرالمؤمنین (ع) در محضر رسول خدا ﷺ ۲۶۰
- رجعت و امام حسن (ع)..... ۲۶۱
- امام حسین (ع) و شکایت ۲۶۲
- داد خواهی ۲۶۴

- ۲۶۵ شکایت امام رضا (ع)
- ۲۶۷ حمد و سپاس
- ۲۶۸ گفتگوی فرمانده دو سپاه
- ۲۶۹ درخت سرسبز
- ۲۷۰ تعجب و تکبیر حسین (ع)
- ۲۷۱ شعر
- ۲۷۳ منابع و مآخذ

مقدمه:

با تقدیم درود و سلام به پیشگاه حضرت ولی الله الاعظم (عج) تعالی فرجه نکاتی چند در رابطه با کتاب حاضر که درباره مقام والای امامت و روایات و احادیث گرانقدر از رسول اکرم اسلام ص و ائمه اطهار سلام الله علیهم اجمعین می باشد و همانطور پیرامون ظهور حضرت امام قائم ارواح العالمین له فداء و قیام آن حضرت که امید است هرچه زودتر جهان به نور مقدسش منور گردد و با ظهور او اسلام پیروز و مسلمین سربلند و سرفراز و بدست قدرتمندش حکومت اسلام با اقتدار و رونق گیرد و احکام پاینده و ملت اسلام در ظل عنایات او شاد و خرم و امر و اراده خداوند در ظهور آن حضرت هرچه بیشتر تعجیل و فرجش نزدیک گردد.

اللهم عجل فرجه

پیشگفتار:

درود و سلام به پیشگاه حضرت ختمی مرتبت رسول مکرم اسلام و دوازده نایب برحقش لاسیما حضرت بقیةالله الاعظم امام عصر (عج) فرجه: عظمت و مقام امامت از صدر اسلام تا کنون در محافل اهل علم و علماء و دانشمندان اسلامی مورد بحث بوده و هست و از آنجا که دارای اهمیت فوق العاده‌ای است و نقش آن در جامعه و فرد سازنده است.

خداوند آن را مورد توجه انسانها قرار داده و در رابطه با آن تأکید فراوان نموده است.

مقام امامت بین انبیاء علیهم السلام و فرزندان آنها جریان داشته تا اینکه به حضرت ختمی مرتبت حضرت محمد رسول مکرم اسلام واگذار شد که هم دارای مقام نبوت و رسالت بود و هم دارای مقام امامت و آن مرتبه و مقام امامت را برای زمان بعد از حیات خود به امیرالمؤمنین (ع) سپرد و این کار او به امر خداوند و وحی از جانب پروردگار انجام گرفت و آن را کمال دین و اسلام اعلان نمود که با مسئله امامت دین اسلام تمام و کامل گشت انبیاء عظام در طول تاریخ برای خود خلیفه و جانشین تعیین نمودند مثل حضرت موسی (ع) و حضرت عیسی (ع) جهت راهنمایی ملت،

بعد از خود رسول مکرم اسلام نیز دوازده نفر را نام برد و آنها را به عنوان امام و نائب و خلفاء خود برگزید که اولین آنها حضرت امام علی (ع) و آخرین آنها حضرت مهدی قائم آل محمد است. که عالم در انتظار قیام و ظهور آن حضرت است بیمنه رزق الواری و بوجوده ثبت الارض و السماء^۱ رسول خدا (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و دیگران از ائمه علیهم السلام از غیبت و ظهور و قیام حضرت مهدی (ع) خبر داده‌اند و در این رابطه روایات فراوان ذکر شده است و افراد و احاد ملت و جوامع اسلامی بر این باورند و باید پذیرا باشند که امام (ع) در اصلاح جامعه و پیشبرد اهداف عالی اسلام نقش مؤثری را ایفا می‌نماید و وجود ذی جود امام در هر برهه از زمان لازم است و خداوند امام را بوسیله رسولش تعیین نموده است و معرفی کرده زیرا تعیین امام از قدرت انسانها خارج است و نمی‌توانند او را انتخاب نمایند.

مقام امام اعلا و عظیم الشأن و بلند مرتبه است امامت اساس اسلام است و بوسیله امام احکام اسلام زنده و پاینده و در جامعه به آن عمل می‌شود مثل نماز و روزه و زکات و حج و جهاد و حدود و

^۱ - مفاتیح الجنان ص ۱۵۶ - اکمال الدین ج ۱ ص ۲۰۲

دیات و احکام و سدّ سغور و امام مثل چراغ روشن و ماه تابان و خورشید نورانی است که جهان را روشن کند و مانند ستاره که در شب تاریک بوسیله او راه تشخیص داده و گمراه نشوند.

امام مانند آب گوارا و شیرین است که هر تشنه‌ای که راه راستی و درستی را جویا شود او را دریابد امام چون باران ذی نفع است و رفیق امین و پدر مهربان و چون برادری با محبت و محل پناه بندگان خدا است در رویدادها و مصائب امین خدا در زمین و حجت او است بر انسانها و خلیفه خدا می‌باشد در بلاد امام دعوت کننده است انسانها را بسوی پروردگار

امام پاک است از گناه و مبرا از عیوب مخصوص است به علم و موسوم است به حلم و بردباری نظم دهنده دین است و عزّت مسلمین است و هلاک کننده و نابود کننده کافرین است.

امام (ع) یگانه دهر است در علم و بیان احکام خدا و هیچ عالم و سخنوری نمی‌تواند مثل و همتای او باشد شناخت و تعیین امام برای انسان ممکن و میسر نیست مگر اینکه خداوند او را معرفی نماید.

اللهم عرفنی حجّتك

دعا در زمان غیبت امام عصر (عج)

اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي نَسَكَ فَاَنَّكَ اِنْ لَمْ تَعْرِفْنِي نَفْسَكَ لَمْ اَعْرِفْ رَسُوْلَكَ
اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي رَسُوْلَكَ فَاَنَّكَ اِنْ لَمْ تَعْرِفْنِي رَسُوْلَكَ لَمْ اَعْرِفْ
حِجَّتَكَ

اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي حِجَّتَكَ فَاَنَّكَ اِنْ لَمْ تَعْرِفْنِي حِجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ
دِينِي

اللَّهُمَّ لَا تَمُنَّنِي مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً وَ لَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنِي

اللَّهُمَّ فَكَمَا هَدَيْتَنِي لِوِلَايَةِ مَنْ فَرَضْتَ عَلَيَّ طَاعَتَهُ مِنْ وِلَايَةِ
أَمْرِكَ بَعْدَ رَسُوْلِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ حَتَّى وَالَيْتُ وَ لَاةَ أَمْرِكَ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ عَلِيًّا وَ
مُحَمَّدًا وَ جَعْفَرًا وَ مُوسَى عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَ الْحَسَنَ وَ الْحِجَّةَ الْقَائِمَ
الْمَهْدِيَّ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

اللَّهُمَّ وَ أَحْيِ بُوْلِيكَ الْقُرْآنَ وَ أَرِنَا نُورَهُ سَرْمَدًا لَا لَيْلَ فِيهِ وَ أَقِمِ بِهِ
الْحُدُودَ الْمَعْطَلَةَ حَتَّى لَا يَبْقَى حَقٌّ إِلَّا ظَهَرَ وَ لَا عَدْلٌ إِلَّا زَهَرَ وَ
اجْعَلْنَا يَا رَبِّ مِنْ أَعْوَانِهِ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِي بِهِمْ فَائِزًا عِنْدَكَ
فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

ترجمه دعا:

خداوندا شناخت و علم و عرفان ما را عنایت فرما که تو را بشناسیم و گرنه شناخت پیامبرت ما را میسر نیست.

خداوندا ما را توفیق ده که پیامبر (ص) را بشناسیم و از او پیروی و اطاعت کنیم و در غیر این صورت نمی‌توانیم ائمه معصومین را بشناسیم.

خداوندا حجت خود را بما معرفی نما و علم و معرفت و شناخت ما را نسبت به آن حضرت کامل گردان زیرا بر اثر عدم شناخت امام زمان (ع) گمراه شده و دین و ایمان ما تباه گردد.

خداوندا موت و حیات ما را چون موت و حیات محمد و آل محمد قرار بده

خداوندا ولایت ائمه معصومین از ولایت علی تا ولایت مهدی (ع) را به ما عنایت فرما

خداوندا به وسیله امام عصر (ع) قرآن را زنده و جاویدان بنما و رؤیت او را عنایت کن و حدود و احکامی که به آن عمل نمی‌شود بدان وسیله جاری گردان تا اینکه قانون و عدالت در جهان برقرار گردد. خداوندا ما را از یاوران مهدی قرار بده و بر او و اجداد ظاهرینش درود فرست.

فصل اول:

شناخت امام



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

شناخت امام

احکام و اعمال و عباداتی که در اسلام مقرر گشته همه دارای اهمیت و باید به آنها توجه شود و نسبت به آنها کوتاهی نشود و هر کدام را همانطور که شایسته است پذیرا شده و نسبت به آن انجام وظیفه نمود و عبادات را انجام داده و قبولی آن را از خداوند خواهان و به درگاه خداوند برای پذیرفتن آن انتظار داشت در بین احکام و عبادات بعضی دارای اهمیت بیشتر و فوق العاده است و در رابطه با آن سفارش شده مثل نماز و روزه و خمس و زکاة و حج و جهاد از همه بالاتر

مسئله ولایت و امامت است که درباره آن بسیار سفارش شده که انسان به آن توجه کامل داشته و به آن معتقد و پایبند باشد و ولایت و امامت دوازده امام (ع) را اعتقاد داشته و نسبت به هر یک از آن امامان اعتراف و معرفت داشته خصوصاً امام زمان (ع) که هر لحظه در انتظار ظهور آن حضرت بوده و تعجیل در ظهورش را از خداوند درخواست نماید.

امر امامت از مسائل مهم و اساس دین اسلام است و امام دارای اهمیت و عظمت و مقام والائی می باشد ان الامامة اجل قدراً و اعظم شأناً و اعلا مكاناً^۱

کسی مقام والای امام را نمی داند و نمی تواند بفهمد و بالاتر از آن است که تصور شود.

مقام و شأن امام علی (ع) مقام پیغمبر (ص) است و از هر مقامی اعلا و عظمت آن بیشتر است و با امر امامت اسلام به تمام و کمال می رسد چنانکه در غدیر خم چون به امر خداوند پیامبر اسلام (ص) علی (ع) را به مقام امامت معرفی کردند.

جبرئیل (ع) از جانب خداوند پیامبر (ص) و تمام مسلمانان را بشارت داد به امری بسیار مهم که آن موضوع و امر امامت و رهبری حضرت علی (ع) است.

مقام امامت چنان دارای عظمت و ارزش است که خداوند وقتی آن مقام را به حضرت ابراهیم (ع) داد فوق العاده خوشحال شد و او خلیل و دوست خدا بود اما مقام امامت از مقام خلت و دوستی هم بالاتر است.

^۱ اصول کافی ج ۱ ص ۲۸۴ روایت ۱

اول مقام ابراهیم (ع) مقام نوبت و پیامبری بود و بعد خداوند او را دوست خود قرار داد اما مقام سوم که او را مخصوص به آن نمود مقام امامت بود که حضرت ابراهیم خوشحال شد و دید که مقام امامت خیلی شرف و فضیلت دارد که خداوند به او داده و به او اعلان نموده که تو را مقام امامت عنایت نمودم.

بیان ابراهیم

حضرت ابراهیم (ع) وقتی مشاهده فرمود که مقام امامت مقام بسیار ارزشمندی است که خداوند به او عنایت نموده است گفت خداوند این مقام را به فرزندان و ذریه من هم عنایت فرما اما خداوند جواب داد عهد و پیمان من به افراد ظالم نمی‌رسد.

مقام انبیاء علیهم السلام

امام علیه السلام دارای مقام بسیار والا و ارزشمندی است که همان مقام و درجه انبیاء و پیغمبران است و ارث است آن از برای جانشینان و فرستادگان و انبیاء مقام امام علیه السلام خیلی عظمت دارد امامت خلافت خداست.

امام (ع) خلیفه رسول خدا (ص) است و مقام والای حضرت امیرالمؤمنین است و ارث و میراث حضرت امام حسن (ع) و میراث حضرت امام حسین (ع) می باشد.

امام (ع) و نظام مسلمین

امامت زمام دین است بوسیله امام (ع) نظم و کارهای جامعه و مردم اصلاح و منظم می شود و اختیارات بدست او است از دین و احکام خدا و ترتیب دادن کارهای مسلمانان و اصلاح کارهای دنیای مردم و معیشت و زندگی انسانها می باشد.

نماز و عبادت

امام علیه السلام در اوج عظمت و قدرت است و نمونه است و محل توجه مردم است و از امام اسلام رشد و نمو و عظمت پیدا می کند اسلام را رونق می دهد و شاخسار بلند و بالنده اسلام است و به وسیله امام و از برکت وجود امام (ع) نماز و زکاة و روزه و حج و جهاد و تمام عبادات انجام و قبول در گاه خداوند می شود.

ماه تابان

امام علیه السلام مثل خورشید است در جهان که همه از نور و روشنائی او بهره می برند و هدایت می شود از وجود ذی جود آن

حضرت و مثل خورشید است که او جهان را فراگیرد و خود او در افق والائی است بطوری که دست و دیدگان به او نرسد. او مثل ماه تابان است و مثل چراغ فروزان و نوری درخشان و ستاره‌ای راهنما در جهان از برای انسانها است.

رهبر

امام (ع) رهبر و راهنمای مردم و افراد گمراه است آنها که در ضلالت و گمراهی قدم بر می‌دارند از برکت امام (ع) راه صحیح را تشخیص داده و به صراط مستقیم راهنمایی می‌شوند. امام (ع) بارانی است شتابنده و ابری است بارنده و خورشیدی است تابان و روشن کننده

پدر مهربان

امام (ع) رفیق و مونس و دلسوزی است مهربان و مثل پدر نسبت به فرزند خود می‌باشد برای انسانها خیرخواه و مهربان و همچون برادری است هم‌مطراز و برابر و مهربان

اقامة حدود

امام علیه‌السلام حلال خدا را حلال و حرام خدا را حرام می‌داند و رعایت آنها را از مردم می‌خواهد و حدود خدا و احکام و قوانین را برپا می‌دارد و اجرا می‌نماید.

امام (ع) از دین خدا و قوانین الهی دفاع می کند و مردم را بسوی خدا و راه خداشناسی و خداپرستی دعوت می کند با حکمت و پند و اندرز و موعظه خوب و حسنه و با دلیل و برهان و حجت کافی و رسا مردم را به خدا دعوت می نماید.

نظام دین

امام (ع) امین خدا است در زمین از برای مردم و حجت و دلیل و راهنما است برای بندگان خدا و خلیفه و جانشین خدا است در همه جا و مردم را به خدا و بندگی او دعوت می کند و به خداپرستی سفارش و راهنمایی می نماید و موجب نظام دین خدا است و بدانش مخصوص و به خویشان دارای نشانه دار است.

عزت مسلمانان

امام علیه السلام دفاع کننده است از حقوق و قوانین خدائی از برای انسان امام (ع) گناه کار نیست و ازهر عیب و معصیتی مبرا است و از آن دور است و موجب عزت و جلال و سربلندی مسلمانان است.

یگانه و بی نظیر

امام (ع) در زمان خود از لحاظ علم و عمل مثل او کسی نیست و کسی نمی تواند به مقام او برسد یا به منزلت او آگاه شود فردی با

او همپراز نگردد و به او نمی‌رسد دانشمندی با او برابر نشود مثل و نظیر ندارد.

امام کاظم (ع)

حضرت امام هفتم فرمود به تحقیق دلیل و حجتی برای خدا نیست بر خلق مگر زمانی که امام معصوم و پیشوای عادل باشد از جانب خدا بر انسان تا اینکه خدا شناخته شود.^۱

وارث پیامبران

ابی حمزه ثمالی گفت از حضرت امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود الواح و کتاب حضرت موسی (ع) نزد ما است. حضرت امام صادق علیه السلام فرمود عصای موسی (ع) نزد ما می‌باشد و ما ائمه معصومین (ع) وارث انبیاء و پیغمبران هستیم.^۲

خلیفه

حضرت رسول (ص) فرمود یا علی تو دین من و ذمه مرا ادا می‌کنی و تو وصی و خلیفه من و بر امت و پیروان من امیر و رهبر خواهی بود.^۳

۱- کافی ج ۱، ص ۲۵۰ روایت ۱

۲- کافی ج ۱، ص ۳۳۵

۳- منهاج الكرامه، ص ۶۳

امام صادق (ع)

عبدالرحمن بن کثیر گفت شنیدم از حضرت امام صادق (ع) که می فرمود ما ولی امر خدا و گنجینه علم خدا و امانتدار و مخزن وحی خداوند هستیم.^۱

حجة البالغة

سدیر گفت حضرت امام باقر (ع) در جواب سؤال من که عرض کردم شما چه مقامی و سمتی دارید فرمود ما خزانه دار علم خدا هستیم.

ما مترجم وحی خداوند هستیم ما حجة بالغة و رسا هستیم و بر هر کس که در زیر آسمان و روی زمین وجود دارد.^۲

ولایت

امام صادق (ع) از قول پدر بزرگوارش حضرت امام محمد باقر (ع) فرمود که ابو عبدالله جدلی بر حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) وارد شد.

حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرمودند یا ابا عبدالله آیا می خواهی تو را خبر بدهم از قول خدای عز و جل^۳

۳-۲ - کافی ج ۱، ص ۲۷۳ روایت ۱

من جاء بالحسنة فله خيرٌ مهنا عرض کردم چرا یا امیر المؤمنین حضرت علی علیه السلام فرمود مراد از آن ولایت و دوستی ما خانواده است و سیئه انکار ولایت و دشمن ما اهل بیت است سپس آیه را حضرت تلاوت نمودند.

خليفة خدا

جعفری نام فردی است در زمان امام رضا (ع) گفت شنیدم از ابوالحسن یعنی امام رضا که می فرمود ائمه معصومین سلام الله عليهم اجمعین در روی زمین خلیفه خدا می باشند.

خداوند اراده نموده که در روی زمین مردم زندگی کنند و این افراد انسان فرامین خداوند و قوانین او را محترم شمارند و به آنها پایبند باشند و به دستورات خداوند عمل کنند.

خداوند برای انسان افراد ناظری قرار داده تا بر کارهای انسان آگاه و راهنمایی بنماید تا این انسان به وظایف خود عمل بنماید و آن افراد ناظر ائمه معصومین عليهم السلام هستند.^۱

امام صادق (ع)

داوود جصاص که نام مردی است در زمان حضرت امام صادق (ع) اومی گویند شنیدم از امام صادق (ع) که می فرمود و علامات و بالنجم هم یهتدون^۱

حضرت امام صادق (ع) فرمود النجم: یعنی ستاره و مراد از آن ستاره حضرت رسول خدا (ص) می باشد.

والعلامات هم الائمة عليهم السلام

داوود جصاص گفت حضرت امام صادق (ع) فرمود مراد دوازده امام معصوم عليهم السلام می باشند.^۲

ستاره یا چراغ راه هدایت

و شا که نام مردی است در زمان حضرت رضا (ع) می گوید از امام رضا (ع) سوال کردم درباره این آیه از قرآن که خداوند می فرماید:

و علامات و بالنجم هم یهتدون امام رضا (ع) در جواب من فرمود ما علامات و چراغهای راه هدایت مردم هستیم و خداوند بوسیله

^۱ - کافی ج ۱ ص ۲۹۶

^۲ - کافی ج ۱ ص ۲۹۶ روایت ۱

ما انسانها را به راه راست راهنمایی می کند و بوسیله ما مردم راه درست و صحیح را می فهمند و انتخاب می نمایند.

سپس حضرت رضا (ع) فرمود مراد از نجم حضرت محمد رسول خدا (ص) می باشد که در آیه قرآن نام او آمده است و خداوند فرموده و علامات و بالنجم هم یهتدون.

یعنی مردم بوسیله دوازده امام (ع) و رسول مکرم اسلام حضرت محمد (ص) هدایت می شوند.^۱

پرونده‌ها

ابی بصیر گفت حضرت امام صادق (ع) فرمود کارهای بندگان خدا اعم از بدکار و نیکوکار هر روز صبح به رسول خدا (ص) ارائه می شود.

این قول خداست

که در قرآن آمده است اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله^۱ انجام بدهید و هر کاری که خواستید پس می بیند خداوند کارهای شما را و رسول خدا (ص) هم می بیند.

عن يعقوب بن شعيب قال سألت ابا عبد الله عليه السلام عن قول الله عز وجل اعملوا فسيرى الله عملكم ورسوله والمؤمنون قال هم الائمة.^۲

مؤمنون ائمه (ع) هستند

يعقوب بن شعيب گفت سوال کردم از حضرت امام صادق (ع) از قول خدای عزوجل که اعملوا هر کاری خواستید بکنید خدا و رسول و مؤمنون می بینند حضرت صادق (ع) فرمود: مراد از مؤمنون ائمه معصومین عليهم السلام می باشند.

دعای امام رضا (ع)

عبدالله بن ابان زیات گفت به حضرت امام رضا (ع) عرض کردم که برای اهل و عیال من دعا کند حضرت فرمود مگر انجام نمی دهم؟

حضرت رضا (ع) فرمود به خدا قسم کارهای شما در هر روز و شب به ما عرضه می شود.^۱

^۱ - کافی ج ۱ ص ۳۱۸ روایت ۲

^۲ - همان

^۱ - کافی ج ۱ ص ۳۱۹ روایت ۴

تعجب

عبدالله گفت من تعجب کردم پس حضرت فرمود آیا نمی خوانی کتاب خدای عزوجل را که گفت بکنید هر کاری که خواهید خدا و رسول خدا (ص) و مومنون می بینند حضرت رضا (ع) فرمود به خدا قسم مراد از مومنون علی بن ابی طالب (ع) است.

اطاعت امام السلام (ع)

ابی حمزه گفت حضرت امام باقر (ع) فرمود به تحقیق کسی خدا را عبادت کرد که او را شناخت اما کسی که او را شناخت گمراه شد و عبادت او جاهلانه و گمراهانه است.

ابی حمزه به امام باقر علیه السلام عرض نمود فدایت شوم پس چگونه است معرفت و شناخت خدا امام (ع) فرمود شناخت خدا و معرفت نسبت به او تصدیق و قبول کردن وجود او است و تصدیق و قبول نمودن رسول و فرستاده خداوند می باشد.

یکی دیگر از شرطهای معرفت و خداشناسی و عبادت او دوستی علی (ع) و پیروی از آن حضرت و ائمه معصومین سلام الله علیهم

و بیزاری جُستن از دشمن آنها است که به این صورت خداوند شناخته می شود.^۱

خشم و سرور

سماعه گفت از حضرت امام صادق (ع) شنیدم که فرمود چگونه و به چه علت رسول خدا را ناراحت و به خشم می آورید پس مردی گفت چگونه ناراحت می شود.^۲

فرمودند آیا نمی دانید که اعمال و رفتار شما به آن حضرت ارائه می گردد پس اگر در آن اعمال شما بدی مشاهده نمود ناراحت می شود آن حضرت را ناراحت نکنید و بلکه با کارهای نیکو حضرت رسول خدا را سرور و خوشحال کنید.^۳

^۱- کافی ج ۱ ص ۲۵۴ روایت ۱

^۲- کافی ج ۱ ص ۳۱۹ روایت

^۳- همان

عرفان

عبدالاعلی گفت شنیدم که حضرت امام صادق (ع) می فرمود هیچ نبی و پیامبری نیامد مگر اینکه معرفت و حق ما را دانست و فضل و برتری ما را برد دیگران اعتراف داشت.

رستگار

جابر گفت ما نزد پیامبر (ص) بودیم که حضرت علی بن ابی طالب رضی الله تعالی عنه وارد شد پس حضرت رسول الله (ص) فرمود به آن کسی که جان من در دست قدرت و در اختیار او است به حقیقت و به درستی که ان مرد و شیعه و پیروان او در روز قیامت رستگار خواهند بود.^۱

گنجینه علم

حضرت امام امیرالمومنین (ع) فرمودند که ما خانواده علم و دانش و محل و معدن معلومات هستیم حضرت در موارد فراوانی فرموده که از من سوال کنید آنچه را نمی دانید تا جواب بشنوید. ما اهل بیت نبوت و شجره آن هستیم و محل و موضع رسالت از خداوند برای شما مردم می باشیم و جای و محل رفت و آمد ملائکه و فرشتگان خداوندیم.

ما خانواده بخشش و رحمت و دلسوز برای انسان‌ها هستیم.^۱

امام (ع) و شناخت خدا

ابی بصیر می‌گوید که حضرت امام صادق (ع) فرمودند اوصیا یعنی ائمه علیهم‌السلام راههائی جهت توجه مردم به سوی خداوند هستند و خدا بوسیله آنها شناخته می‌شود.

و اگر آن اوصیا و امامان معصوم سلام علیهم اجمعین نبودند خداوند شناخته نمی‌گشت و خداوند به آنها بر مردم احتجاج و اتمام حجت می‌کند که انسانها خدا را بشناسند و عبادت کنند و هیچ‌گونه عذری نیاورند.

^۱ - کافی ج ۱ ص ۳۲۱ روایت ۲

بخش دوم :

ویژگی‌های امام (ع)



ویژگی های امام (ع)

عن یونس بن یعقوب قال عند ابی عبدالله (ع) جماعه من اصحابه منهم حمران ابن اعین و محمد بن النعمان و هشام بن سالم و الطیار و جماعه فیه هشام بن الحکم و هوشاب.

فقال ابو عبدالله (ع): یا هشام الا تخبرنی کیف صنعت بعمر و بن عیید و کیف سالتہ فقال هشام اجلک و استحیک و لا یعمل لسانی بین یدیک.^۱

سخنان امام صادق (ع) و هشام

عدهای از اصحاب حضرت امام جعفر صادق (ع) نزد آن حضرت بودند که در بین آنها هشام بن حکم بود و او کم سن و سال و جوان بود پس امام (ع) به او فرمود ای هشام آیا خبر نمی دهی مرا که چگونه رفتار کردی با عمر و بن عیید.

چگونه با او بحث کردی و سوال نمودی هشام گفت عظمت و اقتدار شما مرا مانع می شود که سخن بگویم و حیا می کنم و زیانم قدرت بیان ندارد در حضور شما که صحبت کنم.

فقال ابو عبدالله (ع) اذا امرتکم بشئ فافعلوا

امام صادق (ع) فرمود وقتی که به شما امر می کنم آن را انجام دهید.

قال هشام بلغنی ما کان فیہ عمر و بن عبید و جلسوه فی مسجد البصره فعظم ذلک علی فخرجت الیه و دخلت البصره یوم الجمعه فاتیت مسجد البصره فاذا انا حلقه کبیره فیها عمر و بن عبید و علیہ سودا مترراً بها من صوف و شمله مرتدیاناً بها و الناس یسألونه فاستفرجت الناس فاخرجوا لی ثم قعدت فی اخر القوم علی رکتی

جلسه بحث در مسجد بصره

هشام بن حکم در جواب سؤال حضرت صادق علیه السلام گفت جریان از این قرار بود که شنیدم و به من خبر رسید که عمر و بن عبید در مسجد بصره می رود و در آن محل جلسه دارد پس این کار او بر من گران آمد پس بسوی او رفتم.

به شهر بصره وارد شدم در حالیکه روز جمعه بود پس بطرف مسجد رفتم وارد شدم جمعیتی را دیدم که افراد آنها زیاد بود و در بین آن جمعیت عمر و بن عبید را دیدم که صحبت و سخن می گفت جامه پشمینه سیاهی به کمر بسته و عبائی به دوش انداخته و مردم از او سؤال می کنند

ثم قلت ايها العالم اني رجل تأذن لي في مسأله فقال نعم فقلت له
ألك عين

اجازه دارم سؤال کنم

از مردم راه خواستم و جلو رفتم و در آخر جمعیت به زانو نشستم
و آن وقت گفتم ای مرد دانشمند من مردی غریب اجازه دارم
مسأله‌ای سؤال کنم گفت آری گفتم شما چشم داری؟
گفت این چه سؤالی است

فقال يا نبی ای شیء هذا من السُّؤال شیءٍ تراه كيف تسال عنه فقلت
هكذا مسألتي

عمر و بن عبید گفت ای پسرک من این چه سؤالی است چیزی
که می‌بینی از آن سؤال می‌کنی!

فقال سل وان كانت مسألتك حمقاء قلت اجنبي فيها قال لي سل
قلت ألك عين قال نعم قلت فما تصنع بها قال اری بها الالوان و
الاشخاص

سوال احمقانه

گفتم سؤال من چنین است گفت پرس و اگر چه سؤال تو
احمقانه است گفتم آیا چشم داری گفت آری گفتم با او چه کار
می‌کنی گفت با او رنگها و اشخاص را می‌بینم.

قلت فلک انف قال نعم قلت فما تصنع به گفتم بینی داری گفت
آری گفتم با آن چه کار می کنی؟

قال اشم به الرائحة قلت الک فم؟ قال: نعم قلت فما تصنع به قال
اذوق به الطعم قلت فلک اذن قال نعم قلت فما تصنع به قال اسمع
بها الصوت قلت الک قلب قال نعم قلت فما تصنع به قال اُمیز به
کَلما ورد علی هذه الجوارح و حواس

گفت با بینی می بویم گفتم دهان داری گفت آری گفتم با آن چه
کار می کنی گفت با آن مزه ها را می چشم گفتم گوش داری
گفت آری گفتم با آن چه می کنی با آن صداها را می شنوم.
گفتم قلب داری گفت آری گفتم به چه کار آید تو را گفت با
آن هر چه بر حواسم و اعضایم بیاید تشخیص دهم.

قلت اولیس فی هذه الجوارح غنی عن القلب؟ فقال لا قلت فكيف
ذلک و هی صحیحة قال یا نبی ان الجوارح اذا شکت فی شئی
شمته او رآته او ذاقته او سَمِعَتْهُ رَدَّتْهُ اِلَى القلب فیسْتیقن الیقین و
یَبطل الشک

قلب

هشام: گفتم آیا این جوارح از قلب بی نیاز نیستند گفت نه پس
گفتم چرا در حالیکه آنها سالم و صحیح هستند گفت ای پسرک

من، بدرستی که جوارح وقتی در چیزی اشتباه کنند و شک نمایند در بویائی و یا در دیدن یا در طعم یا در شنیدن به قلب رجوع می کنند و بوسیله قلب یقین می کنند و شک باطل می شود و رفع می گردد.

هشام و عمر و بن عبید

قال هشام فقلت له فانما اقام الله القلب لشك الجوارح قال نعم قلت لابد من القلب و الا لم نستيقن الجوارح قال نعم فقلت له يا ابامروان فالله تبارك و تعالی لم يترك جوارحك حتى جعل لها اماماً يضح له الصحيح و يتيقن به ما ستك فيه يا ابامروان

هشام گفت پس به عمر و بن عبید گفتم خداوند قلب را برای جوارح ایجاد کرده برای رفع شک و تردید آنها گفت بله و گرنه برای آنها یقین حاصل نشود گفت آری گفتم خداوندی که اعضا و جوارح را برای حصول یقین رفع تردید برایشان امام و راهنما قرار داده آیا خلق و انسانها بدون اینکه امام و پیشوا برای آنها باشد ممکن است؟! !!

شناخت احکام و هدایت انسان آیا بدون امام امکان دارد؟
و تیرک هذا الخلق کلهم فی حیرتهم و شکهم و اختلافهم لا یقیم
لهم اماماً یردون الیه شکم و حیرتهم و یقیم لک اماماً لجوارحک
ترد الیه حیرتک و شکک قال فسکت

مردم سرگردان

هشام گفت به عمرو بن عبید گفتم خداوند مردم را واگذارد، و در
شک و حیرت و تردید و اختلافات و برای آنها امام قرار نداده که
تردید و اختلاف آنها را رفع کند و برای اعضاء و جوارح تو امام
قرار داده و قلب ایجاد کرده برای رفع شک و تردید پس او
ساکت شد.

عمر و بن عبید محکوم شد

لم یقل لی شیئاً التفت الی فقال لی أنت هشام بن الحکم فقلت لا
قال أمن جلسائه قلت لا قال فمن أين أنت قلت من أهل کوفه قال
فانت اذا هوئتم ضمینی الیه و افعدنی فی مجلسه و زال عن مجلسه و
ما نطق حتی قُمتُ

عمرو بن عبید ساکت شد

هشام گفت عمرو بن عبید دیگر حرفی نگفت و ساکت ماند و محکوم شد پس متوجه من شد و گفت هشام بن حکم هستی گفتم نه گفت از هم ردیفان او هستی گفتم نه گفت پس از کجا آمدی و از کجاستی گفتم از اهل کوفه هستم.

عمرو بن عبید هشام را شناخت گفت پس تو خود هشام هستی پس مرا در آغوش گرفت و برد به جای خود نشانید و خود برخاست و تا من آنجا بودم سخن نگفت.

امام صادق (ع)

فَضَحَكَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) وَقَالَ يَا هُشَامُ مِنْ عِلْمِكَ هَذَا قُلْتَ شَيْئًا اخذته منك و ألفته و فقال هذا و الله مكتوب في صحف إبراهيم و موسى

در کتاب موسی (ع)

امام صادق (ع) چون کلام هشام و مباحثه او را با عمرو بن عبید شنید که او را محکوم نموده در امر امامت خوشحال شد و خنده نمود و فرمود ای هشام چه کسی این مطالب را بتو آموخت که چنین با او سخن گفتمی و امر امامت را ثابت کردی.

هشام جواب داد

هشام در جواب امام صادق (ع) عرض نمود که این مطالب را از شما آموختم و ردیف کردم آن سخنان شما را و بدینوسیله عمرو بن عبید را محکوم کردم.

امام صادق (ع) فرمود به خدا قسم این مطالب نوشته شده در کتاب حضرت ابراهیم (ع) و در کتاب حضرت موسی (ع) نیز بیان شده است.

عن ابی بصیر عن ابی عبدالله (ع) فی قول الله عز و جل و من یؤت الحکمة فقد اوتی خیراً کثیراً فقال طاعة الله و معرفة الامام^۱

حکمت

ابوبصیر می گوید حضرت امام صادق علیه السلام فرمود درباره قول خدای عز و جل که و من یؤت الحکمه فقد اوتی خیراً کثیراً کسی که خدا را شناخت و اطاعت نمود و نسبت به امام معصوم معرفت داشت و او را شناخت خداوند خیر و خوبی بسیار به او داده است و این حکمت است.

صفات و خصال امام (ع)

امام معصوم علیه السلام دارای صفاتی است که آن علامات در افراد دیگر نیست و کسان دیگر نمی توانند همانند و همپراز امام (ع) باشند از جمله آن

- ۱- علم امام از همه افراد بیشتر است
- ۲- قضاوتش از هر کس بهتر باشد.
- ۳- از همه با کفایت است.
- ۴- با تقواترین مردم است.
- ۵- شجاعتترین افراد می باشد.
- ۶- سخاوتش بیشتر از دیگران است.
- ۷- در عبادت و بندگی برای خدا بی نظیر است. یعنی کسی نمی تواند مانند او خدا را بشناسد و او را عبادت کند.
- ۸- به گناه آلوده نیست.
- ۹- امام چنانکه از جلو می بیند از پشت سر هم می بیند.
- ۱۰- هنگام تولد شهادتین گوید.
- ۱۱- چشم او به خواب می رود اما قلب او بیدار است.
- ۱۲- ملک و فرشته از جانب خدا با او سخن می گوید.
- ۱۳- زره رسول خدا (ص) بر قامت او درست و به اندازه است.

- ۱۴- بوی خوش او از مشک و عنبر بهتر است.
- ۱۵- ولایت و اختیارات امام معصوم (ع) به افراد از خود افراد بیشتر است.
- ۱۶- امام برای مردم از پدر و مادر مهربانتر و دلسوزتر است.
- ۱۷- از همه مردم نسبت به خدا تواضع اش بیشتر است.
- ۱۸- واجبات را از دیگران بهتر انجام می دهد و نواهی و محرمات را از همه بهتر از آن خودداری می نماید.
- ۱۹- دعای او مستجاب است.
- ۲۰- اسحله رسول خدا نزد او است.
- ۲۱- ذوالفقار و شمشیر پیامبر (ص) نزد امام (ع) است.
- ۲۲- اسم و نام تمام دوستان و شیعیان نزد امام موجود است.
- ۲۳- کتاب جامع نزد امام (ع) است که در رابطه با نیازمندیهای جامعه است.
- ۲۴- کتاب جفراکبر و جفراصغر نزد امام است که در آنها است نام شیعیان.
- ۲۵- مصحف حضرت فاطمه س نزد امام (ع) است.
- ۲۶- محتلم نمی شود.
- ۲۷- ختنه کرده بدنیا آید.

- ۲۸- سخنان فرشتگان را می شنود.
- ۲۹- بول و غایط از او دیده نمی شود.
- ۳۰- در امر به معروف و نهی از منکر جدی است و مردم را از کارهای زشت نهی نموده و آنان را از چنین کاری باز می دارد.
- ۳۱- امام (ع) سایه ندارد.
- ۳۲- امام بوسیله روح القدس کمک می شود.
- ۳۳- فراموشی و سهو ندارد.
- ۳۴- از حوادث آینده خبر دارد.
- ۳۵- امام وسیله کمال دین است.
- ۳۶- امامت ارث است از جانب حضرت محمد (ص).
- ۳۷- امامت ریشه و اساس اسلام و زیربنای استوار دین است.
- ۳۸- امام چراغ روشن ستاره فروزان و ماه تابان و خورشید درخشان است.
- ۳۹- امام مثال آب خوشگوار است.
- ۴۰- مانند دریای پهناور و عمیقی است که هیچ غواص به عمق آن نتواند رسید.
- ۴۱- مانند ابری است که پیوسته از آن بارانهای نافع از آن ریزشی نماید.

۴۲- امام بزرگوار و امین است و حجت خدا است.

۴۳- امام معصوم است.

۴۴- معدن عبادت و پاکی و پارسائی است.

۴۵- مانند زمین پهناوری است که تمام برکات و روئیدینهای مورد

نیاز انسان از آن حاصل شود.

۴۶- امام همچون آتش پر شعله‌ای است بر فراز بلندای جهان

هستی که انسانها را گرما و انرژی بخشد و موجب هدایت و

راهنمایی آنها می‌باشد.

۴۷- به امور اقتصادی و اجتماعی و سیاسی از تمام افراد داناتر است.

۴۸- امام (ع) به نیازهای مردم آگاه است و جهت رفع نیازها کوشا

است.^۱

فصل دوم:

آیات و روایات درباره‌ی حضرت مهدی عج



اعلامیه جهانی

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ
تَعْقِلُونَ^۱

بدانید که خداوند زمین را پس از مردنش زنده می گرداند ما آیات خود را برای شما بیان کردیم تا در آن باره تأمل بنمائید امام باقر (ع) فرمود مراد این است که خداوند زمین مرده را بعد از بیدادگری اهلش با ظهور مهدی قائم آل محمد اصلاح می کند.

این نوید و بشارت را نه تنها قرآن بدان اشاره دارد بلکه تمام انبیاء جریان قیام و ظهور مهدی (عج) را خبر داده اند و از آن حضرت نام برده اند و در کتابهای پیامبران گذشته نام آن امام قائم ذکر گردیده در تورات حضرت موسی (ع) بنام بلغه و ماشع آمده است و در صحف ابراهیم (ع) حاشر و در کتاب زیور حضرت داوود پیامبر (ع) مفیق و در کتاب انجیل مسیح زمان بیان شده و در کتاب زمزم سروش ایزد و در کتاب مجوس بهرام و خسرو و در کتاب آزر فارسیان پرویز و در کتاب فرنکان فیروز و در کتاب رومیان فردوس اکبر و راهنما و برهان الله و ایستاده و خداشناس از

نامهای حضرت مهدی (عج) می‌باشد که در کتب از آن حضرت یاد آوری شده است.^۱

يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ^۲

اراده‌ی خدا

برای هدایت انسان خداوند انبیاء و ائمه عليهم السلام را تعیین نموده و در طول تاریخ زندگی بشر پیامبران و امام معصوم وجود داشته حکام ظالم که در هر زمان با پیامبران و ائمه عليهم السلام مبارزه نموده آنها را که مانع و سدّ راه لجام گسیختگی آنها بوده از میان بردارند لکن نتوانستند و موفق نشدند زیرا خواست خدا و اراده او به این امر قرار گرفته که انسانها بدون پیشوا و امام و رهبر بسر نبرند و در ظلمت جهل و نادانی قرار نگیرند بلکه بوسیله پیامبر و امام عليهم السلام هدایت شده و راه تکامل را در پیش گیرند گرچه کافران و دشمنان مخالفت ورزند.

۱- کتاب دارالسلام ص ۴۷.

۲- سوره صف آیه ۸.

وَ اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ^۱

نور و ظلمت

از حضرت امام باقر (ع) روایت شده که فرمود مراد از آیه زمان حضرت امیرالمؤمنین (ع) است که آن حضرت بوسیله ظلم و جور و افراد ظالم و دولت باطل و ظلمت و تاریکی و جهل آن افراد چون تاریکی شب فرا رسید و نور و روشنی حق و حقیقت را مستور نموده و حضرت امیرالمؤمنین ناگزیر به صبر گردید و مراد از نهار اذا تجلی زمان حضرت مهدی (عج) است که دولت او ظاهر شود و بر کفر غالب گردد.^۲

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ
تَعْقِلُونَ^۳

وعدۀ خدا

خداوند در رابطه با ظهور حضرت بقیۀ الله الاعظم حضرت مهدی (عج) در قرآن آیات فراوانی را در نشانه از ظهور آن حضرت

۱- سوره واللیل آیه ۲۲

۲- ترجمه ۱۳ بحار ص ۲۵۵

۳- سوره حدید آیه ۱۶.

و عده داده از جمله آن آیه پنجاه و چهارم از سوره نور است که به انسان اعلان نموده که بدانید پس از مرگ و نابودی و جهل و گمراهی و تباه شدن زندگی واقعی و صحیح در زمین باز زمین زنده می‌شود که مراد از آن وقتی است که حضرت مهدی (عج) ظهور فرماید و برای انسانها تحولی تازه در روی زمین و زندگی ایجاد گردد و این از آیات و نشانه‌ها و اراده و کار خدا است شاید که این انسان توجه نموده و بداند که اراده خدا پس از قتل انبیاء و کشته شدن بسیاری از آنها بدست ظالمان و حکام زمان و شهادت ائمه معصومین علیهم السلام خداوند حضرت مهدی را از شر دشمنان محفوظ نموده برای هدایت انسانها تا زمانی که خداوند اراده نماید آن حضرت ظهور نموده و ظلم و ظالم را نابود نموده و از بین ببرد و احکام اسلام را جاری نماید.

اراده نمودند دشمنان که امام (عج) را به شهادت برسانند و نور خدا را که امام است و چراغ راه هدایت است نابود کنند اما نتوانستند و خداوند آنچه اراده نموده است جاری شده و اجرا می‌شود هر چند که کافران و دشمنان و ظالمان زمان اکراه داشته و از آن ناراحت باشند.

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ
الصَّالِحُونَ^۱

انسان‌های شایسته

اراده خداوند بر این است که دولت حق پیروز شود و کفر و ظلم در جهان نابود گردد و این مشیت خدا است که در کتاب زیور که از کتب آسمانی است که به حضرت داود پیامبر (ص) ارسال شده آمده است و در کتب دیگر مثل تورات موسی یادآوری شده و در لوح محفوظ نیز نوشته شده بنابر آنکه مراد از ذکر لوح محفوظ است.

وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ
نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ^۲

حضرت مهدی عج

حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرمود مراد از آنها که در زمین ضعیف گشته‌اند اهل و آل پیامبر (ص) می‌باشند که خداوند بوسیله مهدی

۱- س انبیاء ص ۱۰۵.

۲- سوره قصص آیه ۴.

(عج) و دولت او آنان را عزیز و گرامی دارد و دشمنان آنها را ذلیل و نابود گرداند.

قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا^۱

دولت و حکومت حق

در رابطه با ظهور حضرت مهدی (عج) و حکومت او در روی زمین است که با ظهور آن حضرت دولت باطل از میان برداشته شود و نابود گردد و حکومت حضرت مهدی (ع) برقرار و پایدار شود.

سَزُيْهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ^۲

پیروزی حق بر باطل

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود که خداوند به اهل باطل و ظالم نشان دهد که چگونه عذاب شوند و از بین رفته و نابود گردند و حکومت عدل بوسیله حضرت مهدی (عج) برقرار گردد

۱- سوره اسراء آیه ۸۴.

۲- سوره فصلت آیه ۵۳.

و دولت آن حضرت آشکار شود و حکومت حق بر باطل پیروز شود.^۱

وَلَنبَلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ
وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ^۲

علامات قبل از ظهور

قبل از قیام و ظهور حضرت مهدی (عج) خداوند انسانها را در مواردی امتحان کند که از جمله آن گرسنگی و بیماری و ترس و نقص در اموال و جانها است و قحطی و نیامدن باران و بالا رفتن قیمتها و تورم است.

افراد مؤمن که در این شرایط سخت ایمان خود را حفظ نموده و منتظر دولت حق و ظهور مهدی (عج) باشند خداوند آنها را بشارت داده

^۱ - ترجمه ج ۱۳ بحار ص ۲۶۶

^۲ - سوره بقره آیه ۱۵۰.

قال الحسين عليه السلام: انَّ قُدَامِ الْقَائِمِ عِلَامَاتٌ تَكُونُ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى
وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَ هِيَ قَوْلُهُ تَعَالَى: وَ لَبِئْسَ لَكُمْ بَشِيرٌ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ
وَ نَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشَرِ الصَّابِرِينَ عِنْدَ ذَلِكَ
بِتَعْجِيلِ خُرُوجِ الْقَائِمِ اِنْ دَوْلَةُ اَهْلِ نَبِيِّكُمْ لَهَا^۱

امتحان

حضرت امام حسین (ع) فرمودند نزدیک به ظهور مهدی علاماتى
است که خداوند از آنها در قرآن یاد آوری نموده است.

آنها عبارتند از امتحان افراد مؤمن و خداپرست و آزمایش به
کمبودها در مواد غذائی و ترس و کاهش در اموال و در جانها و
مرگ‌های ناگهانی و نابودی و کاهش میوه‌ها در این شرائط فرج
نزدیک است و صابران را مژده دهید که ظهور حضرت مهدی امام
قائم نزدیک است و ظهور دولت اهل بیت پیامبرتان نزدیک
است.^۲

۱- نهج النهار ص ۶۰.

۲- خرائج قطب راوندی ص ۲۸۵.

عن موسى العلوی قال: قال سیدی جعفر بن محمد (ع) الخلف الصالح من ولدی هوالمهدی اسمه محمد و کنیته ابوالقاسم یخرج فی آخرالزمان امه صیقل^۱

نام مادرش صیقل

مردی بنام موسی علوی گفت: سید و آقایم امام صادق جعفر بن محمد (ع) فرمود خلف صالح فرزندم مهدی است که اسم او محمد و کنیه او ابوالقاسم است و در احزابالزمان ظهور نماید و مادرش صیقل نام دارد و مشهور آن است که نام مادر امام زمان (ع) نرجس می باشد و بنابر بعضی روایات سوسن و ملیکه و ریحانه است.^۲

عن ابوالادیان قال: كنت اخدم الحسن بن علی علیهماالسلام فدخلت الیه فی عِلَّتِهِ الّتی توفّی فیها فکتب معی کتباً و قال: تمضی بها الی المدائن فانک ستغیب خمسۀ عشر يوماً فتدخل الی سرمن

۱- تاریخ موالید الاثمه ص ۳۶.

۲- من هوالمهدی ص ۲۱۹.

رأى يوم الخامس عشر و تسمع الواعية فى دارى و تجدنى على
المغتسل^۱

امام حسن عسکری (ع) و پایان عمر

ابوالادیان گفت که خادم حضرت عسکری بودم و روزی بر آن
حضرت وارد شدم که آن حضرت بیمار بود و به آن بیماری از
دنیا رحلت نمود.

آن حضرت نامه‌هایی نوشت و بمن داد و فرمود به مدائن ببر و
مدت پانزده روز طول می‌کشد تا به سرّ من رای بازگردد و چون
روز پانزدهم باز گردی در خانه من جریانی را بیابی و بشنوی و مرا
در مغتسل و غسل خانه خواهی یافت که مراد و منظور آن
حضرت خبر دادن از مرگ خود بوده

قال ابوالادیان: فقلت: یاسیدی فاذا کان كذلك فمن قال: من
طالبک بجوابات کتبی فهو القائم من بعدی فقلت: زدنی فقال: من
صلی علیّ فهو القائم بعدی فقلت: زدنی فقال: من اخبر بما فی

الهمیان فهو القائم من بعدی و خرجت بالکتاب الی المدائن و
اخذت جواباتها

امام بعد از شما کیست؟

ابوالادیان حضور امام عسکری (ع) عرض نمود اگر چنان شود که
فرمودی بعد از شما امام چه فردی است و امام و رهبر کیست؟
امام (ع) فرمود آن کسی که از شما جواب نامه‌ها را بخواهد که
من نوشته‌ام پس او قائم بعد از من است.

عرض نمودم برایم بیشتر توضیح بفرمائید امام (ع) فرمود آن فردی
که بمن نماز بخواند او قائم بعد از من است و او وصی من و امام و
رهبر شما است.

عرض کردم باز هم برایم مطلب را روشن کن و توضیح بفرمائید.
آن حضرت فرمودند: آن کسی که خبر دهد تو را در آنچه میان
همیان است او امام قائم است بعد از من پس من از شهر خارج
شدم بطرف مدائن و نامه‌های آن حضرت را رساندم و جواب آنها
را گرفتم و باز گشتم.

و دخلت سر من رای یوم الخامس عشر کما ذکر (ع) فاذا أنا بالواعیه علی داره و اذا به علی المغتسل الی آن قال: فلما صرنا بالدار اذا نحن بالحسن بی علی صلوات الله علیه علی نعشه مکفناً امام را کفن کردند

در روز پانزدهم وارد شدم به شهر سرمن رای چنانکه آن حضرت فرموده بود پس پیشامد و خبر ناگواری را که حکایت از مرگ و موت آن حضرت داشت.

آن امام را در غسل خانه یافتم که مرده و او را کفن نموده‌اند. پس جعفر برادر آن حضرت آمد تا بر او نماز میت بخواند چون جلو آمد و خواست که تکبیر بگوید و نماز را شروع نماید جوانی آمد که صورت او گندم گون بود و جعفر را کنار زد و خودش برای نماز خواندن حاضر شد.

و بشعره قَطَط^۱ باسنانه تفلج^۲ فجذب رداء جعفر بن علی و قال: یا عمّ فانا أحق بالصلوٰه علی ابی فتأخر جعفر و قد اربّد و جهد فتقدم الصبی فصلى علیه و دفن الی جنب قبرایه ثم قال:

۱- الشعر قصيراً جعداً

۲- منفرج الاسنان

من سزاوارترم

ابوالادیان گفت آن جوان را دیدم که موهای سرش مجعد بود و دندانهای او از یکدیگر فاصله داشت.

فرمود ای جعفر ای عموی من برو عقب که من احق و سزاوارترم که بر پدرم نماز بخوانم پس جعفر رفت کنار و صورت جعفر رنگبرنگ شد پس آن جوان جلو آمد و بر امام (ع) نماز خواند و او را کنار قبر پدر بزرگوارش دفن نمود.

ثم قال يا بصری هات جواب الكتابات التي معك فدفعتها اليه فقلت في نفسي هذه سنتان بقي ما في الهميان و انه اخبر بما في الهميان
جواب نامه های پدرم را بده
پس آن جوان فرمود:

ای بصری جوابهای نامه های پدرم را بده آن نامه ها که او به شما سپرده بود. پس نزد خود گفتم که این دو نشانه و علامت از امامت او است که حضرت عسکری (ع) بمن خبر داده است.
اما خبر دادن او از همیان باقی است که بمن خبر بدهد و آن حضرت بمن اعلان نمود و خبر داد از آن علامتها که در همیان موجود بود.

عن محمد بن معاویه بن حکیم و محمد بن ایوب بن نوح و محمد بن عثمان العمری قالوا عرض علينا ابو محمد (ع) ابنه و نحن فی منزله و کنا اربعین رجلاً فقال: هذا امامکم من بعدی و خلیفتی علیکم اطیعوه و لا تتفرقوا من بعدی فهلکوا فی ادیانکم اما انکم لا ترونه بعد یومکم هذا فما مضت الايام قلائل حتی مضی ابو محمد (ع)^۱

وصیت و سفارش امام عسکری (ع)

راوی گفت که ما چهل نفر بودیم در خانه امام عسکری (ع) آن حضرت فرزند خود امام قائم (ع) را بما نشان داد و فرمود این امام شما است بعد از من و خلیفه من است بر شما پس از او اطاعت کنید و متفرق نشوید که هلاک شوید در دین خود و بعد از این دیگر او را نمی‌بینید پس چند روزی بیش نگذشت که ابو محمد امام عسکری (ع) از دنیا رحلت نمود.

عن ابی بصیر عن ابی عبدالله علیه السلام قال ابی (ع) جابر بن عبدالله الانصاری ان لی الیک حاجه فمشی ینحف علیک ان اخلوا بک و اسئلك عنها فقال له جابر فی ای الاوقات فخلی به ابو جعفر علیه السلام فقال له یا جابر اخبرنی عن اللوح الذی رایته فی ید امی فاطمه بنت رسول الله صلوات الله علیهما و ما اخبرتک به أن فی ذلک اللوح مکتوباً؟^۱

لوح فاطمه (ع)

ابی بصیر روایت نمود از امام صادق (ع) که فرمود پدرم امام باقر (ع) به جابر ابن عبدالله انصاری فرمود من با تو کاری دارم چه وقت برایت ممکن است تا با تو صحبت کنم و سؤال نمایم؟ جابر عرض نمود هر موقع که تصمیم داری حاضرم تا در خدمت شما باشم پس ابو جعفر (ع) با او سخن گفت و فرمود ای جابر خبر بده، بمن از لوحی که دیدی در نزد مادرم فاطمه دختر رسول خدا صلوات الله علیهما و آنچه که از آن تو را خبر داد که در آن لوح نوشته شده؟

قال جابر أشهد بالله اني لَمَّا دخلتُ على امّك فاطمه عليها السلام في حيوة رسول الله (ص) اهينها بولادة الحسين فرأيت في يدها لوحة اخضر ظننت أنه من زمرد و رأيت فيه كتاباً ابيض شبيهة بنور الشمس فقلت لها بابي انت و امي يا بنت رسول الله ما هذا اللوح؟

مثل نور خورشید

جابر عرض نمود که به خدا قسم وارد شدم به مادرت فاطمه عليها السلام در زمان حیات رسول خدا (ص) تا اینکه به او تهنیت گویم به ولادت امام حسین (ع)

پس در دست او دیدم لوحی را که سبز رنگ بود که گمان کردم جنس او از زمرد است و در آن دیدم نوشته است به رنگ سفید که شبیه و مانند نور خورشید بود.

پس گفتم به مادرت فاطمه عليها السلام مادر و پدرم فدایت شود ای دختر رسول خدا این لوح چیست؟

فقلت هذا اللوح اهداه الله جل جلاله الي رسوله (ص) فيه اسم ابي و اسم بعلي و اسم النبي و اسماء الاوصيا من ولدي فاعطانيه الي ليسرني بذلك قال جابر فاعطتنيه امك فاطمه (ع) فقرأته و انتسخته

فَقَالَ لَهُ ابِي يَا جَابِرُ هَلْ لَكَ أَنْ تَعْرِضَهُ عَلَيَّ؟ قَالَ نَعَمْ فَمَشَى مَعَهُ ابِي (ع) حَتَّى انْتَهَى إِلَى مَنْزِلِ جَابِرٍ فَاخْرَجَ إِلَيَّ ابِي صَحِيفَةً مِنْ وَرَقِ

هدیه خدا

پس حضرت فاطمه س فرمود این لوح را خداوند جل جلاله اهداء نموده به رسولش که در او است اسم پدرم و اسم شوهرم و اسم هر دو پسر و اسمهای تمام اوصیاء از فرزندانم پدرم آن لوح را بمن اعطاء نموده و هدیه داد تا بوسیله آن خوشنود شوم.

جابر گفت: سپس مادرت فاطمه س آن را بمن داد و من لوح را خواندم و از روی آن نوشتم.

پدرم فرمود: ای جابر آیا آن را بمن نشان می دهی؟ جابر عرض نمود بله پس از آن پدرم همراه او رفت به منزل جابر او صحیفه را آورد و به پدرم ارائه نمود.

فَقَالَ لَهُ ابِي يَا جَابِرُ أَنْظِرْ أُنْتَ فِي كِتَابِكَ لِأَقْرَأَهُ أَلَا أَنَا عَلَيْكَ فَانظُرْ جَابِرُ فِي نَسْخَتِهِ فَقَرَأَ عَلَيْهِ ابِي (ع) فَوَاللَّهِ مَا خَالَفَ حَرْفَ حَرْفًا قَالَ جَابِرُ فَأَنِّي أَشْهَدُ بِاللَّهِ أَنِّي هَكَذَا رَأَيْتُهُ فِي اللَّوْحِ مَكْتُوبًا. بِسْمِ اللَّهِ

الرحمن الرحیم هذا کتاب من الله عزیز الحکیم لمحمد نوره و سفیره و حجاب و دلیله.

امام باقر (ع) از حفظ می‌خواند

پس پدرم به جابر فرمود: نظر کن در نوشته‌ات تا من از حفظ برایت قرائت کنم.

جابر در نوشته خود توجه داشت و پدرم می‌خواند بر او به خدا قسم قرائت پدرم و نوشته جابر مطابق بود حتی یک حرف نه کم بود و نه بیشتر.

پس جابر گفت: من شهادت می‌دهم و به خدا قسم یاد می‌کنم که من همین طور دیدم در لوح نوشته بود.

بسم الله الرحمن الرحیم

این کتاب و نوشته‌ای است از جانب خدای عزیز و حکیم برای محمد (ص) که او نور خدا است و سفیر او است و دلیل و حجاب و واسطه است از جانب خدا برای انسانها.

نزل به الروح الامین من عند رب العالمین عَظْم یا محمد اسمائی و اشکر نعمائی و لا تجمد آلائی انی انا الله لا اله الا قاصم الجابرین و مُذل الظالمین و مبیر المتکبرین و دیان یوم الدین انی انا الله لا اله الا

فمن رجا غیر فضلی اوخاف غیر عدلی عذبه غذاً لا أعذبه احداً
من العالمین.

شکر نعمت

آن که آورده و نازل نموده روح الامین از جانب رب العالمین
بزرگ شمار ای محمد نامهای مرا و شک ننما نعمتهایم را و انکار
نکن نشانه‌ها و نعمتهای مرا.

همانا که من الله و خدائی هستم که جز من خدائی نیست. من
درهم شکننده هستم افراد ستمگر و جبار را و ذلیل و خار کنم
ظالمین را و نابود کنم متکبریی را و پدیده آورنده روز قیامت را.
همانا که من خدائی هستم که جز من خدائی نیست پس کسی که
امید دارد غیر فضل مرا یا بترسد از غیر عدل من چنان او را عذاب
کنم که هیچ فردی را عذاب نکرده باشم از جهانیان.

فایای فا عبدو علی فتوکل انی لم أبعث نبیاً فاکملت ایامه و انقضت
مدته الا جعلت له وصیاً و انی فضلتک علی الانبیاء و فضلت
وصیک علی الاوصیا و اکرمتک بشبلیک بعده و بسبطک حسن و
حسین و جعلت حسنا معدن علمی بعد انقضا مدۀ ابیه

فضیلت رسول خدا (ص)

مرا عبادت کن و بر من توکل نما که من هیچ پیامبری را مبعوث نکردم مگر اینکه مأموریت او را کامل گرداندم و مدت او را به اتمام رساندم و برایش وصی تعیین نمود.

تو را بر تمام انبیاء فضیلت و برتری دادم و وصیت را بر اوصیا فضیلت دادم و اکرام نمودم تو را به دو فرزندت بعد از او و به بسط تو حسن و حسین و حس را معدن علم خود قرار دادم بعد از تمام شدن مدت امامت پدرش.

و جعلت حسیناً خازن وحی و اکرمته بالشهادة و ختمت له بالسعادة فهو افضل من استشهد و ارفع الشهداء درجة جعلت کلمتی التامة معه الحججة البالغة عنده بعترته أئيباً و اعاقبت اولهم علی سیدالعابدین و زین اولیاء الماضین و ابنه سمی جده المحمود محمد الباقر لعلمی

مقام حسین (ع)

و حسین را مخزن وحی خود قرار دادم و به شهادت او را مقام و مرتبه اکرام نمودم و او را سعادت بخشیدم پس او افضل از شهداء

است و ارفع است از شهداء از جهت درجه و مقام کلمه تامه خود را با او مقرون نمودم.

نزد اوست حجت بالغه و به عترت او و دوستی آنها ثواب دهم و به دشمنی آنها عقاب کنم که اولین آنها علی سید عابدین است و زینت اولیاء گذشته است و فرزندش را نام نهاد جدش محمود محمد باقر از جهت نشر احکام و علم او امر و نواهی و احکام من

والمعدن لِحِکْمَتِي سِيَهْلِكُ الْمَرْتَابُونَ فِي جَعْفَرِ الرَّادِ عَلَيْهِ كَالرَّادِ عَلَيَّ حَقَّ الْقَوْلِ مِنْ لَا كَرَمَنْ مَثْوَى جَعْفَرٍ وَ لَا سِرْنَه فِي اَشْيَاعِهِ وَ انصَارِهِ وَ اوليائه و انتجبت بعده موسى لان حفظ فرضي لا ينقطع و حجتى لا يخفى و ان اوليائى لا تنقطع ابدا الا و من جهد و احداً منهم فقد جهد نعمتى

معدن علم و حکمت

و معدن حکمت من است پس زود باد که هلاک شوند مرتابون و افراد شکاک نسبت به جعفر و منکر او منکر من است.

و امر و اراده من حتمی است درباره جعفر اکرام کنم دوستان او را و خوشنود نمایم مطیعان او را و یاورانش را و انتخاب نمودم بعد

از او موسی را زیرا که فرض است و حفظ کنم و منقطع نشود
حجت و امام و رهبری مخفی نشود و دوستان من جاودان بمانند
بدان فردی که یکی از آنها را انکار نماید به تحقیق نعمت مرا
انکار نموده.

و من غیر آیه من کتابی فقد افتری علیّ و ویل للمفترین الجاحدین
عند انقضاء مدة عبدی موسی و خیرتی ان المکذب بالثامن مکذب
بکل اولیائی و علی ولی و ناصری من اضع علیه اعیاء النبوه و امنحه
بالا ضطلاع یقتله عفریت مستکبر یدفن بالمدينة التي بناها العبد
الصالح ذوالقرنین الی جنب شر خلقی

عفریت قاتل

و کسی که آیه‌ای از آیات قرآن و کتاب مرا تغییر دهد و به من
افترا بسته است و وای بر افترا کنان و منکران همانا مذکب و منکر
امام ثامن حضرت رضا (ع) منکر تمام دوستان و ائمه است او ولی
من است و ناصر من می‌باشد. او کسی است که نزد او نهادم
نشانه‌های نبوت را.

او را عفریت مستکبران می کشد و مدفون شود در شهری که بنا کرده بنده صالح ماذوالقرنین در جنب بدترین افراد دفن شود.
حق القول منی لاقرن عینه لمحدانبه و خلیفته من بعده فهو وارث علمی و معدن حکمتی و موضع سری و حجتی علی خلقی جعلت الجنة مثواه و شفعتہ فی سبعین من اهل بیتہ کلهم قد استوجبوا النار و اختم بالسعاده لابنه علی ولی و ناصری و الشاهد فی خلقی و امینی علی وحی

مقام امام جواد (ع)

بر من حتم و فرض است که به فرزندی بنام محمد او را خوشحال او خوشنود نمایم و چشم او به محمد روشن گردد که او خلیفه آن حضرت است بعد از او و محمد وارث علم من است و معدن حکمت من است و محل و موضع سر و اسرار من است و او حجت من است بر خلق بهشت را محل و مأوای او قرار دادم و شافع هتفاد نفر از اهل خودش می باشد که تمام آن افراد مستحق و مستجوب جهنم و آتش سوزان می باشند.

و ختم نمودم برای فرزندش سعادت ما را که او علی نام دارد او ولی من است و ناصر و یاور من می باشد و در میان خلق شاهد من

است و امین من است بر وحی احکامی که فرستاده‌ام بر پیامبر (ص).

اخرج منه الداعی الی سیلی و الخازن لعلمی الحسن ثم اکمل ذلک بانبه رحمۃ للعالمین علیہ کمال موسی و بهاء عیسی و صبر ایوب ستدل اولیائی فی زمان و یتهدون رؤسهم کما تنهادی رؤسی الترمک الدیلم فیقتلون و یحرقون و یکنونون خائفین مرعوبین و جلین.

از او فرزندی به وجود آورم که داعی و خواننده است مردم و خلق را به راه دین و خازن علم من است که نام او حسن می‌باشد و کامل گردانم آن رهبری و امامت را به فرزندش که رحمت است برای جهانیان که او کمال حضرت موسی (ع) را دارد است و بهاء حضرت عیسی (ع) را و صبر حضرت ایوب (ع) در او است زود باشد که دوستان من در زمان او از ستم دشمن ذلیل و خار شوند و سر به پیش و افسرده شوند مثل ترک و دیلم و آنها به دست دشمن کشته شوند و به آتش سوزانده شوند و ترسان باشند و مرعوب شوند و دل باخته از ترس دشمنان خود.

تصنع الارض من دمائهم و نیشأ الویل و ارنین فی نسائهم اولئک
اولیائی حقاً بهم ادفع کل فتنه عمیاء حندس و بهم اکشف الزلازل
و ادفع الاصار و الاغلال اولئک علیهم صلوات من ربهم و رحمة و
اولئک هم المهتدون
خون آنها ریخته شود

زمین به خون آنها رنگین شود و ظاهر شود و منشأ گیرد فریاد و
ویل از زنان آن افراد آنان دوستان من می باشند به حق به برکت
آنها دفع نمایم هر مصیبتی و فتنه و آزمایش رسوا کننده‌ی را و به
اثر وجودشان زلزله را و خطرات را محو نمایم.
بر آنها باد درود و صلوات از جانب خدایشان و رحمت خدا بر
آنان باد آنها افرادی هدایت یافته‌اند.

عن سلیمان الجعفری قال سألت ابا الحسن الرضا علیه السلام فقلت
اتخلوا الارض من حجة؟ قال: لو خلت من حجة طرفة عین لساخت
بأهلها.^۱

زمین فرو می‌برد

فردی بنام سلیمان جعفری از امام رضا (ع) سؤال کرد آیا ممکن است زمانی امام معصوم و حجة خدا در بین مردم و در روی زمین وجود نداشته باشد؟

حضرت امام رضا (ع) فرمود: اگر زمین یک لحظه بدون حجة بماند به اندازه یک چشم بهم زدن امام معصوم و حجت خدا در روی زمین نباشد زمین اهلش را در خود فرو می‌برد.

عن احمد بن اسحق بن سعید قال: سمعت ابا محمد الحسن بن علی العسكري (ع) يقول الحمد الذي لم يخرجني من الدنيا حتى اراني اخلف من بعدى اشبه الناس برسول الله (ص) خلقاً و خلقاً يحفظه

الله تعالى في غيبته ثم يظهره فيملاً الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت
جوراً و ظلماً

شبه پیامبر (ص)

احمد بن اسحق گفت از امام حسن عسکری علیه السلام شنیدم که می‌فرمود حمد خدایی که مرا از دنیا بیرون نبرد و نمردم تا اینکه امام بعد از خودم را دیدم که او وصی من است و او شبه‌ترین افراد است نسبت به رسول خدا از جهت ظاهر بدن و اندام و شکل و شمائل و هم از جهت اخلاق و خداوند در زمان غیبتش او را حفظ نماید از دشمن و شر اشرار محفوظ نماید سپس او را ظاهر پس او زمین را از عدل و داد پر نماید و او دادگستر جهان است چنانکه زمین از ظلم وجود و ستم ستمکاران پر شده.

عن حکیمه بنت محمد بن علی (ع) قالت: کان مولد القائم (ع) لیلة النصف من شعبان سنة خمس و ستین و مأتین و امه نرجس بنت ملک الروم قالت حکیمه فلما وضعته (ع) سجد و اذاً علی جنبیه مکتوب بالنور: جاء الحق و زهق الباطل

امام (ع) سجده کرد

جناب حکیمه دختر گرامی حضرت امام محمد جواد علیه السلام گفت شبی که امام زمان (ع) به دنیا آمد شب نیمه شعبان سال دویست و شصت و پنج بود و مادرش بنام نرجس دختر سلطان روم بود.

حکیمه گفت: چون امام زمان (ع) به دنیا آمد فوراً سجده کرد و بر پیشانی او نوشته بود از نور که جاء الحق و زهق الباطل حق آمد و باطل نابود است.

چون مهدی (ع) به دنیا آمد پدر بزرگوارش حضرت امام عسکری برای فرزندش سیصد گوسفند عقیقه نمود و به میمنت ولادت با سعادت امام زمان (ع) اطعام نمود.^۱

قالت فجئت به الى الحسن (ع) فمسح يده الشريفه على وجهه و قال: تكلم يا حجة الله و يا بقیة الانبياء و خاتم الاوصياء و صاحب الكرة البيضاء و المصباح من البحر العمیق الشديد الضياء تكلم يا خليفة الاتقياء و نور الاوصياء

یادگار انبیاء

حکیمه خاتون گفت او را نزد پدرش امام حسن عسکری (ع) بردم آن حضرت دست بر صورت او کشید و فرمود حرف بزن ای حجت و ای یادگار انبیاء و خاتم اوصیا و صاحب لوای فتح و

چراغ روشن در دریای ژرف سخن بگو ای خلیفه اتقیاء و نور
اوصیاء

فقال اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً عبده و رسوله و
اشهد ان علیاً ولی الله ثم عدّ الاوصیاء الیه فقال له الحسن (ع) اقرء ما
نزل علی انبیاء فابتدأ بصحف ابراهیم فقرأها بالسریانیة ثم قرأ کتاب
نوح و ادریس و کتاب صالح و توراة موسی و انجیل عیسی و
فرقان محمد صلی الله علیه و علیهم اجمعین ثم قص قصص الانبیاء
الی عهده^۱

کتب آسمانی

پس امام زمان (ع) که تازه به دنیا آمده بود سخن گفت شهادت
می‌دهم که خدا یکی است و محمد (ص) رسول خدا است و
شهادت می‌دهم که علی (ع) ولی خدا است پس تمام ائمه را نام
برد پس امام حسن عسکری پدر بزرگوارش گفت بخوان آنچه
که بر انبیاء نازل شده امام زمان شروع نمود به خواند کتاب
آسمانی که بر ابراهیم نازل شده بنام صحف و به لفظ سریانی

خواند و بعد کتاب نوح و ادریس و صالح و تورات موسی و انجیل عیسی (ع) و فرقان که همان قرآن مراد است که بر جدش حضرت محمد (ص) نازل شده قرائت نمود و سپس جریانات انبیاء را بازگو نمود.

عن محمد بن عبدالجبا قال: قلت سیدی الحسن بن علی (ع) یا بن رسول الله جعلنی الله فداک احب ان اعلم من الامام و الحجه من بعدک فقال (ع) ان الام و حجة الله من بعدی ابني سمی رسول الله (ص) و کنیه الذی هو خاتم حجج الله و آخر خلفائه^۱

آخرین حجت خدا

راوی که نام او محمد بن الجبار است محضر حضرت امام حسن عسکری (ع) عرض نمود یا بن رسول الله فدایت شوم می خواهم بدانم که امام و حجت خدا بر بندگان بعد از شما کیست؟ امام سلام الله علیه فرمود: همانا امام و حجت خدا بعد از من فرزندم می باشد که همنام رسول خدا است و کنیه او هم کنیه رسول خدا است که پیامبر (ص) او را نام گذاری نموده و کنیه اش را بیان

فرموده او آخرین حجت و رهبر است از جناب خداوند و آخرین خلیفه است.

قال ممن هو: یابن رسول الله قال: من انبة ابن قیصر ملک الروم الا انه سیولد و یغیب عن الناس غیبة طویله ثم یظهر

حاکم روم

راوی باز سؤال کرد مادر او کیست و از چه فردی متولد شود ای فرزند رسول خدا؟ امام عسکری (ع) فرمود: از دختر و فرزند قیصر حاکم و مالک روم بدان که به زودی او به دنیا آید و سپس از مردم پنهان بماند و غیبتی طولانی خواهد داشت و بعد ظهور نماید.

عن معاویة بن حکیم و محمد بن ایوب بن نوح و محمد بن عثمان العمری قالوا: عرض علينا ابو محمد الحسن بن علی (ع) ابنه و نحن فی منزله و کنا اربعین رجلاً فقال: هذا امامکم من بعدی و خلیفتی علیکم اطیعوه و لا تنفر قوامن بعدی فی ادیانکم فتهلکوا اما انکم لا ترونه بعد یومکم هذا^۱

در حضور مهدی عج

چند نفر از راویان حدیث گفتند که مادر منزل حضرت عگسری (ع) بودیم و تعداد افراد ما چهل نفر بود آن حضرت فرزند خود یعنی مهدی (ع) را بما نشان داد و فرمود: این امام شما است بعد از من و خلیفه من است بر شما او را اطاعت و پیروی کنید و در امر امامت متفرق نشوید و در دین خود ثابت باشید تا هلاک نشوید و بدانید که بعد از این او را نخواهید دید.

کتب ابو محمد الحسن بن علی العسکری (ع) الی علی بن بابویه القمی و علیک بالصبر و انتظار الفرج و لایزل شیعتنا فی حزن حتی یظهر ولدی الذی بُشِّر به النبی (ص) انه یملا الارض قسطاً و عدلاً
کما ملئت ظلماً و جوراً^۱

امام عسکری (ع) و امر به صبر

حضرت امام عسکری (ع) نامه‌ای به علی بن بابویه قمی نوشت و در آن متذکر شد که در زندگی صبر بیشه کن و منتظر فرج حضرت مهدی (ع) و شیعیان ما همیشه در حزن و اندوه می‌باشند تا اینکه فرزندانم ظهور نماید آن که رسول خدا (ص) در رابطه با او

بشارت داده که همانا دنیا را پر نماید از عدل و عدالت چنانکه ظلم و جور دنیا را فرا گرفته باشد.

فاصبر یا شیخی و أمر جمیع شیعتی بالصبر فان الارض یورثها من یشاء عباده و العاقبة للمتقین و السلام علیک و علی جمیع شیعتنا و رحمة الله و برکاته و حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المول و نعم النصیر.

ای شیخ و بزرگ قوم صبر کن و شیعیان ما را به شکیبائی امر بنما که همانا زمین را به ارث می‌برند و زمین و حکومت در آن بدست افرادی آید که خدا اراده نموده عاقبت و رستگاری برای افراد پرهیزکار و متقی است و سلام بر تو باد و بر جمیع پیروان ما و رحمت خدا و برکات او بر همه یاد و خداوند ما را کفایت نماید و بهترین وکیل و کمک کار است و بهترین یار و یاور است.

عن احمد بن اسحق بن سعد الأشعری عن ابی محمد الحسن بن علی علیه السلام. قال قلت یا ابن رسول الله فمن الامام و الخلیفه بعدک؟ فنهض (ع) مسرعاً و دخل البیت ثم خرج و علی عاتقه غلام کان وجهه کالقمر البدر من انباء ثلث سنین فقال یا احمد بن اسحق لولا کرامتک علی الله و علی حجته ما عرضت علیک ابنی

هذا انه سمى رسول الله و كنيته الذى يملا الارض قسطاً و عدلاً كما
ملئت جوراً و ظلماً يا احمد بن اسحق مثله فى هذا الامه مثل الخضر
(ع)

ماه شب چهارده

فردى بنام احمد بن اسحاق اشعري روايت نموده كه از امام حسن
عسكري (ع) سئوال كردم يا ابن رسول الله بعد از شما خليفه و امام
كيست آن حضرت بلند شد و با عجله وارد اطاقى شد سپس
تشریف آوردند و در بغل او كودك سه ساله‌اى بود كه صورت
او نورانى بود مانند ماه شب چهاردهم.

امام (ع) فرمود اى احمد بن اسحق اگر كرامت و جهت احترام تو
نبود نزد خدا و ائمه عليهم السلام فرزندانم را به تو نشان نمى دادم
اين فرزندانم را رسول خدا (ص) نام گذارى نموده و كينه اش را
تعيين فرموده

اين فرزندانم كسى است كه زمين را پراز عدل و قسط نمايد
چنانكه جور و ظلم زمين را فرا گرفته باشد و او مانند حضرت
خضر پيغمبر (ع) داراى عمر زياد عمر طولانى خواهد بود و از
نظرها پنهان و غيبتى طولان است.

و مثله مثل ذی القرنین و الله یغیب غیبه لا ینجوفیها من الملکه الا من ثبته الله علی القول با مامته و وفقه للدعاء بتعجیل فرجه قال احمد بن اسحق فقلت له فهل من علامة یطمئن الیها قلبی؟ فنطق الغلام (ع) بلسان عربی فصیح فقال: انا بقیة الله فی ارضه و المنتقم من اعداء فلا تطلب اثرأ بعد عین یا احمد بن اسحق.

رستگاری

امام عسکری (ع) فرمودند ای احمد بن اسحق فرزندانم را غیبی طولانی است مانند ذی القرنین پیامبر (ص) و خداوند او را عمر و غیبی طولانی دهد که هیچ کس از هلاکت و کفر در میزان غیبت در امان نباشد مگر فردی را که خداوند توفیق دهد و رستگار شود و به امامت مهدی (ع) عقیده‌اش ثابت بماند و موفق شود که جهت تعجیل در فرج آن حضرت دعا نماید.

احمد بن اسحق گفت عرض نمودم به آن حضرت که آیا علامت و نشانه‌ای هست که مطمئن شوم و قلبم آرام گیرد؟ پس آن کودک به زبان عربی سخن گفت و فرمود انا بقیة الله فی ارضه من حجت خدا هستم در زمین و از دشمنان انتقام گیرم.

پس بعد از اینکه مطلب برایت ظاهر شد و به چشم دیدی دیگر علامت و اثری طلب نکن ای احمد بن اسحق

قال احمد بن اسحق: فخرجت مسروراً فرحاً فلما كان من الغد
عُدت اليه فقلت له يا ابن رسول الله لقد عظم سروري بما منت به
على

فما السنة الجارية فيه من الخضر (ع) و ذى القرنين؟ فقال (ع) طول
الغيبة يا احمد

احمد بن اسحاق گفت از حضور امام مرخص شدم در حالیکه
بسیار خوشحال بودم روز دیگر خدمت امام عسکری (ع)
باز گشتم و عرض نمودم یا ابن رسول الله (ص) بسیار فرحناک و
خوشحالم از عنایت و توجه شما نسبت به من و از اینکه منت
نهادی و تفضل فرمودی و حجت و امام (ع) را بمن معرفی
نمودی.

پس بفرمائید که روش و سنت جاریه از خضر در او کدام است؟ و
سنت و نشانه از ذی القرنین چیست؟ امام (ع) فرمودند آن علامت
و سنت زمان طولانی غیبت او است.

فقلت له یا ابن رسول الله فان غيبه لتطول؟ قال ای و الله حتی یرجع عن هذا الامر اکثر القائلین به فلا یبقی الا من أخذ الله عمدہ بولایتنا و کتب فی قلبه الایمان و أیده بروح منه یا احمد بن اسحق هذا امر من امر الله و سر من سر الله و غیب من غیب الله فخذ ما اتیتک و اکتبه و کن من الشاکرین تکن معنا غداً فی علین^۱

سری از اسرار خدا

احمد بن اسحق گفت عرض نمودم یا ابن رسول الله آیا غیبت آن حضرت طولانی شود؟ امام (ع) فرمود آری به خدا قسم تا اینکه اکثر مردم از این عقیده باز گردند که حضرت مهدی روزی ظهور نماید.

مگر افرادی که خداوند از آنها عهد و پیمان گرفته به دوستی و امامت ما و او را به الطاف و عنایات خود کمک نماید.

ای احمد بن اسحق این جریان سری از اسرار خداوند است پس آنچه گفتم برایت حفظ کن و نگهدار و پنهان کن و افشا مکن تا از بندگان خوب و شاکر باشی و در بهشت با ما باشی.

^۱ - اثبات الهداة ج ۳ ص ۴۷۹

عن ابی عبدالله (ع) قال: اذا توالى ثلاثة اسماء: محمد و علی و الحسن كان رابعهم القائم (ع)^۱

نشانه‌ای از مهدی (عج)

بیان امام صادق (ع) آن حضرت فرمود: چون سه نفر از ائمه معصومین که نام آنها محمد و علی و حسن می باشد زمان امامت آنها فرا رسید چهارمین آنها امام قائم (عج) خواهد بود که منظور آن حضرت از محمد حضرت امام محمد تقی نهمین امام است و فرزند او امام علی النقی است و حضرت امام حسن عسکری که چهارمین آنها حضرت مهدی امام زمان است و حضرت امام صادق (ع) مدت‌ها قبل از ولادت حضرت مهدی (عج) بشارت داده به ولادت و قیام و ظهور آن حضرت.

عن حذیفه قال: قال رسول الله (ص) المهدی رجل من ولدی وجهه
کالکوکب الدرّی^۱

ستاره نورانی

حذیفه روایت نموده که رسول خدا (ص) فرمودند حضرت مهدی
مردی است از فرزندان من صورت او نورانی است مثل ستاره
فروزان نورانی

نوروز

معلى بن خنيس از امام صادق علیه السلام روایت نمود که فرمود:
نوروز روزی است که قائم ما اهل بیت و صاحب امر خلافت قیام
می کند و خداوند او را بر رجال پیروز گرداند هیچ روز نورزی
نمی گذرد مگر اینکه ما در آن روز انتظار فرج داریم زیرا نوروز
از روزهای ما است ایرانیان آن روز را حفظ کردند اما شما عربها
آن را ضایع کردید.^۲

۱- بحار ج ۵۱ ص ۸۰

۲- ترجمه بحار ص ۱۱۰۱

بخش دوم :

علائم قبل از ظهور مهدی (ع)



علائم قبل از ظهور

۱ دجال

نام دجال صائد بن صید است چشم راست ندارد و چشم چپش در پیشانی او است و در پیشانی او نوشته شده این کافر است او از اصفهان و قریه‌ای که آن را یهودیه گویند بیرون آید و ادعای خدائی نماید و مردم را دعوت کند تا به خدائی او ایمان آورند و گوید منم که شما را خلق نمودم^۱

۲ ندای آسمانی

در روز ظهور آن حضرت ندائی از آسمان شنیده شود که ای جهانیان آگاه باشید و بدانید که این مهدی آل محمد (ص) است و نسب شریف او را ذکر نماید تا به حضرت علی بن ابیطالب و به نام و کنیه جده رسول خدا او را معرفی نماید و آن صدا چنان بلند و رسا باشد که تمام مردم دنیا بشنوند.^۲

۱- ترجمه بحار ج ۱۳ ص ۹۶۵.

۲- منہی آمال ص ۴۹۴.

۳ سفیانی

امام صادق (ع) فرمود: پدرم از جدم امیرالمؤمنین (ع) روایت فرمود: که پسر هند جگر خوار سفیانی از بیابان یابس بیرون آید در بین شام و مکه^۱

او مردی متوسط القامه است صورتش وحشتناک و رویش آبله دارد دوران او پانزده ماه است شش ماه جنگ نماید و مدت نه ماه حکومت کند و نام او عثمان بن عنبه می باشد و از اولاد و فرزندان یزید است.^۲

۴ لشکر سفیانی در بیداء که نام محلی است نزدیک مکه به زمین فرو می روند.

۵ قتل نفس زکیه و آن جوانی است از آل محمد (ص) در بین رکن و مقام کشته و شهید شود.

۶ خروج سید حسنی و از شیعیان خاص ائمه علیهم السلام باشد.

عن ابی صالح قال سمعت ابا عبد الله (ع) يقول: ليس بين قائم آل محمد و بين النفس الزكية الا خمس عشر ليلة^۳

۱- ترجمه بحار ص ۱۰۲۹.

۲- منتهی الامال ص ۴۹۴

۳- اعلام الوری ص ۴۲۷.

قتل نفس زکیه

فردی بنام ابی صالح گفت شنیدم از امام صادق (ع) که می فرمود چون نفس زکیه کشته شود بعد از پانزده شبانه روز موقع ظهور حضرت قائم است که قائم آل محمد قیام نموده و ظهور فرماید نفس زکیه یکی از سادات است که در مکه او را می کشند.

یاران حضرت مهدی (عج)

بیست و چهار نفر از طالقان هیجده نفر از اهل قم چهارده نفر از کوفه دوازده نفر از هرات دوازده نفر از مرو دوازده نفر از گرگان و نه نفر از اهل بیروت هشت نفر از مدائن هشت نفر از نیشابور هفت نفر از اهل شهر ری هفت نفر از طبرستان شش نفر از اهل یمن پنج نفر از اهل طوس پنج نفر از اهل تفلیس چهار نفر از همدان چهار نفر از اهل دیلم چهار نفر از اهل سنجان چهار نفر از اهل فسطاط سه نفر از اهل دمشق سه نفر از اهل بصره سه نفر از اهل سجستان سه نفر از اهل رقه سه نفر از اهل خابور دو نفر از اهل مدینه دو نفر از اهل قومن مراد سبزوار است.^۱

عن عبدالله بن سنان قال: كنت عند أبي عبدالله (ع) فسمعت رجلاً من همدان يقول: ان هؤلاء العامة يحبرونا و يقولون لنا انكم تزعمون ان منادياً ينادى من السماء باسم صاحب هذا الامر و كان متكئاً فغضب و جلس ثم قال: لا ترووه عني و ارووه عن ابي و لا حرج عليكم في ذلك اشهد اني سمعت ابي (ع).^۱

تأیید و تأکید امام صادق (ع)

عبداله بن سنان گفت در محضر حضرت امام صادق (ع) بودم که مردی از همدان بیان نمود افراد مخالف که از آنها به عامه تعبیر کرد، می گویند که شما افراد شیعه گمان دارید که منادی از آسمان ندا کند به نام صاحب امر یعنی قیام امام زمان (ع) را اعلان نماید.

حضرت امام صادق (ع) که تکیه نموده بود ناراحت شد و غضبناک شد و صاف نشست و فرمود این مطلب را از قول من روایت ننموده، و بلکه آن را از پدرم روایت می کنم و بر شما حرجی نیست و شهادت می دهم که ان را از پدرم (ع) شنیدم.

والله ان ذلك في كتاب الله عزوجل لبين حيث يقولان نشأ تنزل
عليهم من السماء آية فظلت اعناقهم لها خاضعين^۱
فلا يبقى في الارض يومئذ احد الا خضع و ذلت رقبته لها فيؤمن
اهل الارض اذا سمعوا الصوت في السماء: ألا ان الحق في علي بن
ابي طالب (ع) و شيعته^۲

ندای آسمانی

و به خدا قسم که آن موضوع در کتاب خدا بطور روشن بیان شده
که می گوید اگر اراده کنیم نازل نمائیم از آسمان نشانه ای که
سرها و گردنهای شما در مقابل آن تسلیم و خاضع گردد و در آن
صورت در زمین فردی نباشد مگر اینکه خاضع و به آن گردن
نهد.

تمام مردم و اهل زمین به آن ایمان آورند چون آن صدای آسمانی
را بشنوند که آن ندای جبرئیل (ع) است که اعلان کند: بدانید
همانا حق با علی بن ابی طالب و شیعیان او است.

فاذا كان الغد صعد ابليس في الهواء حتى يتواري عن اهل الارض
ثم ينادي ألا ان الحق في عثمان بن عفان و شيعته فانه قتل مظلوماً

^۱سوره شعراء آیه ۴

^۲بحار ج ۵۲ ص ۲۹۲.

فاطلبوا بدمه قال: فيثبت الله الذين آمنوا بالقول الثابت على الحق و هو النداء الاول و يرتاب يومئذ الذين في قلوبهم مرض والمرض والله عداوتنا.^۱

صدای شیطان

چون روز دیگری فرا رسد ابلیس به هوا بالا رود و در آسمان فریاد کند که همانا حق با عثمان بن عفان و پیروان او است که مظلوم بود و کشته شد پس از جهت او خونخواهی بنمائید.

سپس امام صادق(ع) فرمود: خداوند ثابت قدم و محفوظ نماید آنهایی را که ایمان آورده اند و در ایمان و گفتار خود ثابت باشند در پیروی از حق و راستی که همان ندای اول درست و حق است و گمراه شوند در آن روز آنهایی که در قلبشان مرضی است و بیمارند و مرض آنها به خدا قسم عداوت و دشمنی ما است.

فعند ذلك يتبرؤون منا و يتناولونا فيقولون: ان المنادي الاول سحر اهل هذا البيت ثم تلا ابو عبدالله عليه السلام قول الله عز وجل:

و ان يروا آية يعرضوا و يقولوا سحر مستمر^۲

۱- بخارج ۵۳ ص ۲۹۲.

۲سوره قمر آیه ۲

آیات خدا یا سحر؟!!

پس در آن زمان از ما جدا شوند و فاصله گیرند و دشمنی خود را اظهار نمایند نسبت به ما و بگویند که همانا منادی اول سحر و جادو است از این خاندان پس از آن حضرت امام صادق (ع) این آیه از قرآن را تلاوت نمود که خدا گفته اگر آن دشمنان نشانه ای از آیات ما را به چشم خود هم مشاهده کنند باز ایمان نیاورند بلکه بر کفر آنها بیفزاید و از آن اعراض نموده و روی بگردانند و بگویند که این سحر است و تازه گی ندارد و کارهای مستمر و همیشگی است.

بخش سوم :

روایات درباره ظهور مهدی (ع)



کبریت احمر

عن النبی (ص) قال: ان علی بن ابیطالب وصی و امام امتی و خلیفتی علیها من بعدی و من ولده القائم المنتظر الذی یملاء الله به الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً ان الثابتین علی القول به فی غیبه لآ عزمین الکبریت الاحمر^۱

رسول خدا (ص) فرمود به تحقیق که علی بن ابیطالب وصی و جانشین من است و پیشوای امت من است و خلیفه من است .

حضرت رسول (ص) فرمود: قائم منتظر عج از فرزندان من است او کسی است که زمین را پر کند از عدل و قسط همچنانکه پر شده باشد از ظلم و جور

حضرت رسول الله (ص) فرمود به تحقیق افرادی که در زمان غیبت فرزندم حضرت قائم منتظر عج بر این قول ثابت باشند که آن حضرت غائب است و این مطلب را قبول داشته باشند کیمابتر از کبریت احمر است.

امام عادل

عن ابی عبدالله (ع) ما زالت الارض الا ولله فيها الحجة: يُعرف
الحلال والحرام و يدعوا الناس الى سبيل الله^۱

حضرت امام صادق (ع) فرمود در هر صورت و در هر حال و
زمانی زمین از حجه و امام معصوم خالی نباشد از برای خدا و از
جانب پروردگار جهان تا اینکه احکام خدا و حلال و حرام را به
مردم بیاموزد و انسان را به صراط و راهی که خداوند اراده کرده
راهنمایی نماید.

عن ابی بصیر عن ابی عبدالله (ع) قال: ان الله اجل واعظم من ان
يترك الارض بغير امام عادل^۲

ابی بصیر گفت که حضرت امام جعفر صادق فرمود به تحقیق که
خداوند برتر و بزرگتر از آن است که زمین را بدون امام معصوم و
پیشوای عادل واگذارد.

خداوند انسان را بدون رهبر و راهنما و امام عادل رها نمی کند و
هیچگاه زمین از امام عادل و معصوم خالی نبوده و نخواهد بود.

۱ - کافی ج ۱ ص ۲۵۱ روایت ۳

۲ - کافی ج ۱ ص ۲۵۲ روایت ۶.

انکار رسول خدا (ص)

عن الصادق علیه السلام عن ابيه عن جده قال: قال رسول الله (ص) القائم من ولدی اسمه اسمی و کنیته کنیتی الی ان قال و من انکر غیبته قد انکرنی^۱

حضرت امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش امام محمد باقر (ع) و او از امام زین العابدین سلام الله علیه روایت نموده که حضرت رسول اکرم (ص) فرمود:

حضرت قائم از فرزندان من است اسم او اسم من است و کنیه او هم کنیه من است.

حضرت رسول (ص) فرمود کسی که انکار کند غیبت امام قائم را و نپذیرد و قبول نکند: مرا انکار نموده و قبول نکرده است.

عن الصادق جعفر بن محمد عن ابيه عن ابائه عليهم السلام قال: قال رسول الله (ص) من انکر القائم من ولدی فی زمان غیبته مات میتة جاهلیة^۲

۱- اثبات الهداة ج ۷ ص ۵۲.

۲- کمال الدین ج ۲ ص ۸۴.

جاهلیت

امام صادق جعفر بن محمد از پدران گرامش سلام الله علیهم اجمعین روایت نموده که رسول خدا(ص) فرمود کسی که انکار کند حضرت قائم را از فرزندان من در زمان غیبتش آن فرد منکر که امام زمان را قبول نکرده است وقتی که بمیرد به دین اسلام نخواهد مرد بلکه از اسلام خارج شده و به مرگ جاهلیت قبل از اسلام خواهد مرد و از دنیا خواهد رفت.

عن الاصبغ بن نباته قال: سمعت امیر المؤمنین علیه السلام یقول صاحب هذا الامر الشدید الطرید الفرید الوحید.^۱

امام غائب (عج)

اصبغ بن نباته گفت که از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام شنیدم که می فرمود صاحب این امر یعنی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که غائب است و با شمشیر قیام خواهد نمود.

آن حضرت جمعش متفرق است و تنها است و فرد است و بی یار و یاور است تا زمانی که خداوند او را کمک کند و قیام نماید.

عن الفضیل بن یسار قال: ابتدأنا ابو عبدالله علیه السلام يوماً و قال قال رسول الله (ص) من مات و لیس له امام فمیتته میتة جاهلیه فقلت قال ذلك رسول الله (ص)

فقال ای والله قد قال قلت فکل من مات و لیس له امام فمیتته میتة جاهلیه؟ قال نعم^۱

حیات و زندگی نافر جام

فضیل بن یسار گفت حضرت امام صادق (ع) روزی ابتداءً بیان فرمود که حضرت رسول خدا فرمودند کسی که بمیرد و امام معصوم را قبول نداشته باشد پس مرگ او مرگ و مردن جاهلیت است.

گفتم چنین فرمود رسول خدا (ص)؟

حضرت امام صادق (ع) فرمود آری به خدا قسم چنین فرمود گفتم پس تمام آنها که بمیرند و امام زمان خود را قبول نکنند پس مرگ و مردن آنها به جاهلیت است؟ فرمود بله چنین است.

عن یونس بن یعقوب عن ابی عبدالله (ع): قال سمعته یقول لولم

يكن في الارض الا اثنان لكان الامام احدهما^۱

زمین از امام معصوم خالی نیست.

یونس بن یعقوب از حضرت امام صادق (ع) روایت کرده گفت

شنیدم از آن حضرت که می فرمود اگر باشد در روی زمین مگر

دو نفر به تحقیق یکی از آن دو نفر امام معصوم (ع) خواهد بود

عن ابی الطیار قال: سمعت ابا عبدالله (ع) يقول لولم یبقی فی

الارض الا اثنان لكان احدهما الحجة^۲

حجت خدا

ابن طیار گفت شنیدم از حضرت امام صادق (ع) اگر باقی نماند

در روی زمین مگر دو نفر به تحقیق یکی از آن دو نفر امام معصوم

و حجت خدا است.

عن ابی حمزه قال قلت لابی عبدالله علیه السلام أبتقی الارض بخیر

امام قال: لو بقیت الارض بغير امام لساخت.^۳

۱- ج ۱ ص ۲۵۴ روایت ۵.

۲- ج ۱ کافی ص ۲۵۳ روایت ۱.

۳- کافی ج ۱ ص ۲۵۲ روایت ۱۰.

زمین فرو رود

ابی حمزه گفت به امام صادق (ع) عرض نمودم آیا زمین بدون امام معصوم (ع) باقی می ماند حضرت فرمود اگر بدون امام زمین باشد فرو می رود از هم می پاشد.

امام معصوم (ع) قطب عالم امکان است و اگر وجود امام (ع) نباشد نظم جهان بهم می خورد و زمین اهلش را فرو می برد

اضطراب

عن ابی جعفر (ع) قال: لو ان الامام رفع من الارض ساعة لماجت باهلها لما يموج البحر باهله^۱

امام جعفر صادق (ع) فرمودند اگر امام نباشد زمین مضطرب گردد مثل دریا که موج می گیرد و آنچه در او است زیر و زیر می نماید.

یک لحظه بدون امام (ع)

عن سعید بن سلیمان بن جعفر الجعفری قال: سألت الرضا (ع) فقلت تخلوا الارض من حجة؟ فقال: لو خلت الارض طرفه عين من حجة لساخت باهلها.^۲

۱- کافی ج ۱ ص ۲۵۳ روایت ۱۲.

۲- علل ص ۱۹۹ روایت ۲۱.

سعید بن سلیمان گفت از امام رضا (ع) سؤال کردم گفتم خالی می ماند زمین بدون حجت و امام (ع)؟ پس حضرت فرمودند. اگر یک دقیقه و یک لحظه زمین از حجت خالی باشد اهل خود را فرو می برد.

عن کرام قال: قال ابو عبدالله (ع): لو كان الناس رجلين لكان احدهما الامام و قال ان اخر من يموت الامام لثلا يحتج احد على الله عزوجل انه تركه بغير حجة لله عليه.^۱

حق اعتراض

کرام گفت حضرت امام صادق (ع) فرمود اگر مردم فقط دو نفر باشند یکی از آنها امام است و حضرت فرمود به تحقیق آخرین کسی که بمیرد امام (ع) است تا اینکه کسی اعتراض نکند بر خدای عزوجل که او را ترک نموده و بدون رهبر و امام و حجت گذارده است.

عن ابان بن تغلب قال: قال ابو عبدالله (ع): الحجة قبل الخلق و مع الخلق و بعد الخلق^۲

۱- کافی ج ۱ ص ۲۵۴ روایت ۳.

۲- کافی ج ۱ ص ۲۵۰ روایت ۴.

عمر طولانی

ابان بن تغلب گفت امام صادق (ع) فرمودند حجت خدا و امام معصوم قبل از خلق و انسانها بوده و بعد از انسانها خواهد بود و با افراد هم وجود دارد او از همه بیشتر عمر خواهد کرد همه می میرند و او زنده خواهد بود.

عن اسحق بن عمار

عن ابی عبدالله (ع) قال سمعته یقول ان الارض لاتخلو الا و فیها امام کیما ان زاد المؤمنون شیئاً ردهم و ان نقصوا شیئاً ائمه لهم.^۱
امام (ع) ناظر است

اسحق بن عمار گفت شنیدم که امام صادق (ع) می فرمود به تحقیق که زمین بدون امام معصوم باقی نمی ماند.

تا اینکه اگر مومنین چیزی و مطلبی به دین اضافه کردند آن را باز گرداند به آنها و بردارد و آنها را آگاه کند و اگر چیزی و مطلبی را از دین کم و کاست نمودند نگذارد و دین را کامل بنماید و امام (ع) بر دین و کارهای مؤمنین ناظر است عن ابی علی بن راشد

قال ابوالحسن (ع): ان الارض لاتخلو من حجة و انا والله ذلك
الحجة^۱

حجت خدا

علی بن راشد گفت حضرت ابوالحسن (ع) فرمود بدرستی که زمین
خالی نمی ماند از حجت و امام (ع) به خدا قسم من همان حجت
خدا هستم

قال علی بن الحسین سید العابدین (ع) من ثبت علی موالا تنا فی
غیبة قائمنا اعطاه الله عزوجل اجرالف شهید من شهداء بدر و احد^۲

مقام هزار شهید

حضرت علی بن الحسین سیدالعابدین (ع) فرمود کسی که ثابت
باشد و پایدار باشد در دوستی ما و پایند باشد به اوامر مادر زمان
خداوند به آن فرد می دهد اجر و مزد هزار شهید از شهدای جنگ
بدر و احد را که در زمان حضرت رسول خدا(ص) شهید شده اند
عن سعید بن جبیر قال سمعت سیدالعابدین علی بن الحسین بن
علی بن ابیطالب (ع) يقول فی القائم مناسنه من سبعة انبیاء سنه من
من آدم اینا(ع)

۱- کافی ج ۱ ص ۲۵۲ روایت ۹.

۲- کمال الدین ج ۱ ص ۴۳۹.

و سنه من نوح (ع) و سنه من ابراهیم و سنه من موسی و سنه من عیسی و سنه من ایوب و سنه من محمد صلوات علیهم
 اما من آدم و نوح فطول العُمر واما من ابراهیم فخفاء الولاده و
 اعتزال الناس و اما من موسی الخوف و الغیبة واما من عیسی
 فاختلف الناس فيه و اما من ایوب فالفرج بعد البلوی و اما من
 محمد (ع) فالخروج بالیسف^۱

نشانه و صفاتی از پیامبران

سعید بن جبیر گفت شنیدم از امام چهارم سیدالعابدین علی بن
 الحسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام که می فرمود در حضرت قائم
 وجه تشابه و مناسباتی است از هفت نفر از انبیاء و پیامبران خدا
 سنت و روش از حضرت آدم (ع)

و سنت و روش از حضرت نوح (ع) و سنتی از حضرت ابراهیم (ع)
 و از حضرت موسی (ع) و سنتی از حضرت عیسی و سنتی از
 حضرت ایوب (ع) و سنتی از حضرت محمد (ص)

اما سنت و علامت از حضرت آدم (ع) طول عمر است که حضرت
 آدم عمر طولانی داشت و همینطور حضرت نوح (ع) اما از

حضرت ابراهیم (ع) مخفی بودن ولادت او است و کناره گیری از مردم و اما از موسی ترس و پنهانی از مردم و اما از عیسی (ع) اختلاف مردم درباره او که آیا زنده است یا اینکه از دنیا رفته و اما از ایوب فرج بعد از مبتلا و گرفتاری و اما از حضرت محمد (ص) خروج نمودن با شمشیر است

عن امیرالمؤمنین (ع) قال: قال رسول الله (ص) افضل العبادہ انتظار
الفرج^۱

بهترین عبادت

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که رسول خدا (ص) در رابطه با حضرت حجة امام زمان (ع) فرمودند که آن حضرت غیبت طولانی خواهد داشت و شیعیان در انتظار ظهور آن حضرت خواهند بود.

انتظار مردم و شیعه برای ظهور حضرت مهدی (عج) بهترین کار است و افضل از هر عبادت و کار نیکوئی است.

عن الراوی عن ابی جعفر (ع) قال ذکر المهدي فقال: يدخل الكوفة
و فيها ثلاث رايات قد اضطرب فتصفوله و يدخل حتى يأتي المنبر
فيخطب فلا يدري الناس مايقول من البكاء^۱

خطابه امام قائم (ع) و گریه حضار

از امام باقر (ع) روایت شده بعد از آنکه درباره حضرت مهدی (ع)
می فرمود: که آن حضرت زمان قیام خود وارد کوفه شود جمعیت
زیاد و ازدحام افراد خواهد بود و آنها بطور مضطرب و سرگشته
سرگردان چون امام (ع) وارد شود آن جمعیت راه باز کنند از برای
آن حضرت و او وارد شود تا اینکه آن حضرت به منبر تشریف
می برد و خطابه ایراد فرماید و مردم گریه و زاری کنند از شدت
گریه افراد آنها متوجه نمی شوند و سخنان حضرت قائم را نمی
فهمند.

عن عبدالله بن مغيرة عن ابی عبدالله (ع) قال: اذا قام القائم من آل
محمد (ع) اقام خمسائه: من قریش فضرِب اعناقهم ثم اقام خمس

مائة فضرب اعناقهم ثم خمس مائه اخرى حيت يفعل ذلك ست مرات قلت و يبلغ عدد هولاء هذا؟ قال نعم منهم و من مواليهم.^۱

شمشیر تیز؟!!!

عبدالله بن مغیره روایت کرده که امام صادق علیه السلام فرمودند: چون حضرت قائم از آل محمد (ص) قیام فرماید پانصد نفر از طایفه قریش قیام کنند و حضرت قائم (ع) گردن آنها را بزند و بکشد سپس پانصد نفر دیگر قیام کنند و گردن آنها را هم بزند و بعد پانصد نفر باز قیام کنند آنها را هم بکشد.

و این کار تا شش مرتبه در هر مرتبه پانصد نفر قیام کنند و آنها را گردن زند پس عبدالله سؤال کرد که آیا تعداد و افراد آنها به این اندازه است؟ امام علیه السلام فرمود: بله آنها و طرفداران و دوستان آن افراد از طایفه قریش خواهند بود.

عن مفضل عن الصادق علیه السلام قال: والله يا مفضل كأني انظر اليه دخل مكة و عليه برده رسول الله (ص) و على رأسه عمامه صفراء و في رجله نعل رسول الله المخصوصه و في يده هراوته يسوق بين يديه عنازاً عجافاً حتى يصل بها نحو البيت^۲

۱- اعلام وری ص ۴۳۱.

۲- بحار ج ۵۳ ص ۶.

لباس رسول خدا(ص)

مفضل روایت کرده که امام صادق علیه السلام فرمود: به خدا قسم ای مفضل مثل آن است که می بینم امام قائم(ع) را که لباس رسول خدا(ص) را به تن کرده و نعلین و کفش رسول خدا را پوشیده و عصای آن حضرت در دست او است و چند گوسفند یا بز لاغر در پیش روی او است و آنها را سوق می دهد می آورد تا اینکه وارد مکه می شود و کسی او را نمی شناسند وارد خانه خدا می شود.^۱

قال المفضل: یا سیدی فمن این یظهر و کیف یظهر؟ قال: یا مفضل یظهر وحده و یأتی البیت وحده و یلج الکعبه وحده فاذا نامت العیون و غسق اللیل نزل الیه جبرئیل و میکائیل عليهما السلام و الملائکه صفواً فیقول له جبرئیل یا سیدی قولک مقبول و امرک جائز فیمسح یده علی وجهه و یقول الحمد لله الذی صدقنا وعده و اورثنا الارض نبتوء الجنّه حیث نشاء فنعم اجر العاملین^۲

۱- مخصوفه: نعلین و صله شده

مراوده: عصا الضخمه عجاف: مهزول . هازل: غیر ممطوره

۲- بحار ج ۵۲ ص ۸۶

۳- سی زمر آیه ۷۴

از کجا و چگونه؟

مفضل از امام صادق (ع) سؤال نمود که در هنگام ظهور حضرت

قائم (ع) از کجا ظهور نماید و ظهور آن حضرت چگونه است؟

امام صادق (ع) فرمودند: ای مفضل آن حضرت به شخصه ظهور

نماید و می آید به طرف خانه خدا کعبه و وارد شود به کعبه تنها

پس چونکه شب فرا رسد و تاریکی شب همه جا را فرا گیرد

جبرئیل آید و میکائیل که بر آنها درود و سلام باد و ملائکه صف

اندر صف آیند پس جبرئیل گوید ای آقای من سخن شما مقبول

است و امر شما درست و صحیح است پس آن حضرت دست به

صورت مبارک کشد و بگوید حمد خدائی را است که وعده او

درست و راست است و ما را وارث زمین قرار داد و بهشت را

مکان و مأوای ما که هر کجای آن خواستیم اقامت اختیار کنیم

پس چه نیکو است اجر و مزد خدا جویان و نیکو کاران

و يقف بين الركن و المقام فيصرخ صرخه فيقول: يا محشر نقبائی

و اهل خاصتی و من ذخرهم الله لنصرتی قبل ظهوری علی وجه

الارض اثونى طائعين فرد صيحة (ع) عليهم و هم علی محاربيهم و

علی فرشهم فی شرق الارض و غربها فيسمعونه فی صيحة واحده

فی اذن کل رجل فیجیئون نحوها و لا یمضی لهم الا کلمحة بصر
حتی یکون کلهم بین یدیه (ع) بین الرکن والمقام^۱

تجمع سپاهیان حضرت مهدی (عج)

امام عصر ارواح العالمین له الفداه در بین رکن و مقام می ایستد و
صدا بزند و بگوید که ای دوستان و نقیبان من و آنها که خداوند
برای نصرت و کمک و پیروزی قبل از ظهور آماده نموده و آن
صدای امام (ع) را می شنوند در هر کجای دنیا که باشند در شرق و
غرب عالم همه جمع شوند در فاصله زمانی که از یک لحظه
کمتر باشد و در حضور آن امام قائم (ع) در بین رکن و مقام حاضر
شوند.

فیأمر الله عزوجل النور فیصیر عموداً من الارض الی السماء
فیستضیء به کل مؤمن علی وجه الارض و یدخل علیه نور من
جوف بینه فتفرح نفوس المؤمنین بذلك النور و هم لا یعلمون
بظهور قائمنا اهل البیت علیه السلام:

ثم یصبحون و قوفاً بین یدیه و هم ثلاثمأه و ثلاثه عشر رجلاً بعدد
اصحاب رسول الله (ص) یوم بدر^۲

۱- بحار ج ۵۳ ص ۷.

۲- بحار ج ۵۳ ص ۷.

عمود نور

خداوند امر نماید که عمود نوری از زمین به آسمان بالا رود که هر مؤمنی در روی زمین از آن نور استفاده نماید و نور به داخل خانه آن وارد شود و به آن نور مؤمنین خوشحال شوند و فرحناک باشند و آنها نمی دانند و خبر ندارند به ظهور امام قائم ما اهل بیت علیه و علیهم السلام پس صبح نمایند آنها و حال آنکه حاضر باشند در خدمت و حضور حضرت قائم (ع) و آنها سیصد و سیزده نفر به تعداد اصحاب رسول خدا (ص) در جنگ بدر می باشند.

و قال الصادق علیه السلام: يظهر منهم ابو عبد الله الحسين بن علی عليه السلام فی اثنی عشر الفاً مؤمنین من شیعه علی عليه السلام

امام حسین (ع)

حضرت امام صادق علیه السلام در جواب مفضل که سؤال نمود آیا آن هفتاد و دو نفر که با امام حسین (ع) شهید شدند در جمع اصحاب حضرت مهدی حاضر می شوند امام (ع) فرمود که حضرت امام حسین و دوازده هزار نفر از مؤمنین که شیعه حضرت علی (ع) هستند می آیند و با حضرت قائم (ع) خواهند بود.

وسیدنا القائم (ع) مسند ظهر الی الکعبه و یقول یا محشر الخلائق الا
 و من اراد آن ینظر الی آدم و شیث فها انا ذا آدم و شیث أنما و من
 اراد ان ینظر الی نوح و ولده سام فها انا ذانوح و سام انما و من اراد
 ان ینظر الی ابراهیم و اسماعیل فها انا ذا ابراهیم و اسماعیل انما و
 من اراد آن ینظر الی عیسی و شمعون فها انا ذا عیسی و شمعون^۱

تکیه بر کعبه

حضرت قائم علیه السلام در ابتدای ظهور به مکه خواهد رفت و
 نزد خانه خدا و به کعبه تکیه نماید و می فرماید که ای جهانیان هر
 که می خواهد نوح و فرزند او سام را ببیند من همان نوح و سام
 می باشم و هر که می خواهد ابراهیم و اسماعیل را مشاهده نماید
 من ابراهیم و اسماعیل هستم و کسی که می خواهد عیسی و
 شمعون را ببیند پس من عیسی و شمعون می باشم

الا و من اراد ان ینظر الی محمد و امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما
 فها انا ذا محمد (ص) و امیرالمؤمنین (ع) الا و من اراد ان ینظر الی
 الحسن و الحسین علیهما السلام فها انا ذا الحسن و الحسین

الا ومن اراد آن ينظر الى الائمة من ولد الحسين عليه السلام فها انا ذا
الائمة عليه السلام اجيبوا الى مسألتى فانى انبئكم بما نبئتم به و ما لم تنبئوا
به^۱

حضرت محمد(ص) و امير المؤمنين(ع)

و باز امام قائم (ع) می فرماید هر که می خواهد رسول خدا محمد و
امیرالمؤمنین را ببیند منم و کسی که اراده دارد حسن و حسین
علیهما السلام را ببیند پس من همان حسن و حسین می باشم و اگر
ائمه از فرزندان حسین عليه السلام را می خواهید ببینید من همان ائمه
عليه السلام هستم آنچه خواهید بدانید و سؤال کنید تا به آن شما را خبر
دهم و آنچه که از آن اطلاع ندارید شما را آگاه نمایم.

و من كان يقرأ الكتب و الصحف فليسمع مني ثم يبتدى بالصحف
التي انزلها الله على آدم و شيث عليه السلام و يقول امه آدم و شيث هبه
اله هذه و الله هي الصحف حقاً و لقد أرانا ما لم نكن نعلمه فيها و ما
كان خفي علينا و ما كان اسقط منها و بدّل و حرّف^۲

۱- بحارج ۵۳ ص ۹.

۲- بحارج ۵۳ ص ۹.

قرائت کتب انبیاء(ع)

و کسی که به کتب آسمانی آگاه است و آن را می خواند پس بشنود تا برای او قرائت کنم پس شروع نماید به خواندن کتابی که به حضرت آدم نازل شده و به حضرت شیث پیامبر سلام الله علیهما و امت و پیروان آدم و شیث گویند به خدا قسم که این همان صحف و کتابی است که به آدم و شیث نازل شده و آنچه را که بر ما پوشیده و مخفی بود آشکار نمود از آن کتاب که ما نمی دانستیم و آنچه را که از آن ساقط شده بود و تبدیل و تحریف شده بود.

ثم یقرأ صحف نوح و صحف ابراهیم و التوراه و الانجیل و الزبور
فیقول اهل التوراه و الانجیل و الزبور: هذه و الله صحف نوح و
ابراهیم علیهما السلام حقاً و ما اسقط منها و بدّل و حرّف منها هذه
و الله توراه الجامعه و الزبور التام و الانجیل الکامل و أنّها اضعاف ما
قرأنا منها^۱

کتاب موسی و عیسی(ع)

سپس امام قائم(ع) از کتاب نوح و ابراهیم و انجیل عیسی(ع) و زبور می خواند و اهل تورات و انجیل و زبور گویند که این قرائت

و خواندن حضرت قائم به خدا قسم همان صحف نوح و ابراهیم (ع) است از آن ساقط نشد و تبدیل و تحریف نکرد حتی بیک حرف و به خدا قسم این همان تورات جامع و زیور تام و انجیل کامل و از آنچه که ما می خواندیم بهتر و کاملتر است
ثم يتلو القرآن فيقول المسلمون: هذا والله القرآن حقاً الذي انزله الله على محمد (ص) و ما اسقط منه و حرف و بدل ثم تظهر الدابه بين الركن و المقام فتكتب في وجه المؤمن من و في وجه الكافر كافر^۱

قرآن می خواند

سپس حضرت قائم (ع) قرآن را تلاوت نموده و مسلمانان گویند به خدا قسم این همان قرآن است که آن را خدا نازل نموده بر محمد (ص) و از آن ساقط نشده چیزی و تحریق نشده و تبدیل نگشته است.

حضرت علی (ع) یا دابه الارض

در آن زمان که حضرت قائم ظهور نماید و با مردم سخن گوید در بین رکن و مقام دابه الارض ظاهر شود که منظور از آن امیرالمؤمنین است.

آن حضرت مهتری به دست دارد که بر پیشانی هر فردی بگذرد اگر مؤمن باشد بر پیشانی او نوشته شود این مؤمن است و اگر کافر باشد بر پیشانی او نوشته شود این فردی کافر است.

قال المفضل قلت: یا سیدی فاین تکون دارالمهدی و مجتمع المؤمنین قال دارملکه الکوفه و مجلس حکمه جامعها و بیت ماله و مقسم غنائم المسلمین مسجدالسهله.^۱

خانه مهدی (عج) هنگام ظهور

مفضل گفت از امام صادق (ع) سؤال نمودم که ای سید و آقای منزل و خانه مهدی کجا خواهد بود در موقع ظهور آن حضرت و محل اجتماع مؤمنین که به حضور از شرفیاب شوند؟

امام صادق (ع) فرمود: منزل او در کوفه خواهد بود و مجلس و محل رسیدگی به امور مردم مسجد جامع کوفه است و بیت المال و محل جمع اجناس و غنائم مسلمین در مسجد سهله است.

روی عن الرضا (ع) فی مجلسه بخراسان انه قام عند ذکر لفظه القائم و وضع یدیه علی رأسه الشریف و قال اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه.^۲

۱- بخارج ۵۳ ص ۱۱.

۲- کتاب الزام الناصب ج ۱ ص ۲۷۱.

قیام امام رضا(ع)

روایت شده از امام رضا علیه السلام زمانی که در خراسان تشریف داشت در مجلسی که نام حضرت قائم(ع) ذکر شد امام رضا علیه السلام چون نام حضرت قائم را شنید بلند شد و قیام فرمود و هر دو دست مبارک را بالا برد و روی سر شریفش نهاد و فرمود اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه خداوندا در فرج و گشایش کارها به دست حضرت مهدی تعجیل فرما و راه ظهور و مقدمات ظهور آن حضرت را آسان و فراهم بنما.

عن جابر بن عبدالله انصاری قال قال رسول الله(ص) المهدی من ولدی اسمه اسمی و کنیته کنیتی اشبه الناس بی خلقاً و خلقاً تكون له غیبة و حیرة تفضل فيه الامم ثم یقبل كالشهاب الثاقب فیملأها عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً جوراً

کلام رسول خدا(ص)

جابر بن عبدالله انصاری که از اصحاب حضرت رسول الله بود روایت نموده که آن حضرت فرمود مهدی(ع) از فرزندان من است اسم و کنیه مهدی(ع) همچون نام و کنیه من است و شبیه

ترین فرد است نسبت به من از جهت شکل و قیافه و اخلاق نیکوی او همچون اخلاق کریمه رسول خدا است و آن حضرت زمان طولانی در حال غیبت بسر می برد بطوری که افراد زیادی در رابطه با آن حضرت در حیرت و سرگردان و در شک و تردید بمانند و گمراه شوند.

سپس آن حضرت ظهور کند مانند ستاره نوری که جهان را روشن نماید و ظلم و جور و باطل را نابود نماید و زمین را بوسیله احکام دین و اهل زمین را با دانش و دین روح و نشاط بخشد و در سراسر جهان عدالت گسترش یابد.

فرق عدل و قسط

قسط گرچه عبارت اخرای عدل است لکن در لغت قسط بمعنای تنصیف و نصفه نمودن است بطور مساوی مثل آنکه یک عدد نان را بین دو نفر بطور مساوی قسمت کنیم.

اما عدل علاوه بر تساوی و قسط معنای جامعتری دارد چه بسا تنصیف نمودن که معنای قسط است در آن عدالت نباشد مثل اینکه ارث را بین خواهر و برادر بطور مساوی تنصیف کنیم و این خلاف عدل است.

در اینگونه موارد عدالت چنان اقتضا کند که پسر دو برابر دختر به آن ارث داده شود که آیات قرآن و روایات بر این معنا دلالت دارد که للذکر مثل حظ الانثیین.^۱

و حقوق افراد نه بطور مساوی بلکه هر که آنچه که حق او است باید به او اعطا شود گرچه که یک نفر ده ها برابر فرد دیگری به او تسلیم شود اما در بعضی از موارد حقوق افراد بطور قسط و برابر داده می شود به تمام افراد مساوی داده می شود نه کمتر و نه بیشتر

عن ابی عبدالله (ع) عن ابائه عن امیر المؤمنین علیه السلام قال المنتظر لا مرنا کالمتشحط بدمه فی سبیل الله^۲

مقام و مرتبه منتظران

حضرت امام صادق (ع) از پدر بزرگوار و اجداد گرامش روایت نموده که امیر المؤمنین علی (ع) فرمودند در باره فردی که در انتظار ظهور حضرت مهدی (ع) باشد و معتقد باشد که آن حضرت خواهد آمد و به ظلم و فساد و حکومت های طاغوتی پایان خواهد داد و حکومت عدل در جهان برقرار خواهد نمود یک چنین

۱- سوره ۴ آیه ۱۲.

۲- کمال الدین ص ۳۵۸

فردی بر اثر امید و عقیده‌اش ثواب شهیدی را دارا است که با دشمن مبارزه نموده و به شهادت نائل شود.

او مهدی است

از اصبع بن نباته روایت شده که گفت روزی به حضور امیرالمؤمنین (ع) رفتم آن حضرت را متفکر دیدم عرض نمودم یا امیرالمؤمنین چه شده؟ در فکر چه هستید فرمود درباره مولودی که از فرزندان من است فکر می‌کردم او مهدی است و دنیا را و زمین را از عدل پر نماید چنانکه پر از ظلم و ستم باشد او را غیبتی است که فرقه‌هایی بر اثر آن گمراه و گروهی هدایت شوند.

اصبع بن نباته در این وقت عرض کرد آیا چنین که فرمودید پدید آید فرمود آری تو از کجا خبر داری ای اصبع؟ اینان برگزیدگان این امت می‌باشند که خوبان عترت طاهره می‌باشند عرض کردم بعد چه می‌شود فرمود آنچه خدا بخواهد میکند که ذات الهی را اراده‌ها و مقاصد و نهایات است.^۱

اهل آسمان خوشحال شوند

فردی بنام ابی وائل روایت نمود که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بفرزندش حسین (ع) نگاه کرد و گفت این فرزند من آقا

است چنانکه خدا او را آقا نامیده بزودی از نسل وی مردی بوجود می آید که همنام پیغمبرتان است و در صورت و سیرت شبیه باو است در وقتیکه مردم از خود غافل باشند و حق را از میان برند و ستمگری پیشه سازند قیام می کند به خدا قسم اگر قیام نکند او را گردن میزنند از قیام وی اهل آسمان و ساکنان زمین خوشحال می شوند او زمین را پر از عدل کند چنانکه پر از ظلم و ستم باشد.^۱
عن ابی عبدالله (ع): قال من مات منکم علی هذا الامر منتظراً کان کمن کان فی فسطاط القائم.^۲

انتظار

امام صادق (ع) فرمود در رابطه با ظهور حضرت مهدی (ع) هر فردی از مؤمنین که عقیده دارد به غیبت و قیام مهدی و در انتظار ظهور او باشد و عمر او به پایان برسد و آن حضرت را نبیند مانند کسی خواهد بود که در سپاه حضرت مهدی (ع) شرکت نماید و در خیمه و اردوگاه آن حضرت باشد.

عن عبدالحمید الوسطی عن ابی جعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام: قال قلت له اصلحك الله لقد ترکنا اسواقنا انتظاراً لهذا الامر

۱- بحار ج ۱۳ ص ۳۴۴.

۲- کمال الدین ج ۲ ص ۳۵۷.

فقال (ع) یا عبدالحمید اتری من حبس نفسه علی الله عزوجل لما
تجعل الله له مخرجاً؟ بلی و الله لیجعلن الله له خرجاً رحم الله عبداً
حبس نفسه علینا.^۱

منتظران مهدی (ع)

فردی بنام عبدالحمید واسطی که در حضور امام پنجم
محمد باقر (ع) بود عرض نمود خداوند شما را موفق دارد همانا کار
و کسب خود را ترک کرده ایم و بازار را تعطیل و به محل کار و
مغازه هایمان نرفته و در انتظار امر موعود هستیم و امید داریم که
حضرت مهدی را ببینیم آن حضرت فرمود آن کسی که به گفته
های خدا گردن نهد و آن را پذیرا شود خداوند کارهای او را
اصلاح نکند؟ و در کارها گشایش نیابد؟ چرا به خدا قسم خداوند
کارهایش را روبراه نموده و برایش سختیها آسان شود و مورد
رحمت و عنایات خود قرار دهد خدا رحمت نماید فردی را که
در راه ما و برای ما نیکوئی نماید.

رحم الله عبداً احيا امرنا قال قلت فان مت قبل ان ادرك القائم؟
قال: القائل منكم ان ادركت قائم آل محمد(ص) نصرته كان
كالمقارع معه بسيفه بل كالشاهد معه.

یادآوری

خدا رحمت کند فردی را که امر ما را زنده نماید و در جامعه
یادآوری نماید عبدالحمید گفت اگر از دنیا بروم و مرگ مهلت
ندهد که زنده بمانم تا حضرت مهدی را بینم و قائم آل محمد را
درک نمایم آیا چنین ثوابی را بدست نخواهم آورد و از آن
محروم می شوم؟ اما باقر علیه السلام در جواب عبدالرحیم فرمود
فردی که بر این عقیده باشد و بگوید که اگر قائم آل محمد(ص)
را درک نمایم او را کمک و یاری نمایم مانند کسی خواهد بود
که با آن حضرت همراهی نموده و با دشمنانش مبارزه نموده و
اسلحه بدست گرفته و با دشمن جنگیده و از آن حضرت دفاع
کرده بلکه ثواب شهیدی دارد که در رکاب آن حضرت حضور
دارد و در جنگ به شهادت رسیده.

عن عمار الساباطی قال قلت لابی عبدالله (ع): العباده مع الامام منكم
المستتر فی السر فی دولة الباطل افضل او العباده فی ظهور الحق و
دولته مع الامام الظاهر منكم؟ فقال یا عمار الصدقه: و الله فی السر

افضل من الصدقه: فی العلانیه و کذالك عبادتکم فی السرنا
امامکم الستر فی دوله الباطل افضل لخوفکم من عدوکم.^۱

عبادت در زمان غیبت

عمار ساباطی از حضرت امام صادق (ع) سؤال نمود که آیا عبادت
در زمان امام غایب ثواب بیشتری دارد در زمان حکومت طاغوت
و باطل یا در زمان حکومت عدل و هنگامی که امام (ع) ظهور
نماید.

امام صادق (ع) فرمود صدقه دادن و اعمال و عبادت در حال سر و
مخفی ثواب بیشتر دارد همینطور عبادت شما در صورتی که امام
غایب باشد در حکومت باطل و طاغوت افضل است به دلیل ترس
از دشمن چون هم عبادت است و هم مبارزه می باشد.

عن ابی عبدالله علیه السلام قال: المنتظر للثانی عشر کالشاهر سیفه
بین یدی رسول الله (ص) یدب عنه^۲

۱- ج ۲ کمال الدین ص ۳۵۹.

۲- ج ۲ کمال الدین ص ۳۶۱.

دفاع از رسول خدا(ص)

امام صادق (ع) فرمود فردی که در انتظار ظهور امام دوازدهم سلام الله علیه باشد اجر و ثواب او مانند کسی است که شمشیر و اسلحه برداشته و همراه با رسول خدا(ص) در میدان جنگ با دشمن می‌جنگد و دشمن را دور نموده و از حضرت رسول خدا(ص) دفاع می‌نماید.

عن ابی الصلت الهروی قال قلت للرضا علیه السلام ما علامات القائم علیه السلام منکم اذا خرج؟ قال علامته ان یكون شیخ السن شاب المنظر حتی ان الناظر الیه لیحسبه ابن اربعین سنة او دونها و ان من علاماته ان لایهرم بمرور الایام و اللیالی حتی یاتیه اجله^۱

نشانه‌ها

ابی صلت هروی گفت از امام رضا (ع) سؤال کردم که علامات و نشانه‌های امام قائم (ع) در زمان ظهور کدام است؟ امام رضا(ع) فرمود یکی از نشانه‌های او این است که چون ظهور نماید بصورت جوانی است چهل سال یا کمتر و افرادی که او را ملاقات نمایند تصور کنند که از چهل سال هم کمتر است دیگر

علامات او اینکه به مرور زمان او پیر نشود گذشت شب و روز و سالها در او اثر نگذارد تا زمانی که عمر شریفش به پایان برسد.
 عن ابی بصیر قال: قال الباقر (ع): یقوم بامر جدید و کتاب جدید و سنه جدیده و قضاء علی العرب شدید و لیس شأنه الا القتل لایستبقی احداً ولا یاخذه فی الله لومة لائم.^۱

احکام و اوامر

ابی بصیر روایت نموده از حضرت امام باقر (ع) که فرمود حضرت مهدی (ع) چون ظهور نماید و به اوامر خداوند قیام کند سنت و روش جدید در جامعه پدید آورد و چنان احکام اسلام و قرآن را بیان و روشن نماید که گوئی کسی تا به حال آن احکام و قوانین را نشنیده است و بر مردم عرب قضاوت و حکم نماید که می باید و دشمنان اسلام و قرآن را به قتل برساند و فرد دشمن از دست او رها نشود و نجات نباید و بلکه کشته شود و در راه خدا و اجرای احکام سخنان هیچ کسی در او اثر نکند و از کارش باز ندارد.

عن جعفر بن محمد عن آبائه فی وصیه النبی لعلی علیه السلام قال: یا علی اعجب الناس ایماناً و اعظهم یقیناً قوم یکنون فی اخر الزمان لم یروا النبی و حجب عنهم الحجة فامنوا بسواد علی بیاض.^۱

ایمان و یقین

حضرت امام صادق (ع) از پدر و اجداد گرام خود روایت نموده که پیامبر اسلام (ص) در ضمن وصیتی به حضرت علی (ع) فرمودند در آینده مردمی عجیب پدید آیند از جهت ایمان و عقیده نسبت به اسلام و قرآن در آخر الزمان و اعظم و بزرگترین و بهترین مردم هستند از جهت یقین

آنها افرادی می باشند که سفرای خدا را ندیده اند و پیامبر خود را مشاهده ننموده اما به آن ایمان دارند و به دستورات اسلام و قوانین عمل نمایند.

امام (ع) از نظر آنها پنهان است لکن او را می شناسند و به امید قیام و ظهور او هستند و بوسیله سیاهی نوشته در صفحات سفید کاغذ و کتاب قوانین و دستورات و اوامر خدا را بدست آورده و به آن رفتار می نمایند.

عن الصادق علیه السلام قال: طوبی لمن تمسک بامرنا فی غیبة قائمنا فلم یزغ قلبه بعد الهدایة^۱

اطاعت و پیروی از امام(ع)

انسانهای مؤمن و معتقد به خداوند در زندگی اوامر الهی را سرلوحه کارهای خویش قرار داده و به آن توجه دارند.

اگر در زمان حیات پیامبر(ص) و یا امام معصوم باشند از آن اطاعت و پیروی نموده و اگر در زمان غیبت امام(ع) باشند به خواسته ها و فرامین پیامبر(ص) و امام(ع) عمل می نمایند

امام صادق(ع) فرموده خوشابه حال اینچنین افرادی که مطیع خداوند و پیرو رهبران دین باشند و به دستورات و بیانات ائمه معصومین علیهم السلام رفتار کنند در زمانی که امام زمان علیه السلام در بین مردم نیست و غایب است و در این زمان که امام را نمی بینند لکن از او اطاعت نموده و از اوضاع نابهنجار زمانه قلب آنها کدر نمی شود بلکه به هدایت و راهنماییهای پیامبر(ص) و امام(ع) عمل نموده و از خطرات و گمراهیها محفوظ و در امان هستند طوبی از بهر پیروان ما طوبی نام درختی است در بهشت که آن درخت در

خانه پیامبر(ص) و علی(ع) است و شاخه های آن در منزل و خانه های مؤمنین و مسلمانان می باشد.

عن الصادق(ع) عن النبی(ص): قال و من ذریتی المهدی اذا خرج نزل عیسی بن مریم لنصرته فقدمه و صلی خلفه^۱
حضرت مهدی(ع) و عیسی(ع)
روایت شده که

امام صادق(ع) فرمود از رسول خدا(ص) مهدی(ع) از زریه من است چون ظهور نماید عیسی(ع) از آسمان نزول فرموده و او را کمک و نصرت دهد و او را جلو قرار داده و پشت سر او نماز بخواند.

عن الهادی علیه السلام لامّ المهدی(ع): ابشری بولد یملک الدنیا شرقاً و غرباً و یملا الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً^۲
امام هادی(ع)

آن جناب به مادر حضرت مهدی(ع) فرمود: تو را بشارت دهم به فرزندی از شما که دنیا را تصرف نموده و مالک شود از شرق تا

۱- ج ۳ ص ۴۹۵ اثبات الهداه.

۲- اثبات الهداه ج ۳ ص ۴۹۵

غرب و زمین را از عدل و قسط پر نماید چنانکه از ظلم و جور پرگشته.

عن ابی وایل قال: نظر امیرالمؤمنین (ع) الی ابنه الحسین (ع) فقال: ان النبی هذا سید کما سماه الله سیداً و سیخرج من صلبه رجلاً باسم نیکم فیثبه الخلق و الخلق یخرج حین غفله من الناس و اماته من الحق و اظهار من الجور والله لولم یخرج لضربت عنقه یفرح لخروجه اهل السماء و سكانها بملأ الارض عدلاً کما ملئت جوراً و ظلماً^۱

کلام علی (ع)

فردی بنام ابی وایل روایت کرده که امیرالمؤمنین (ع) به فرزندش امام حسین (ع) نظر نمود و فرمود همانا این فرزندم آقا است چنانکه خداوند او را سید نام نهاد و به زودی از صلب او مردی به دنیا آید که هم اسم رسول خدا است و از جهت شکل و قیافه و اخلاق هم مانند پیامبر (ص) است و او ظهور نماید در زمانی که مردم در حیرت و غفلت باشند و حق و حقیقت فراموش گشته و جور و ظلم در همه جا ظاهر باشد بخدا قسم اگر ظهور و قیام نکند

او را می کشند و با ظهور او اهل آسمان خوشحال شوند و تمام آنچه در آسمان است زمین را از عدل پر کند چنانکه ظلم و جور جهان را فرا گرفته

عن ابی سعید الخراسانی قال قلت لابی عبدالله (ع): المهدی و القائم واحد؟ فقال: نعم. قلت لای شیء سمی المهدی؟ قال: لانه یهدی الی کل امر خفی و سمی القائم لانه یقوم بعد ما یموت یعنی یموت ذکره انه یقوم بأمر عظیم^۱

قیام به امری عظیم

ابی سعید خراسانی روایت نمود که از حضرت امام صادق (ع) سؤال نمودم که آیا مهدی و قائم به یک فرد اطلاق می شود؟ امام (ع) فرمودند بله

عرض کردم چرا او را مهدی گویند؟ فرمود به علت آنکه هدایت نماید به هر کاری از کارهای نیکو که به نظر خلق نیاید.

و او را قائم گویند چون قیام نماید بعد از آنکه نام او از یاد رفته و او قیام نماید جهت امری بزرگ و هدایت جهانیان و گسترش قسط و عدل در جهان است.

عن جابر الجعفی قال قلت لابی جعفر (ع) متى يكون فرجكم؟ فقال هیهات هیهات لا يكون فرجنا حتی تغربلوا ثم تغربلوا ثم تغربلوا یقولها ثلاثاً حتی ینذهب الکدر و ینقی الصفو.^۱

ظهور بعد از تصفیه

جابر جعفی روایت نموده که به امام باقر (ع) عرض کردم چه وقت است ظهور مهدی و فرج شریف آن حضرت؟

امام باقر (ع) فرمودند دور است دور فرجی نیست تا زمانی که تصفیه شوید و این کلام را سه مرتبه تکرار فرمود و بعد ادامه داد سخنش را یعنی ظهور مهدی زمانی فرا رسد که افراد کافر و گناه کار به انواع امتحانات و پیشامدها احوال آنها معلوم گردد و یا اینکه

فانی شده و از میان بروند و مقدار کمی از افراد زنده بمانند که آنها از مؤمنین و نیکان باشند.

عن ابی عبدالله علیه السلام: ان القائم ینهدم المسجد الحرام حتی یرده الی الله و مسجد الرسول الله (ص) الی اساسه و یرد البیت الی موضعه و اقامه الی اساسه^۲

۱- اثبات الهداه ص ۵۱۰.

۲- اثبات الهدات ص ۵۱۶.

تخریب و تعمیر

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود همانا حضرت قائم (ع) مسجد الحرام را که سلاطین جور بنا نموده اند خراب و ویران کند تا اینکه بر بنا و اساس اصلی آن بسازد و مسجد رسول خدا (ص) را خراب کند و همانطور که اول بوده و رسول خدا بنا نموده بنا کند و همانطور بیت الله الحرام را بر اساس و بنای اول تعمیر نماید.

عن یمان التمار قال: قال ابو عبدالله (ع): ان لصاحب هذا الامر رغبه المتمسک فیها بدنيه کالخارط لشوک القتاد.^۱

خار مغیلان

یمان تمار روایت کرده که امام صادق علیه السلام فرمود: همانا برای صاحب این امر یعنی قیام کننده برای اصلاح امور در جهان که مراد او حضرت مهدی (ع) است غیبتی است طولانی که افراد مؤمن که متمسک شوند به روش و دین او در زمان غیبت بر آنها بسیار سخت و مشکل باشد بر اثر شرائط زمان و جور حاکم در آن دوران. مانند کسی باشند که با دست بوته خار که تیغهای فراوان دارد او را بدست گرفته و آن تیغها و خارها را از بالا به طرف

پائین آن درخت و بوته خار آن خارها را چیده که در این صورت معلوم آن خارها دست انسان را آزرده و خون آلود نماید. قال رسول الله (ص): ان الجنة تشتاق الی اربعة من اهلی قدا احبهم الله و امرنی حبهم علی بن ایطالب و الحسن و الحسین و المهدی الذی یصلی خلفه عیسی بن مریم (ع)^۱

بهشت در انتظار

از رسول خدا (ص) روایت است که فرمود همانا بهشت مشتاق چهار نفر است که آنها از اهل من می باشند که خداوند آنها را دوست دارد و مرا امر نمود تا آنها را دوست داشته باشم. علی بن ایطالب (ع) و امام حسن (ع) و امام حسین (ع) و مهدی (ع) آن کسی که حضرت عیسی (ع) پشت سرش نماز می خواند. عن ابی عبدالله (ع) قال: اذا قام القائم حکم بالعدل و ارتفع الجور فی ایامه و أمنت به السبل و اخرجت الارض برکاتها و رد کل حق الی اهله^۲

۱- اثابت الهداه ص ۵۵۲.

۲- اثابت ص ۵۵۶.

حکم به عدل

از امام صادق (ع) روایت است که فرمود هنگامی که حضرت قائم قیام نماید به عدل حکم نماید و ظلم و جور مرتفع شده و از میان برود در زمان او و راه ها امن شود بوسیله آن حضرت و دزدان مجازات شده و نابود گردند و برکات زمین و میوه ها و گنج ها ظاهر شود و هر حقی به صاحب آن باز گردد.

عن ابی عبدالله (ع) قال اذا قام قائم آل محمد عليه السلام حکم بین الناس بحکم داود لایحتاج الی بینه^۱

حکم بدون بینه

از امام صادق (ع) روایت است که فرمود زمانی که قائم (ع) قیام نماید قائم آل محمد (ص) به حکم حضرت داود (ع) بین مردم حکم نماید و احتیاجی به دلیل و برهان و شاهد و بینه نباشد

عن ابی عبدالله (ع) قال: اذا قام قائم (ع) اخذ مانع الزکوه فضرب عنقه^۲

۱- اثبات الهداج ۳ ص ۵۵۶

۲- اثبات الهدی ص ۵۵۹.

قتل مانع الزکوه

از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که حضرت قائم (ع) قیام نماید افرادی که زکات اموال خود را پرداخت نکنند و مانع الزکات باشند آنها را دستگیر نماید و گردنشان را بزند و به قتل برساند.

عن ابی عبدالله (ع): ان الحسین (ع) یخرج فی آخر عمر القائم الحجّه (ع) ثم یموت القائم و یغسله الحسین.^۱
امام حسین (ع) زنده شود.

از امام صادق (ع) روایت است که فرمود: حضرت امام حسین (ع) در پایان و اواخر عمر حضرت قائم زنده شود و سپس حضرت قائم از دنیا برود و امام حسین (ع) او را غسل دهد و دفن نماید.
عن ابی جعفر (ع) فی قوله تعالی: ومن قتل مظلوماً فقد جعلنا لویه سلطاناً قال: هو الحسین بن علی قتل مظلوماً و نحن اولیاءه والقائم منا اذا قام اخذ بثار الحسین فیقتل^۲

۱- اثبات الهداه ج ۳.

۲- اثبات الهداه ج ۳ ص ۵۵۲

اولیاء مظلوم

روایت شده که امام باقر(ع) فرمود: در رابطه با قول خدای عزوجل که آن فرد که مظلوم است و به ناحق کشته شود به ولی او این حق را قرار دادیم که تسلط یابد بر قاتل و قصاص نماید امام(ع) فرمود: او حضرت امام حسین بن علی است که مظلوم کشته شد و به ناحق و ما اولیاء او هستیم و قائم ما هم ولی او است و چون قیام نماید خونخواهی نماید و قتله آن حضرت را قصاص بنماید.

عن ابی عبدالله علیه السلام قال: قال رسول الله(ص) من انکر القائم من ولدی فقد انکرنی.

انکار رسول خدا(ص)

از امام صادق(ع) روایت شده که رسول خدا(ص) فرمود: از امام صادق(ع) روایت شده که رسول خدا(ص) فرمود: فردی که حضرت امام قائم را قبول ندارد و او را انکار نماید و او از فرزندان من است.

انکار او مانند انکار من می باشد.^۱

عن جعفر بن محمد عن ابيه عن ابائه عليهم السلام قال: قال رسول الله (ص) من انكر القائم من ولدي في زمان غيبته مات ميتة جاهليه^۱.

در زمان غیبت

از امام جعفر بن محمد است روایت است از پدران گرامش سلام الله عليهم که رسول خدا (ص) فرمودند: کسی که حضرت قائم را که از فرزندان من است انکار نماید در زمان غیبت مردن آن فرد منکر مردن جاهلیت است و به دین اسلام از دنیا نمی رود.

عن ابن عباس قال: قال رسول الله (ص) ان علي بن ابيطالب امام امتي و خليفتي عليهم بعدى و من ولده القائم المنتظر المهدي الذي يملا عزوجل به الارض عدلاً و قسطاً كما ملئت جوراً و ظلماً والذي بعثني بالحق بيناً ان الثابتن علي القول به في زمان غيبته لا عز من الكبريت الاحمر^۲

کبریت احمر

ابن عباس روایت نموده که رسول خدا (ص) فرمودند: همانا علی بن ابیطالب امام و پیشوا و رهبر امت من است بعد از من و از

^۱ - همان

^۲ - ج ۳ اثبات الهداه ص ۴۶۱.

فرزندان او است امام قائم منتظر که او مهدی است آن کسی که خداوند بوسیله او زمین را پر از عدل و داد نماید چنانکه از ظلم و جور مالا مال گشته.

به آن خدائی که مرا مبعوث نمود به حق و مرا نبی و پیامبر قرار داد همانا افرادی که در زمان غیبت آن حضرت در عقیده نسبت به او ثابت باشند از کبریت احمر کمیابتر می باشند.

فقام الیه جابر بن عبدالله انصاری فقال: یا رسول الله وللقائم من ولدک غیبه؟ فقال: ای و ربی و لیمحصن الله الذین آمنوا و یمحق الکافرین یا جابر ان هذا الامر من امر الله و سر من سر الله مطوی عن عباده فایاک و الشک فی امر الله فهو کفر.

سرانجام کافران

در حالیکه رسول خدا(ص) در رابطه با حضرت مهدی و غیبت آن حضرت سخن می گفت جابر بلند شد و عرض نمود یا رسول الله آیا برای قائم که از فرزندان تو است غیبت است و زمانی طولانی در پنهانی و غیبت بسر خواهد برد.

رسول خدا ص فرمود آری به خدا قسم و در آن زمان خداوند مؤمنین را دریابد و کافران را نابود کند ای جابر این کار سری از اسرار خداوند است که از بندگان پوشیده است پس بر حذر باش

از شك در این کار و در امر خداوند که آن شك در امر خدا کفر به حساب آید.

عن یونس بن عبدالرحمن قال دخلت علی موسی بن جعفر (ع) فقلت له یا ابن رسول الله انت القائم بالحق؟ فقال: انا القائم بالحق و لكن القائم الذی يطهر الارض من اعداء الله و یملاها عدلاً كما ملئت جوراً هو الخامس من ولدی له غیبه یطول امرها خوفاً علی نفسه.^۱

پنجمین پسر مهدی (ع) است

یونس گفت که خدمت امام موسی بن جعفر علیه السلام شرفیاب شدم و عرض نمودم یا ابن رسول الله آیا شما قائم به حق هستید؟ آن حضرت فرمودند: بله من قائم به حق هستم اما نه آن قائمی که زمین را از دشمن پاک نماید و پر از عدل کند چنانکه از ظلم و جور برگشته.

بلکه او پنجمین فرزند من است که برای او است غیبت طولانی و آن غیبت از جهت ترس از جانشن می باشد.

یرتد فیها اقوام و یثبت فیها اخرون ثم قال (ع) طوبی لشیعتنا
التمسکین بحبلنا فی غیبتہ قائمنا الثابتین علی موالاتنا و البراءه من
اعدائنا اولئک منا و نحن منهم قد رضوا بنا ائمه و رضینا بهم شیعه
فطوبی لهم هم و الله معنا فی درجتنا یوم القیمه.

مقام شیعه در زمان غیبت

امام موسی بن جعفر (ع) فرمود: در آن زمان غیبت: اقوام و افرادی
گمراه شوند و عده‌ای بر دین خود ثابت باشند و بعد فرمود خوشا
به حال شیعیان ما که متمسک شوند به راه ما در غیبت قائم ما و
ثابت باشند بر دوستی ما و دشمنی بر اعداء و دشمنان ما آنها از ما
هستند و ما هم از آنها هستیم آنها به امامت ما رضایت دارند و ما
هم به شیعه بودن آنها راضی هستیم.

پس خوش به حال آنها به خدا قسم آنان در قیامت با ما در یک
مقام و درجه هستند.

عن الریان بن الصلت قال: قلت للرضا علیه السلام: انت صاحب
هذا الامر؟ فقال انا صاحب هذا الامر و لکن لست بالذی بملاها
عدلاً كما ملئت جوراً و کیف اکون ذلک علی ما تری من ضعف

بدنی؟! و ان القائم هو الذی اذا خرج کان فی سن الشیوخ و منظر الشباب.^۱

بیان امام رضا(ع)

مردی بنام ریان گفت به امام رضا (ع) عرض نمودم که آیا شما صاحب این امر هستید یعنی امام قائم (ع)

آن حضرت فرمودند: بله من امام قائم هستم اما نه آن که زمین را پر از عدل و داد نماید چنانکه پر از ظلم و جور شده.

چگونه من همان باشم و حال آنکه ضعف بدنم را می بینی!!

همانا حضرت قائم کسی است که چون خروج نماید در سن پیران و بصورت جوان خواهد بود.

قویاً فی بدنه حتی لو مَدَّ یده الی اعظم شجره علی وجه الارض لقلعها و لو صاح بین الجبال لتدکدکت صخورها یکون معه عصا موسی و خاتم سلیمان ذلک الرابع من ولدی یغیبه الله فی ستره ما شاء الله ثم یتظهره فیما لبه الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت جوراً و ظلماً.

قدرت و قوت امام قائم(ع)

امام رضا (ع) فرمودند: حضرت قائم هنگام ظهورش چنان قوی است که اگر بخواهد بزرگترین درختها را با دست از جای بر کند بتواند و اگر در بین کوه ها فریاد کند کوه ها ذره ذره شوند و سنگهای آن از جای کنده شده و پراکنده شوند.

همراه او است عصای موسی و انگشتر سلیمان و او چهارمین از فرزندان من است و خداوند در پرده غیبت خود او را محفوظ بدارد تا زمانی که اراده نموده.

پس او را ظاهر سازد و بوسیله او زمین را پر از عدل و داد نماید چنانکه از ظلم و جور پر شده.

عن ابی عبدالله (ع) قال: اقرب ما یكون العباد من الله عزوجل و ارضی ما یكون عنهم اذا افتقدوا حجه الله عزوجل فلم یظهر لهم و لم یعلموا بمكانه و هم فی ذلك یعلمون انه لم تبطل حجج الله عنهم و بیناته فعندھا فتوقعوا الفرج صباحاً و مساءً^۱

رحمت و لطف خداوند

امام صادق (ع) فرمودند: در رابطه با زمان غیبت که امام قائم(ع) از نظرها پنهان است خداوند به بندگانش نظر رحمت و توجه و

عنایت خاص دارد بطوری که از هر زمان دیگر از بندگان رضایت بهتر و بیشتر دارد.

و آن بندگان در آن شرائط به مقام قرب خداوند از هر زمان دیگر نزدیکتر می‌باشند.

زیرا در آن هنگام دست رسی به امام معصوم (ع) ندارند و امام زمانشان مفقود و پنهان است و ظاهر نمی‌شود و مکان او را نمی‌دانند.

در عین حال می‌دانند که حجج و آیات خدا باطل نشده و از بین نرفته و بلکه امام (ع) وجود دارد.

و در هر صبح و شام در وقت و بی وقت انتظار فرج امام (ع) را دارند و منتظر قیام آن حضرت می‌باشند.

واشد ما یكون غضب الله تعالى على اعدائه اذا افتقدوا حجه الله فلم يظهر لهم و قد علم اولياؤه لا يرتابون و لو علم أنهم يرتابون لما غيب عنهم حجه الله طرفه عين و لا يكون ذلك الا على رأس شرار الناس.^۱

دوستان ثابت قدم

خداوند در این زمان نسبت به اعداء و دشمنان در حال غضب و بدترین کیفر را اراده نماید.

در این شرائط که امام و حجت خدا پنهان و مفقود است و ظاهر نمی شود و دوستان حکم دارند به وجود آن حضرت و از عقیده خود دست بردار نیستند.

اگر خدا بداند که آن دوستان در عقیده خود متزلزل می شوند حجت خود را از آنان پنهان نمی کند حتی یک لحظه و آن زمان هنگامی است که اشرار و بدترین افراد در جهان حکومت می نمایند.

عن مسعده قال كنت عند الصادق (ع) اذا اتاه شيخ كبير قد انحنى متكياً على عصاه فسلم فرد ابو عبدالله الجواب ثم قال يابن رسول الله ناولني يدك اقبلها فاعطاه يده فقبلها ثم بكى فقال ابو عبدالله ما يبكيك يا شيخ قال جعلت فداك يابن رسول الله.

اقتت على قائمكم مائة سنة اقول هذا الشهر و هذه السنة وقد كبرت سني و رق عظمي و اقترب رجاي.^۱

امام صادق (ع) و گریه پیرمرد

مسعده روایت نموده که نزد امام صادق (ع) بودم مردی که در سن کهولت و پیری بود بطوری که کمرش خمیده و به عصای خود تکیه کرده بود وارد شد سلام کرد و امام (ع) جواب او را داد.

پس آن مرد عرض نمود ای پسر رسول خدا دستت را بده تا ببوسم امام صادق (ع) دستش را جلو آورد و آن مرد بوسید سپس آن مرد گریان شد امام (ع) فرمود چرا گریه می کنی؟ آن مرد گفت فدایت شوم یابن رسول الله صد سال منتظر امام قائم علیه السلام هستم و گفتم در این ماه می آید و یا در این سال ظهور می نماید و در این انتظار پیر شدم و استخوانم سست شد و مرگم نزدیک شده.

واری فیکم ما للاحب اریکم مقلین مشردین و اری عدوکم یطیرون بالا جناحه فیکف لا ابکی فدمعت عینا ابی عبدالله (ع) ثم قال یا شیخ ان ابقاک الله حتی تری قائمنا کنت معنا فی السنام الاعلی و ان حلت بک المنیه جئت یوم القیامه مع ثقل محمد (ص) و نحن ثقله

چرا گریه نکنم؟

سپس آن پیره مرد افزود که می بینم در رابطه با شما آنچه را که اکراه دارم شما را دشمن محدود نمود، و از خاندان شما را

دستگیر نموده و بعضی را کشتند و دشمنان شما خوشحال و در حال پرواز اند چگونه گریه نکنم در این وقت چشمان مبارک امام صادق(ع) گریان شد و فرمود ای شیخ اگر خدا تو را نگه دارد و زنده بمانی تا قائم ما را رؤیت نموده و او را بیابی در این صورت در بلند مرتبه از مقام هستی با ما و اگر مرگت فرا رسد و در ثقل محمد و آل محمد(ص) خواهی بود در قیامت و مائقل محمد(ص) هستیم و مراد از ثقل همان روایتی است که از رسول خدا(ص) بیان شده که من دو چیز با ارزش و گرانقدر برایتان نهادم و آن قرآن و عترت است و کلام امام صادق(ع) به این روایت اشاره دارد.

قد قال انی مخلف فیکم الثقلین فتمسکوا بهما لن تضلوا کتاب الله و عترتی اهل بیتی فقال الشیخ: لا ابالی بعد ما سمعت هذا الخبر ثم قال: یا شیخ اعلم ان قائمنا یخرج من صلب الحسن و الحسین یخرج من صلب علی و علی یخرج من صلب محمد و محمد یخرج من صلب علی و علی یخرج من صلب ابن هذا و اشار الی موسی(ع) و هذا یخرج من صلبی و نحن اثنا عشر کلهم معصومون مطهرون.

تسکین خاطر

امام (ع) فرمود از قول رسول خدا (ص) که در بین امت ثقلین را نهادم که مراد از آن قرآن و عتر است و فرود که به آن دو تمسک نموده و از آنها پیروی کنید تا گمراه نشوید آن پیره مرد گفت بعد از شنیدن این کلام از امام صادق (ع) آرامش یافتم سپس امام صادق (ع) فرمود ای شیخ بدان که قائم ما به وجود می آید از صلب دو امام که نام آنها حسن است و از صلب دو امام که نام آنها علی است و از صلب دو امام که نام آن دو محمد است و دو امام که نام آنها علی است و از صلب این پسر و اشاره نموده به حضرت امام موسی (ع) و این از صلب من است و ما دوازده نفر هستیم و تمام ما دوازده نفر معصوم و طاهر و مطهر می باشیم.

فقال الشيخ: يا سیدی بعضکم افضل من بعض قال لا نحن فی الفضل سواء ولكن بعضا اعلم من بعض ثم قال: يا شیخ و الله لو لم یبق من الدنيا الا یوم واحد لطول ذلك الیوم حتی یخرج قائمنا اهل البیت.

امام صادق(ع) قسم یاد می کند

در این زمان که آن پیره مرد کهن سال به کلام درر بار حضرت صادق(ع) توجه داشت سؤال نمود ای آقای من فرمودید که شما دوازده نفر امام معصوم هستید آیا در فضل بعضی از دیگری برتری دارید امام(ع) فرمودند: نه ما در فضل مساوی هستیم اما در علم بعضی اعلم می باشیم و فرمود که ای شیخ به خدا قسم اگر از دنیا نماند به جز یک روز خداوند آن را طولانی گرداند تا اینکه قائم ما اهل بیت ظهور نماید.

الا ان شیعنا یقعون فی فتنه و حیره فی غیبه هناک یثت الله علی هداة المخلصین اللهم اعنهم علی ذلک.^۱

حیران

امام صادق(ع) فرمودند: در آخر الزمان مردم و شیعیان ما در فتنه و گرفتاری و حیرت بسر خواهند برد خداوند افراد مؤمن و مخلص را حفظ می نماید بر صراط و راه مستقیم و آنها هدایت شده و گمراه نمی شوند مانند دیگران که چون غیبت امام(ع) طولانی شود او را انکار نمایند و یا دست از دین و ایمان بردارند بلکه خداوند آن عده از افراد نیکو کار مخلص را حفظ نموده و از

فتنه و حیرت نجات بخشد خداوندا یاری نما آنها را بر این عقیده از آن پیشامدهای ناگوار.

عن ابی جعفر علیه السلام قال ان النبی (ص) قال فی یوم الغدیر: معاشر الناس انی نبی و علی وصی الا ان خاتمه الائمة منا القائم المهدی الا انه الظاهر علی الدین الا انه المنتقم من الظالمین الا انه فاتح الحصون و هادمها.^۱

انتقام

حضرت امام باقر (ع) روایت نموده که رسول خدا (ص) فرمودند: در روز غدیر خم که حضرت علی (ع) را به امامت و خلافت منصوب نمود ای جمعیت و جهانیان بدانید که من نبی و فرستاده خدا هستم و علی وصی من می باشد و بدانید که خاتم و آخرین امامان ما قائم است و او مهدی است بدانید که او ظهور نماید برای دین و پیروزی دین اسلام در جهان و او از ظالمین انتقام گیرد و آن حضرت فاتح است و تمام ممالک جهان را فتح نماید و به آن غلبه نماید و دژها و سنگرهای دشمنان را فرو ریزد و ویران نماید.

الا انه فاتح كل قبيله من الشرك الا انه مدرک بكل ثار لاولياء الله عزوجل الا انه الناصر دين الله الا انه الغراف من بحر عميق الا انه يسم كل ذى فضل بفضله و كل ذى جهل بجهله.

قصاص

به يقين بدانيد که او فاتح و پیروز است بر تمام گروه ها و قبيله ها از کفار و مشرکين و او قاتل دوستان و اولياء خدا را دستگیر نماید و قصاص نماید او یاری کننده دین خدا است آن حضرت معرفی نماید هر فردی را از دانا و نادان را و بر او نشانه گذارد از فضل و دانائی او و یا از جهل و نادانی آن و بدین ترتیب هویت افراد را آشکار نموده و معرفی نماید.

الا انه خيره الله و مختاره الا انه واث كل علم و المحيط بكل فهم الا انه المنجر عن ربه تعالى الا انه الرشيد الا انه المفوض اليه الا انه الباقي حجه و لا حجه بعده و لا حق الا معه و لا نور الا عنده الا انه لا غالب له و لا منصور عليه انه و لى الله فى ارضه و حكمه فى خلقه و أمنیه فى سره و علانيته.

آخرین حجت خدا

رسول خدا(ص) فرمود: امام قائم(ع) کسی است که خداوند او را انتخاب نموده و برگزیده او وارث و دانای به تمام علوم است و بر

هر فهم و دانائی احاطه دارد و آگاهی و علم از جانب خدا دارد او رشید است و کارها به او واگذرد شده او بقیة الله است و بعد از او امامی نیست و حق نیست مگر اینکه با اوست و نوری نیست مگر نزد او کسی بر او غالب نشود و یاری شده ای نیست در مقابل او او ولی خدا است در زمین و مجری حکم خدا است در بین خلق و در کارهای سرو غیر آن در نهان و عیان امین خداوند می باشد.

عن الصادق (ع) قال: لما كان من امر الحسين عليه السلام ما كان ضجت الملائكة و قالوا يا ربنا هذا الحسين صفيك و ابن صفيك و ابن بنت نبيك قال: فاقام الله ظل القائم و قال بهذا أنتقم من هذا.^۱

عکس امام قائم (ع)

امام صادق (ع) فرمود: چون جریان قیام و قتل حضرت امام حسین (ع) را فرشتگان دیدند ضجه و گریه نمودند و به خدا از دشمنان شکایت کردند و گفتند ای خدای ما این حسین تو است صفی و منتخب و امین تو است و فرزند صفی تو است و پسر دختر پیامبر تو است.

خداوند عکس حضرت قائم را بر آنها ظاهر نمود و گفت به صاحب این عکس که حضرت قائم است انتقام گیرم برای حسین و قاتلان او را قصاص کنم.

عن الصادق (ع) عن ابيه عن جده قال . قال رسول الله (ص): القائم من ولدی اسمه اسمی و کنیته کنیتی و شمائله شمائلی و سنته سنتی یقیم الناس علی طاعتی و شریعتی و یدعوهم الی کتاب ربی من اطاعه اطاعنی.^۱

دعوت به کتاب خدا

امام صادق (ع) از پدر بزرگوارش و پدرش از جدش روایت نموده که رسول خدا (ص) فرمود: حضرت قائم از فرزندان من است اسم او همانند اسم من است و کنیه او چون کنیه من می باشد و شمائل و ظاهرا و شبیه من است و سنت و روش او مانند روش و سنت من خواهد بود و مردم را به طاعت از من ترغیب نماید و بر شریعت من آنها را هدایت کند و مردم را به کتاب خدایم دعوت نماید و کسی که او را پیروی و اطاعت کند مرا اطاعت کرده.

و من عصاه فقد عصانی و من انکر غیبه فقد انکرنی و من کذبه فقد کذبنی و من صدقه فقد صدقنی الی الله اشکو المکذبین لی فی امره و الجاحدین یقولی فی شأنه و المضلین لامتی علی طریقہ و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون.

شکایت رسول خدا(ص)

کسی که از او سرپیچی کند از من اطاعت نکرده و کسی که غیبت او را انکار نماید همانا مرا انکار کرده و کسی که او را تکذیب کند مرا تکذیب نموده.

و کسیکه او را تصدیق نماید مرا قبول نموده و تصدیق کرده و به خدا شکایت می کنم از تکذیب کنندگان من در امر مهدی(ع) و آنها که انکار می نمایند گفتار مرا در رابطه با و شأن و مقام او و آنها که امت مرا گمراه می کنند از طریق و راه شناخت آن حضرت و زود باشد که کیفر خود را دریابند آنها که ظلم کردند عذابیکه آنها را دگرگون نماید و چهره آنها بر اثر عذاب و کیفر متحول شود و تغییر پذیرد.

عن عبدالله بن شریک قال: مر الحسین علیه السلام علی حلقه من بنی امیه و هم جلوس فی مسجد الرسول(ص) فقال: اما و الله لا تذهب

الدنيا حتى يبعث الله مني رجلاً يقتل منكم ألفاً و مع الألف ألفاً و مع
الألف ألفاً.^۱

هزار هزار

مردی بنام عبدالله بن شریک روایت نموده که حضرت امام حسین
(ع) عبور نمود به جمعی از بنی امیه که در مسجد رسول خدا(ص)
نشسته بودند پس امام حسین(ع) فرمود به خدا قسم که دنیا به پایان
نمی رسد تا آنکه خداوند مردی را از فرزندان من مبعوث نماید تا
بکشد از شما هزار نفر و با هزار نفر هزار نفر دیگر و با آن هزار نفر
باز هزار نفر دیگر از شما را می کشد.

عن جابر عن ابي جعفر الباقر(ع) انه قال: يأتي علي الناس زمان
يغيب عنهم امامهم يا طوبى للثابتين علي امرنا في ذلك الزمان ان
ادنى ما يكون لهم من الثواب ان ينادى بهم الباري جل جلاله
فيقول: عبيدي و امائي آمنتم بسري و صدقتم فأبشروا بحس الثواب
مني.^۲

۱- اثبات الهداه ج ۳ ص ۵۰۵.

۲- ص ۱۰۲ من هو المهدي.

اسرار خدائی

جابر روایت نموده از امام باقر (ع) که فرمود: زمانی آید بر افراد و اُمت که امامشان غایب باشد و از نظرها مخفی و پنهان است پس خوشا به حال آن افرادی که در امر ما و ایمان به امام زمان خود که در حال غیبت است ثابت باشند در آن زمان همانان کمترین ثواب که برای آنها است اینکه خداوند به آن افراد توجه نموده و عنایت کرده و می گوید بندگان من ایمان آوردید به مطالب سری و پنهان من و تصدیق نمودید امر غیبی و امامت را پس شما را به بهترین ثواب و اجر و مزد از جانب خدایتان بشارت می دهم.

عبیدی و أمائی حقاً منکم اتقبل و عنکم أَعفو ولکم أَعفر و بکم اسقی عبادی الغیث و أَدفع البلاء لولاکم لما نزلت علیهم عذابی قال جابر قلت: یا بن رسول الله ما افضل ما یستحمله المؤمن فی ذلک الزمان؟ قال حفظ اللسان و لزوم البیت.

دفع بلاء

ای مردان و زنان و ای بندگان من سزاور است و حق است که کارهای شما را قبول نمایم و از گناهانتان بگذرم و شما را ببخشم و نعمتها و باران رحمت را بر شما بفرستم و بلا را از شما دفع

نمایم و اگر بخاطر شما نبود بر دیگران عذاب نازل می کردم جابر عرض نمود: ای فرزند رسول خدا در آن زمان که امام غایب است چه کاری بهتر است برای مؤمن تا انجام بدهد حضرت امام باقر(ع) فرمود: نگهداری زبان و بیشتر اوقات در منزل بودن تا از اذیت و آزار کفار و دشمنان در امان باشند.

عن صفوان بن مهران الجمال قال: قال الصادق(ع): اما والله ليغيبن عنكم مهديكم حتى يقول الجاهل منكم: ما لله في آل محمد حاجة ثم يقبل كالشهاب الثاقب فيملأها عدلاً و قسطاً كما ملئت جوراً و ظلماً.^۱

ستاره درخشنده

صفوان روایت نموده که امام صادق(ع) فرمود: بدانید به خدا قسم که مهدی شما از دید شما پنهان شود تا اینکه بر اثر غیبت در زمان طولانی افراد جاهل گویند خدا را نیازی به آل محمد نیست سپس او روی آورد و ظاهر شود مثل شهاب و ستاره روشن و زمین را از عدل و قسط پر نماید چنان که از ظلم و جور مملو گشته است.

عن عبید بن زرارہ قال: سمعت ابا عبد اللہ (ع) يقول يفقد الناس امامهم يشهد الموسم فيراهم ولا يرونه.^۱

امام زمان در مراسم حج

عبید بن زرارہ روایت نمود که شنیدم حضرت امام صادق (ع) می فرمود: مردم امام خود را نیابند و او را مفقود و به او دسترسی ندارند آن حضرت که مرادش حضرت مهدی (ع) است در مراسم و موقع حج مردم را می بیند و افراد آن حضرت را نمی بینند.

عن يمان التمار قال: كنا عند ابي عبد الله (ع) جلوساً فقال لنا ان لصاحب هذا الامر غيبه المتمسك فيها بدينه كالخارط للقتاد.^۲

خرط القتاد^۳

راوی بنام یمان تمار گفت ما نزد امام صادق (ع) نشسته بودیم و فرمود: همانا برای صاحب امر امامت پنهانی و غیبتی است که در آن زمان غیبت فردی که متمسک به دین شود و دارای ایمان باشد و بخواهد دین خود را حفظ نماید سخت و مشکل است بطوری

۱- ص ۱۸۰ من هوی المهدی.

۲- ص ۲۷۱ کافی ج ۱.

۳- خرط القتاد: دست کشیدن به بوته و شاخه درختی که دارای تیغ و خار باشد از بالا به طرف پایین.

که مانند فردی خواهد بود که بخواهد خرط القتاد نماید یعنی بوته تیغ را با دست حمل نماید و یا اینکه او را از بالا به طرف پائین دست بکشد و آن خارها دست او را بریده و مجروح نماید و دست او خون آلود گردد.^۱ خرط القتاد ضرب المثل است برای کارهای سخت و مشکل.

عن ابی بصیر قال: قلت لابی عبدالله (ع) کان ابو جعفر (ع) یقول لقائم آل محمد غیبتان احدهما اطول من الاخر فقال نعم.^۲

ابی بصیر گفت به امام صادق (ع) عرض نمودم: که امام باقر (ع) فرمود: همانا برای قائم آل محمد دو نوع غیبت است که یکی از آن طولانی تر است از دیگری حضرت امام صادق (ع) فرمودند: بله درست است.^۳

عن ابی بصیر قال: قال الصادق جعفر بن محمد (ع) طوبی لمن تمسک بامرنا فی غیبه قائمنا فلم یزغ قلبه بعد الهدایه قیل له: جعلت فداک و ما طوبی؟ قال شجرة فی الجنة أصلها فی دار علی بن ابی

۱- ۱۱۷ من هو المهدی.

۲- ص ۱۲۶ من هو.

۳- غیبه نعمانی ص ۹۰.

طالب و ليس مؤمن الا في داره غصن من اغصانها و ذلك قول الله
عز وجل طوبى لهم وحسن مآب.^۱

درخت طوبی

ابی بصیر روایت کرده از امام صادق (ع) که فرمود: خوشا به حال کسی تمسک نماید به امر ما در زمان غیبت قائم ما و قلب او و افکار او واژگونه نشود و ایمان خود را از دست ندهد بعد از اینکه هدایت یافته است پس از آن حضرت سؤال شد که طوبی چیست؟ امام (ع) فرمود: او درختی است در بهشت که اصل آن درخت در خانه علی بن ابیطالب است و شاخهای آن در منزل و خانه های مؤمنین می باشد و این گفتار خدای عزوجل می باشد که فرموده برای آن افراد مؤمن است طوبی و برای آنها حسن ماب و نیکوئیها است.

عن ابی بصیر قال: قال الصادق جعفر بن محمد (ص) فی قول الله عزوجل یوم یأتی بعض آیات ربک لا ینفع نفساً ایمانها لم تکن آمنت من قبل او کسبت فی ایمانها خیراً: یعنی خروج القائم المنتظر منا.^۱

ایمان بی فایده

ابی بصیر روایت نموده که امام صادق جعفر بن محمد (ع) فرمود در رابطه با این آیه از قرآن که قول خداوند عزوجل می باشد

روزی آید بعضی از آیات و نشانه های خدایت که ایمان آوردن افراد به حال آنها فایده ندارد اگر قبل از آن ایمان نیاورده باشند یا اینکه در حال ایمان داشتن در زمان قبل چیزی و نیکوئی بدست نیاورده باشند منظور آن روز که آخرین مهلت است و ایمان آوردن فایده ندارد اگر قبل از آن روز ایمان نیاورده اند و آن زمان خروج قائم منتظر است آن امام قائم که از خاندان ما است.

ثم قال: يا ابابصير طوبى للشیعة قائمنا المنتظرین لظهوره و المطیعین له فی ظهوره اولئک اولیاء الله الذین لا خوف علیهم ولا هم یحزنون

دوستان خدا

سپس امام صادق (ع) فرمود ای ابابصیر خوشا به حال شیعیان و پیروان و دوستان قائم ما که منتظرند ظهور او را و مطیع و تابع او می باشند هنگام ظهور آن حضرت آن افراد دوستان خدایند که هیچ ترس و هراسی برای آنها نیست و آنان محزون نمی باشند و رستگارند.^۱

عن جابر بن عبدالله انصاری قال: قال رسول الله (ص) للحسین بن علی (ع): یا حسین یخرج من صلبک تسعة ائمة منهم مهدی هذه

الامه فاذا استشهد ابوك فالحسن بعده فاذا سم الحسن فانت فاذا
استشهدت فعلى ابنك فاذا مضى على فحمد ابنه فاذا مضى محمد
فجعفر ابنه فاذا مضى جعفر فموسى ابنه فاذا مضى موسى فعلى ابنه^۱

حسین(ع) پدر نه امام

جابر عبدالله انصاری روایت نموده که رسول خدا(ص) به حسین
بن علی(ع) فرمود: ای حسین از شما نه امام به وجود آید که از
جمله آنها مهدی(ع) است مهدی این امت چون پدرت به شهادت
برسد پس حسن بعد از او است و هنگامی که حسن شهید شود
تو امام و رهبر خواهی بود و چون تو شهید شوی علی فرزندت امام
است و چون از دنیا برود محمد پسرش و چون محمد عمرش به
آخر رسد جعفر پسر او و چون جعفر از دنیا برود موسی فرزند او
امام است و چون موسی از دنیا رفت علی فرزندش امام است.^۲
فاذا مضى على فمحمد ابنه فاذا مضى محمد فعلى ابنه فاذا مضى
على فالحسن ابنه ثم الحجّة ابن الحسن يملأ الارض قسطاً و عدلاً
كما ملئت ظلماً و جوراً.

۱- ص ۲۹۶ کفایه الاثر.

۲- من هو المهدی ص ۱۴۱.

حجت بعد از حجت

و هنگامی که علی از دنیا برود محمد فرزند او امام است و چون محمد عمرش به آخر رسد پس علی فرزند او امام است و چون علی از دنیا برود حسن پسرش امام است و بعد از او حجت بعد از حسن زمین را از عدل و قسط پر نماید چنانکه از ظلم و جور پر شده.^۱

عن ابی عبدالله (ع) عن النبی انه قال لعلی (ع): اعلم أن ابنی منتقم من ظالمیک و ظالمی شیعتک فی الدنیا و یعذبهم الله فی الاخره فقال سلمان من هو؟ یا رسو الله (ص) قال التاسع من ولد ابنشی الحسین الذی یظهر بعد غیبة الطویلة فیلعن امر الله و یظهر دین الله و ینتقم من اعداء الله و یملاً الارض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً.^۲

ظهور مهدی (عج) از بیان پیامبر (ص)

از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده که پیامبر (ص) به علی (ع) فرمودند: بدان که همانا فرزندانم از افراد دشمن و آنها که در رابطه با شما ظلم روا داشتند و ظالمین و دشمنان شیعیان شما انتقام گیرد در جهان و خداوند آن افراد دشمن و ظالم را در

۱- کفایة الاثر ص ۲۹۶.

۲- اثبات الهداه ج ۷ ص ۱۳۷.

آخرت عذاب نماید. سلمان که از اصحاب رسول خدا بود سؤال نمود او کیست؟ ای رسول خدا حضرت فرمودند: آن نهمین فرزند از نسل پسر حسین (ع) است که ظهور نماید بعد از غیبت و پنهان بودن از نظر انسانها مدت بسیار طولانی و ظاهر و اعلان نماید امر خداوند را و دین خدا را ظاهر سازد و از دشمنان خدا انتقام گیرد و عدل و عدالت در سراسر جهان گسترش یابد چنانکه ظلم و جور دنیا را فرا گرفته است.

عن زید بن علی قال كنت عند ابي علي بن الحسين اذ دخل عليه جابر بن عبد الله انصاري فينما هو يحدثه اذ خرج اخي محمد من بعض الحجر فاشخص جابر ببصره نحوه ثم قام اليه فقال: يا غلام اقبل فاقبل قال: ادبر فادبر فقال شمائل كشمائل رسول الله . ما اسمك يا غلام؟^۱

اسم تو چیست؟

زید فرزند امام چهارم روایت نموده که نزد پدرم علی بن الحسین بودم که جابر بن عبدالله انصاری وارد شد و با پدرم صحبت می نمود در این زمان برادرم محمد از حجره بیرون آمد و جابر به او نظر نمود و مرتب به او نگاه می نمود سپس جابر بلند شد و به

طرف برادرم محمد رفت و گفت ای جوان بیا برادرم آمد بعد جابر گفت باز گرد و برو محمد باز گشت و رفت پس جابر گفت قیافه و رخسار و شمایل او مانند رسول خدا است نام تو چیست ای جوان؟

قال محمد قال: ابن من؟ قال ابن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب (ع) قال: اذا انت الباقر قال: فانكب علیه و قبل رأسه و یدیه ثم قال یا محمد ان رسول الله یقرئک السلام قال: علی رسول الله افضل السلام و علیک یا جابر بما ابغت السلام ثم دعا الی مصلاه

سلام رسول خدا(ص)

برادرم گفت نام من محمد است سپس جابر سؤال کرد فرزند چه فردی می باشی برادرم فرمود: فرزند علی بن الحسین فرزند علی بن ابی طالب علیه السلام جابر گفت پس شما محمد باقر هستی زید گفت پس جابر نزدیک رفت و سرو صورت و دستان محمد را بوسید بعد جابر گفت یا محمد همانا که رسول خدا تو را سلام رساند برادرم فرمود: بر رسول خدا هم بهترین سلام و بر تو هم ای جابر درود و سلام که پیام رسول خدا را رساندی و سپس برادرم محمد به مصلا و محلی که نماز می خواند باز گشت.

فاقبل يحدث ابی و يقول: ان رسول الله (ص) قال لی يوماً: یا جابر اذا ادركت ولدی الباقر فاقرئه منی السلام فانه سمی واشبه الناس بی علمه علمی و حکمه حکمی سبعة من ولده امناء معصومون ائمه ابرار و السابع مهديم الذي يملأ الدنيا قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً ثم تلا رسول الله (ص) و جعلناهم ائمه يهدون بامرنا و اوحينا اليهم فعل الخيرات و ايتاء الزكوة و كانوا لنا عابدين
علم او علم رسول خدا است

جابر بسوی پدرم زین العابدین (ع) بازگشت و صحبت نمود و عرض کرد که رسول خدا روزی بمن فرمود: ای جابر چون درک نمودی فرزندم باقر را سلام مرا به او برسان و او همانم من است و اشبه مردم است بمن علم او علم من است و حکم او حکم من و هفت نفر فرزندان من از صلب و نسل او امام و معصوم و نیکو می باشند و هفتمین آنها مهدی است آن مهدی که دنیا را پر نماید از عدل و قسط چنانکه از ظلم و جور پر گردیده.

پس رسول خدا این آیه را تلاوت نمود ما آنها را امام و پیشوا قرار دادیم که هدایت و رهنمائی کنند و اجرا کنند اوامر ما را و به آنها فهماند کارهای نیکو را و پرداخت زکاه را و ما را پرستش و عبادت کنند.

عن عبدالقیس فی بیان وقایع الجمل قال نزل ابوایوب بعض دور
 الها شمین فجمعنا الیه ثلاثین نفساً من شیوخ البصره فدخلنا و
 سلمنا علیه و قلنا: انک قاتلت مع رسول الله (ص) ببدر واحد
 المشرکین و الان جئت تقاتل المسلمین؟ فقال: والله لقد سمعت
 رسول الله (ص) یقول لعلی (ع) انک تقاتل الناکثین و القاسطین و
 المارقین و قال لی^۱

مرد جنگ و نبرد

مردی بنام عبدالقیس گفت در زمان وقوع جنگ جمل ابوایوب
 وارد شد به خانه بعضی از افراد هاشمیین پس ما به دیدن او رفتیم
 که عده ما به سی نفر می رسید که از بزرگان بصره بودند
 بر او سلام کردیم و گفتیم که تو با رسول خدا بودی در جنگ
 بدر و احد و با مشرکین جنگ نمودی و حالا آمدی که با مسلمین
 بجنگی؟ او در جواب گفت به خدا قسم از رسول خدا (ص) شنیدم
 که فرمود به علی (ع) همانا تو می جنگی با ناکثین و قاسطین و
 مارقین مرا گفت.^۲

۱- ص ۳۰۲ کفایة الاثر.

۲- من هو المهدی ص ۱۵۹.

انك تقاتل مع علي بن ابي طالب (ع) قلنا: الله انك سمعت ذلك
من رسول الله (ص) قال: الله لقد سمعت يقول ذلك رسول الله (ص)
قلنا فحدثنا بشئ سمعته من رسول الله (ص) في علي . قال: سمعته
يقول علي مع الحق و الحق معه و هو الامام و الخليفه بعدى

علي با حق و حق با علي (ع)

تو با علي و همراه علي بن ابيطالب (ع) می جنگی ما گفتیم به خدا
تو شنیدی این را از رسول خدا (ع) گفت: به خدا شنیدم که
می فرمود رسول خدا (ص) گفتیم پس حدیثی از رسول خدا
برایمان بیان کن در رابطه با علي گفت شنیدم از رسول خدا که
می فرمود علي با حق است و حق هم با علي است و او امام است و
خليفة من می باشد.

يقاتل علي التأويل كما قاتلت علي التنزيل ابناه الحسن
والحسين (ع) سبطاي من هذه الامه امامان قاما او قعدا و ابوهما خير
منها و الائمة بعد الحسين تسعه من صلبه و منهم القائم الذي يقوم
في اخر الزمان كما قمت في اوله يفتح حصون الضلاله. قلنا فهذه
التسعة منهم؟ قال هم الائمة بعد الحسين (ع) خلف بعد خلف

دژهای گمراهی

علی (ع) می‌جنگد با دشمن بر تأویل قرآن چنانکه من جنگ کردم بر تنزیل قرآن و دو فرزند او حسن و حسین دو فرزند من امام هستند قیام کنند یا اینکه قیام نکنند و پدر آنها از آندو بهتر است و افضل است.

و ائمه بعد از حسین نه نفر از صلب و نسل او می‌باشند که از جمله آنها قائم است آن فردی که قیام نماید چنانکه من قیام نمودم در ابتداء اسلام و او فتح نماید دژهای ضلالت و گمراهی را گفتیم پس این نه نفر کیانند؟ فرمود تمام آنها بعد از حسین (ع) هر یکی بعد از دیگری امام و رهبر می‌باشند.

عن ابی ذر الغفاری قال: قال رسول الله (ص): الائمه بعدی اثنا عشر تسعه من صلب الحسین (ع) تا سعمهم قائمهم^۱

دوازده امام

ابی ذر غفاری روایت نموده که رسول خدا (ص) فرمود: ائمه بعد از من دوازده نفر می‌باشند نه نفر از آنها از نسل حسین (ع) می‌باشند که نهمین آن قائم آنها است.^۲

۱- کفایه الاثر ص ۲۹۳.

۲- من هو المهدی ص ۱۶۱.

عن عطاء قال دخلنا على عبدالله بن عباس و هو عليل بالطائف في العله التي توفي فيها ونحن زهاء ثلاثين رجلاً من شيوخ الطائف و قد ضعف فسلمنا عليه و جلسنا فقال لي: يا عطا من القوم؟ قلت يا سيدى هم شيوخ هذا البلاد: قالوا يا بن عم رسول الله انك رأيت رسول الله (ص) و سمعت منه ما سمعت فاخبرنا عن اختلاف هذه الامه^۱

کلام ابن عباس

مردی بنام عطاء گفت وارد شدیم بر عبدالله بن عباس در طایف او بیمار بود در آن بیماری که از دنیا رفت و ما سی نفر بودیم از بزرگان طائف و عبدالله ضعیف و بیمار شده بود پس بر او سلام کردیم و نشستیم عبدالله عباسی بمن گفت ای عطاء اینها چه افرادی می باشند گفتم ای آقای من اینها شیوخ و بزرگان این شهر هستند که بدیدن تو آمده اند.

آنها گفتند ای پسر عموی رسول خدا. همانا که تو رسول خدا (ص) را دیده ای و از او آیات و وحی را شنیده ای و مطالب زیادی می دانی پس ما را از اختلاف این امت خبر بده.

فقوم قدموا علیاً علی غیره و قوم جعلوه بعد ثلاثه فتنفس ابن عباس الصعداء فقال: سمعت رسول الله يقول علی مع الحق و الحق معه و هو الامام و الخلیفه من بعدی فمن تمسک به فاز و نجی و من تخلف عنه ضل و غوی.^۱

علی خلیفه رسول خدا(ص)

پس عده ای علی را مقدم داشتند بر دیگران و عده ای او را بعد از خلفاء سه گانه می دانند.

عطاء گفت ابن عباس نفسی کشیده آه سرد و طولانی و عمیق و بعد فرمود: شنیدم از رسول خدا که می فرمود: علی باحق است و حق با علی است و او امام و خلیفه بعد از من است پس کسی که به او تمسک نماید رستگار است و نجات یافته و فردی که از او تخلف نماید گمراه و رسوا شده.

یلی تکفینی و غسلنی و یقضی دینی و ابوسبطلی الحسن و الحسین و من صلب الحسین یخرج الائمة التسعة و منها مهدی هذة الامة^۲

۱- ص ۱۶۲ من هو المهدی.

۲- ص ۱۶۲ من هو المهدی.

رسول خدا را کفن می کند

علی مرا کفن نماید و غسل دهد و دین مرا پرداخت نماید و پدر دو فرزند من است حسن و حسین و از نسل حسین نه امام به وجود آید که مهدی این امت از آنها است.

عن الحسين بن خالد قال: قيل لعلی بن موسی الرضا علیه السلام یا بن رسول الله و من القائم منکم اهل البيت؟ قال: الرابع من ولدی ابن سیده الاماء يطهر الله تعالی به الارض من کل جور و یقدّسها من کل ظلم و هو الذی یشک الناس فی ولادته وهو صاحب الغیبة قبل خروجه^۱

فرزند بانو و خانم کنیزان

حسین بن خالد گفت از امام رضا (ع) سؤال شد که ای پسر رسول خدا در بین شما ائمه و اهل بیت قائم چه کسی می باشد؟ امام رضا (ع) فرمود: چهارمین از فرزندان من پسر بهترین زنان که خداوند تعالی بوسیله او زمین را پاک نماید از ظلم و جور و مطهر نماید از ظلم

او کسی است که مردم در ولادت او شک نمایند و او را غیبتی است قبل از آنکه ظهور نماید^۱

فاذا خرج اشرفت الارض بنوره و وضع میزان العدل بين الناس فلا يظلم احد احداً و هو الذي تطوى له الارض و لا يكون له ظل و هو الذي ينادى مناد من السماء يسمعه اهل الارض بالدعاء اليه يقول: ألا ان حجة الله قد ظهر عند بيت الله فاتبعوه فان الحق معه و فيه و هو قول الله عزوجل ان نشأ نزل من السماء آية فظلت اعناقهم لهم خاضعين^۲

میزان عدل

پس چون ظهور نماید زمین به نور او روشن شود و میزان عدل بنهد با مردم بطوری به عدالت رفتار شود که کسی به فرد دیگری تعدی و تجاوز نکند و مردم از او پیروی نمایند و برای او سایه نیست و او کسی است که در آسمان منادی برایش ندا کند که تمام اهل زمین آن صدا را بشنوند و مردم را دعوت کند تا از او پیروی نمایند و آن منادی می گوید: همانا حجت خدا ظاهر شد و آمد، و او در مکه نزد خانه خدا است از او اطاعت کنید که حق با

۱- من هو المهدی ص ۲۲۵.

۲- کفایه الاثر ص ۳۲۳.

او است قول خدای عزوجل می باشد که اگر بخواهیم از آسمان نشانه‌ای آرویم که تمام افراد در مقابل او گردن نهند و نسبت به او خاضع شوند.^۱

عن عبدالسلام بن صالح الهروی قال: سمعت دعبل بن علی الخزائی يقول: انشدت مولای الرضا(ع) قصیدتی فلما انتهیت الی قولی:

خروج امام لامحاله خارج يقوم علی اسم الله و البرکات
یمیز فینا کل حقّ و باطل و یجری علی السّماء و النّجمات
بکی الرضا علی بن موسی علیه السلام بکاء شدیداً ثم رفع رأسه
الی فقال: یا خزائی نطق روح الامین علی لسانک بهذین البتین
فهل تدری من هذا الامام و متی يقوم؟^۲

گریه امام رضا و اشعار دعبل

عبدالسلام روایت کرده که شنیدم از دعبل خزائی که می گفت اشعار و قصیده ای گفتم و آن را برای امام رضا(ع) خواندم چون به اشعاری که ذکر شده رسیدم امام رضا(ع) گریه نمود و معنای آن بیت این است که امام(ع) لامحاله و حتماً خروج نماید و قیام

۱- سوره حج آیه ۸

۲- اکمال الدین ج ۲ ص ۴۳.

نماید بنام خدا بوسیله او بین حق و باطل تمیز داده شود و حق از باطل معلوم شود و مجازات شوند بدکاران و پاداش گیرند نیکوکاران پس امام رضا(ع) بسیار گریه کرد پس سرمبارکش را بلند کرد و فرمود ای خزائی روح الامین به زبان تو سخن گفت به این دو بیت که گفתי آیا می دانی کیست این امام و چه وقت قیام می کند؟^۱

فقلت لا یا مولای انی سمعت یخرج امام منکم یطهر الارض من الفساد یملاها عدلاً و قسطاً کما ملئت جوراً فقال: یا دعبل الامام بعدی محمد ابن علی و بعد محمد ابنه علی و بعد علی ابنه الحسن و بعد الحسن ابنه الحجه القائم المنتظر فی غیبه المطاع فی ظهوره پس عرض نمودم که نمی دانم ای آقا و مولای من همانا که شنیده ام که خروج نماید امامی از شما اهل بیت که پاک سازد زمین را از فساد و از عدل و قسط پر نماید چنانکه از جور و ظلم پر شده.

پس امام رضا(ع) فرمود: ای دعبل امام بعد از من محمد فرزندم می باشد و بعد او علی و بعد از علی حسن و بعد از حسن فرزند او

حجت قائم است که در حال غیبت انتظار او را می‌برند تا ظاهر شود و او را هنگام ظهورش پیروی نمایند.

لولم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتی ینخرج فیملأها عدلاً کما ملئت جوراً و اما متی؟ فاخبار عن الوقت فقد حدثنی ابی عن ابیه عن آبائه علیهم السلام ان النبی (ص) قیل له یا رسول الله متی ینخرج القائم من ذریعتک؟ فقال (ص): مثله مثل الساعه التي لا یجلیها لوقتها الا هو عزوجل لا یأتیکم الا بغتةً

آن روز طولانی شود

امام رضا (ع) فرمود: اگر از دنیا باقی نماند مگر یک روز خداوند آن روز را چنان طولانی نماید تا اینکه آن حضرت ظهور نماید و از غیبت به در آید و زمین را از عدل پر سازد چنانکه از جور پر شده اما اینکه سؤال نمودی در چه زمانی خواهد بود.

بدانکه پدرم حدیث کرد از پدرش و پدرش از پدرانش علیهم السلام که از رسول خدا (ص) سؤال شد چه وقت خارج شود قائم از ذریه و فرزندان شما؟ پیامبر (ص) فرمود مثل او مثل قیامت است که برای آن تعیین وقت و زمان نشده و کسی نمی‌داند مگر خدای عزوجل و آن نمی‌آید مگر بدون اطلاع قبلی

عن الصادق عن ابائه عليهم السلام قال: قال رسول الله (ص): من انكر القائم من ولدي في زمان غيبته مات ميتة جاهلية.^۱

مرگ نافرجام

امام صادق (ع) از پدران گرامش از پیامبر (ص) روایت کرده که رسول خدا (ص) فرمودند: کسی که انکار نماید امام قائم (عج) را در زمان غیبت آن حضرت آن فرد منکر چون از دنیا برود به دین اسلام نخواهد مرد بلکه مردن او همچون مردن افرادی است که در زمان جاهلیت و قبل از اسلام از دنیا رفته اند.
قال رسول الله (ص)

يا فاطمه و الذی بعثنی بالحق ان منهما مهدی هذه الامة اذا صارت الدنيا هرجاء و مرجاء و تظاهرت الفتن و انقطعت السبل و أنحار بعضهم على بعض فلا كبير يرحم صغيراً و لا صغير يوقر كبيراً
فبعث الله عند ذلك منهما^۲

۱- بحار ج ۵۱ ص ۷۳.

۲- بحار ج ۵۱ ص ۷۹.

آخرین ساعات عمر رسول خدا(ص) و گریه زهرا(س)

رسول خدا(ص) چون صدای گریه زهرا را شنید فرمود: یا فاطمه به خداوندی که به حق مرا مبعوث نمود همانا مهدی از ایندو فرزندان تو خواهد بود که مراد امام حسن(ع) و امام حسین است که حضرت مهدی از فرزندان امام حسین است.

هنگامی که دنیا هرج و مرج شود و فتنه ها و آشوب و جنگها در جهان بظهور رسد و راهها و مسافرتها پرخطر و راهها مسدود گردد و افراد بیکدیگر حمله نمایند و بزرگترها به کوچکترها رحم نکنند و کوچکترها بزرگترها را احترام قائل نشوند.

اینها علامات آخر الزمان است که در آن شرائط ظهور حضرت مهدی (عج) نزدیک شود و خداوند آن حضرت را اذن و اجازه دهد که ظهور نموده و ملت و افراد بشر را از آن مهالک و مصیبات و گرفتاریها رهائی بخشد.

من يفتح حصون الضلالة و قلوباً غلفاً يقوم بالدين في آخر الزمان
كما قمت به في آخر الزمان و يملأ الارض عدلاً كما ملئت جوراً

نقش مهدی (ع) در جامعه

مهدی کسی است که دژهای محکم ظالمان را ویران کند و ظلم و گمراهی و ضلالت را محو و نابود و از بین ببرد و قلوب گمراه و سیاه شده از گناه را هدایت نموده یا آنکه آنها را از جامعه بزداید و دین را زنده نماید و احکام اسلام را اجرا نماید در آخر الزمان چنانکه من در آخر الزمان قیام نمودم و برای اجرای احکام اسلام کوشش نمودم آن حضرت نیز در آخر الزمان ظهور نموده و زمین را و جهان را پر از عدل نماید همچنان که ظلم و جور جهان را فرا گرفته باشد.

عن امیرالمؤمنین (ع) أنه قال: ويحاً للطالقان فان لله عزوجل بها كنوزاً ليست من ذهب ولا فضه ولكن بها رجال مؤمنون عرفوا الله حق معرفته وهم ايضاً أنصار المهدي في آخر الزمان^۱

انصار مهدی (عج)

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: در رابطه با اصحاب و انصار حضرت مهدی (ع) که افرادی از انصار آن حضرت از شهر طالقان خواهند بود که از آنها تعبیر نموده به کنز و گنج که از طلا و نقره نیست بلکه مردان مؤمن هستند که خدا را می شناسند چنانکه

می‌باید و در خور شناخت است که مراد معرفت و شناخت صحیح و عرفان و پیروی از احکام خداوند و اطاعت از امام زمان (ع) است در آنها وجود دارد و آنها در آخرالزمان از یاوران و انصار حضرت مهدی (ع) می‌باشند.

عن علی بن ابیطالب علیه السلام قال: قلت یا رسول الله (ص) أمنا آل محمد المهدی ام من غیرنا؟ فقال رسول الله (ص): لا بل منّا یختم الله به الدین کما فتح بنا^۱

مهدی آل محمد (ص)

حضرت امام علی بن ابیطالب سلام الله علیه از رسول خدا (ص) سؤال نمود که یا رسول الله آیا مهدی از ما آل محمد است یا از غیر ما خواهد بود پس رسول خدا (ص) فرمودند: نه بلکه از ما می‌باشد و خداوند دین اسلام را بما ختم نموده و به اتمام رساند چنانکه فتح و ابتداء و شروع آنهم بما بوده است.

عن النبی (ص) قال: تتنعم امتی فی زمن المهدی علیه السلام نعمه لم یتنعموا مثلها قطّ یرسل السماء علیهم مدراراً ولا تدع الارض شیاً من نباتها الا اخرجته^۲

۱- بحارج ۵۱ ص ۹۳.

۲- بحارج ۵۱ ص ۹۷.

وفور نعمت

روایت شده که رسول خدا (ص) فرمودند: امت و پیروان من در زمان حضرت مهدی (عج) که درود و سلام بر او باد از نعمتهای فراوان برخوردار شوند که مثل و مانند آن هیچگاه یافت نگردد بارانهای پی در پی بر آنها بیارد بطوری که در روی زمین سیلان یافته و آب جاری شود و انواع گیاهان و اشجار و درختان میوه به ثمر رسد و چیزی در زمین نماند از نبات مگر آنکه جهات بهره‌وری از آن ظاهر شده و نشو و نما نموده و از آن سود و ثمر و میوه حاصل شود.^۱

عن ابی سعید عقیصاء قال: لما صالح الحسن ابن علی علیه السلام معاویه بن ابی سفیان دخل علیه الناس فلامه بعضهم علی بیعتهم فقال (ع) و یحکم ما تدرن ما عملت؟ و الله الذی عملت خیر لشیعتی مما طلعت علیه الشمس أو غربت الا تعلقون اتی امامکم مفترض الطاعه علیکم و أحد سیدی شباب اهل الجنة بنص من رسول الله (ص)؟^۲

۱- مدار: سیلان. باران فراوان و زیاد بطوری که روی زمین آب جاری شود.

۲- بحار ج ۵۱ ص ۱۳۲.

صلح امام حسن (ع)

چون افراد و احاد ملت با حضرت امام حسن (ع) همپیمان نگشتند تا اینکه حاکم و ظالم زمان را که معاویه بود آرام نموده و شر او و ایادی آن را کوتاه نماید

ناچار امام حسن (ع) بنا به مصالح مسلمین با معاویه صلح نمود لکن عده‌ای از افراد فرصت طلب از آن حضرت بدگوئی نموده و آن حضرت را ملامت و سرزنش می‌کردند.

آن حضرت در جواب آنها فرمود آنچه من انجام دادم بر صلاح و مصلحت شیعه می‌باشد که از دنیا و آنچه در او است که خورشید بر او می‌تابد بهتر است.

نه این است که من امام و پیشوای شما هستم و یکی از دو نفر هستم که سید شباب و جوانان اهل بهشت می‌باشم به نص صریح و فرمایش رسول خدا (ص)؟

قالوا: بلی قال: أما علمتم أن الخضر لما خرق السفینه و قتل الغلام و اقام الجدار کان سخطاً لموسی بن عمران (ع) اذ خفی علیه و به الحکمه فیه و کان ذلک عندالله حکمه و صواباً اما علمتم انه ما منا

احد الا و يقع فی عنقه بیعه لطاغیة زمانه الا القائم الذی یصلی روح
الله عیسی بن مریم خلفه.^۱

جواب مثبت بود

آنها در جواب عرض نمودند که بله درست است سپس آن
حضرت فرمود آیا نمی دانید که چون حضرت خضر پیامبر (ع)
کشتی را سوراخ نمود و جوانی را کشت و دیوار را تعمیر نمود.
حضرت موسی (ع) خشگمین شد و به کار حضرت خضر اشکال و
ایراد گرفت علتش آن بود که موسی به کار حضرت خضر آگاه
نبود و دلیل و حکمتش را نمی دانست در صورتیکه کار حضرت
خضر نزد خداوند درست و ثواب بود و قرین حکمت بود.
آیا نمی دانید که هیچکدام از ما پیشوایان و ائمه نیست که بر عهده
و گردن او بیعت طاغی و ظالم آن دوران خودش بر عهده او نباشد
مگر قائم و حضرت مهدی (ع) که روح الله عیسی بن مریم برای
خواندن نماز به آن حضرت اقتدا نماید.

فان الله عزوجل خفی ولادته و یغیب شخصه لئلا یکون لاحد فی
عنقه بیعه اذا خرج ذاک التاسع من ولد أخی الحسین ابن سیده

الاماء يطيل الله عمره فيه غيبته ثم يظهره بقدرته في صورة شاب
ابن دون اربعين سنة ذلك ليعلم ان الله على كل شي قدير^۱

قدرت خدا

امام حسین (ع) فرمود

خداوند ولادت حضرت مهدی (ع) را مستور و مخفی نماید و آن
حضرت از دید و نظرها پنهان خواهد بود تا آنکه حکام ظالم بر او
چیره نشوند و بر عهده و گردن او بیعت و تعهدی نباشد در زمان
و هنگام ظهورش آن حضرت نهمین فرزند از نسل برادرم
حسین (ع) است فرزندی بهترین کنیزان خداوند عمر او را طولانی
نماید در حال غیبت و سپس بقدرت خود او را ظاهر سازد به
صورت جوانی که سن و سال او از چهل سال هم کمتر جلوه کند
و این از نشانه و قدرت خداوند است تا معلوم گردد که خداوند به
هر کاری توانا است.

عن المفضل قال: سمعت ابا عبد الله (ع) يقول: ان لصاحب الامر بيتاً
يقال له: بيت الحمد فيه سراج يزهر منذ يوم ولد الى يوم يقوم
بالسيف لا يطفى^۲

۱- بحار ۳ ج ۵۱ ص ۱۳۲.

۲- بحار ج ۵۲ ص ۱۵۸.

چراغ روشن

فردی بنام مفضل روایت نموده که شنیدم حضرت امام صادق علیه السلام می فرمود: همانا برای صاحب امر یعنی امام زمان (ع) خانه ای است که بیت الحمد نام دارد در او چراغی است روشن از روزی که آن حضرت تولد یافته تا زمانی که آن حضرت قیام نماید آن چراغ روشن است و خاموش نخواهد شد.

عن الصادق عن آبائه عليهم السلام قال: قال النبي (ص) لعلی علیه السلام یا علی. و اعلم أن اعظم الناس یقیناً قوم یكونون فی آخر الزمان لم یلحقوا النبی و حجب عنهم الحججه فأمنوا بسواد فی بیاض.^۱

بهترین ایمان و بهترین افراد

امام صادق از پدران گرامش روایت نموده نبی گرامی اسلام فرمود یا علی بدان که بهترین و بزرگترین مردم از جهت ایمان و یقین قومی و طایفه و مردمی هستند در آخر الزمان که پیامبر را ندیدند و در زمان رسول خدا نبودند و حجت و امام هم با آنها نیست و در نظر آنها غایب است لکن ایمان آورند به خدا و اسلام و عالم غیب بوسیله کتابها و نوشته و آیات و روایات مدوّنه

عن عمرو بن ثابت قال: قال سيّد العابدین علیه السلام: من ثبت علی و لا يتنا في غيبه قائمنا اعطاء الله اجر الف شهيد مثل شهداء بدر و احد^۱

ولایت و ثواب هزار شهید

مردی بنام عمرو بن ثابت روایت نموده که حضرت امام سجاد زین العابدین (ع) فرمودند: فردی که در دوستی و پیروی از ما در زمان غیبت قائم ما حضرت مهدی (ع) ثابت قدم باشد خداوند ثواب هزار شهید مانند شهدای جنگ بدر و احد در زمان رسول خدا (ص) به او عنایت نماید.

عن ابی عبدالله (ع) قال: قال رسول الله (ص) سیأتی قوم من بعدکم الرجل الواحد منهم له أجر خمسين منکم قالوا: یا رسول الله نحن کنا معک بدر و احد و حنین و نزل فینا القرآن فقال انکم لو تحملوا لما حملوا لم تصبروا صبرهم^۲

۱- بحار ج ۵۲ ص ۱۲۵.

۲- بحار ج ۵۲ ص ۱۳۰.

ثواب پنجاه نفر

از امام صادق (ع) روایت است که رسول خدا (ص) فرمودند: به افراد و اصحاب خود زمانی آید که یک فرد از آن مردم به اندازه پنجاه نفر از شما دارای اجر و ثواب باشد افراد تعجب کردند و عرض نمودند یا رسول الله ما با شما هستیم و در جنگهایی مثل بدر و احد و حنین شرکت کردیم و قرآن در زمان ما نازل شد چرا و به چه علت آنها در زمان بعد از ما هر یک نفرشان ثواب پنجاه نفر دارد رسول خدا (ص) فرمود: آن شرایط که برای آنها است اگر بر شما تحمیل شود تحمل نمی کنید و صبر نمی نمائید مانند آنها آن شرایط سخت مثل غایب بودن امام معصوم و نبودن پیامبر (ص) و تسلط دشمنان و جور حاکم فاسد زمان

عن یمان التماير قال: قال ابو عبدالله عليه السلام: ان لصاحب هذا الامر غيبه التمسك فيها بدینه كالخارط لشوك القتاد بیده^۱

پیروان امام زمان (ع)

روایت نموده یمان تمار از امام صادق علیه السلام که فرمود همانا امام زمان (ع) غیبتی طولانی خواهد داشت و در آن زمان بر افراد مسلمان و پیروان آن حضرت شرایطی سخت و ناگوار و جوی

نامساعد در جهان پدید آید که زندگی برایشان مشکل خواهد بود بطوری که پیروان آن حضرت را جهت حفظ دین و ایمان خود و انجام اوامر امام (ع) چون خراط القتاد باشد

قتاد بوته ای است بزرگ که بعضی آن را به درخت تعبیر نموده اند که او سراپا پوشیده از خار و تیغ است و در کارهای سخت به آن مثال زده می شود که انسان از بالای آن بوته به خارهای تیز دست بکشد به طرف پائین آن درخت تا خارها را بچیند که در این صورت دست انسان را زخم و خون آلود نماید.

عن ابی بصیر قال: قال الصادق جعفر بن محمد (ع) فی قول الله عزوجل یوم یأتی آیات ربک لا ینفع نفساً ایمانها لم تکن آمنت من قبل او کسبت فی ایمانها خیراً قال: یعنی یوم خروج القائم المنتظر منا^۱

ایمان و کفر

ابی بصیر از امام صادق جعفر بن محمد (ع) روایت نمود که آن حضرت فرمود در رابطه با آیه قرآن که روزی بیاید که ایمان آوردن افراد به حال آنها فایده ندارد منظور زمان ظهور حضرت

قائم است امام منتظر حضرت مهدی (ع) که افراد کافر تا آن زمان چون ایمان نیاورده اند ایمان آنها بعد از ظهور دیگر فایده ندارد. یا آنها که گناه کارند و توبه نکرده اند تا آن زمان به گناهان خود عقوبت شوند.

ثم قال (ع) یا ابابصیر طوبی لشیعة: قائمنا المنتظر لظهوره فی غیبه والمطیعین له فی ظهوره اولئک اولیاء الله الذین لا خوف علیهم ولا هم یحزنون.^۱

دوستان خدا

سپس حضرت امام صادق (ع) فرمود یا ابابصیر خوشابه حال شیعه و پیروان قائم ما که منتظر ظهور آن باشند در دوران و زمان غیبتش و مطیع او باشند در حال ظهور آن حضرت آنها دوستان خدا هستند و بر آنان خوف و ترس نیست و آنان محزون نباشند عن ابی بصیر قال سئل ابوجعفر الباقر (ع) عن تفسیر قول الله عزوجل (سنریهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم أنه الحق) قال: یریهم فی انفسهم المسخ و یریهم فی الآفاق انتقاضی الآفاق علیهم فیرون قدرة الله فی انفسهم و فی الافاق^۲

۱- بحارج ۵۲ ص ۱۵۰.

۲- بحارج ۵۲ ص ۲۴۱.

قدرت خداوند

ابوبصیر روایت نموده که از امام باقر (ع) سؤال شد از تفسیر قول خدای عزوجل در باره این آیه که زود باشد که نشان دهیم در آفاق که جمع افق است و در نفسهای آنها تا اینکه معلوم شود و روشن گردد حق. امام (ع) فرمود نشان دهد در نفسها و در وجود آن افراد مسخ را که از حالت و صورت انسان بودن خارج شوند و بصورت دیگری از حیوانات ظاهر شوند و به این طریق عذاب شوند و در آفاق نقضی ایجاد شود مثل خورشید گرفتگی و زلزله و طوفان و بارانهای زیاد و سیل و عذابهای آسمانی و به این صورت برای آنها قدرت خداوند آشکار گردد در آفاق و نفسهای آن افراد

فقوله حتی یتبین لهم انه الحق یعنی بذلک خروج القائم هو الحق
من الله عزوجل

خروج قائم (ع)

و قول خدای عزوجل که حتی یتبین لهم انه الحق امام باقر علیه السلام فرمود پس از مسخ افراد و انتقاض در آفاق خروج قائم (ع) صورت پذیرد و آن حق است از جانب خدای عزوجل

عن ابی بصیر قال: قلت لابی عبدالله علیه السلام قوله عزوجل عذاب الخزی فی الحیاة الدنیا و فی الآخرة ما هو عذاب خزی الدنیا؟ قال وایّ خزی یا ابا بصیر اشد منه ان يكون الرجل فی بینة و حجاله و علی اخوانه و وسط عیاله اذ شقّ اهله الجیوب علیه و صرخوا فیقول الناس ما هذا؟ فیقال: مسخ فلان السّاعة. فقلت: قبل قیام القائم او بعده؟ قال لا بل قبله^۱

مسخ قبل از قیام مهدی (ع)

ابی بصیر از امام صادق (ع) سؤال نمود در رابطه با تفسیر این آیه از قرآن که خداوند فرموده عذاب خزی است برای افرادی در دنیا و آخرت آیا عذاب خزی چیست؟ در این جهان حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: ای ابابصیر چه خزی و ذلتی از این بدتر که فردی در خانه اش کنار دوستان و عیالش که یک مرتبه اهل و عیال بر او گریه کنند و پیراهن بر خود پاره کنند و چون مردم سؤال کنند چه شده؟ گویند که فلان کس مسخ شده و به صورت حیوان و گرگ یا درند دیگری شده ابوبصیر باز سؤال نمود که این وقایع قبل از قیام قائم (ع) است یا بعد از آن؟

حضرت فرمود نه بلکه قبل از قیام است و همان طور در آخرت برای گناه کار تا کیفر شود.

عن الهروی قال: قلت لابی الحسن الرضا (ع) یا ابن رسول الله ما تقول فی حدیث روی عن الصادق علیه السلام أنه قال: اذا خرج القائم قتل ذراری قتله الحسین علیه السلام بفعال آبائهم؟ فقال علیه السلام هو كذلك فقلت: و قول الله عزوجل و لاتزررؤة و زر اخرى ما معناه؟^۱

قصاص از ذراری

فردی بنام هروی روایت نموده که از حضرت امام رضا علیه السلام سؤال نمودم که یا ابن رسول الله چه نظر داری در رابطه با حدیثی که از امام صادق (ع) روایت شده که آن حضرت فرموده چون حضرت قائم (ع) ظهور نماید ذراری و فرزندان از نسل قاتلان امام حسین (ع) را جهت جنگ با حضرت اباعبدالله و قتل آن حضرت قصاص نماید و آنها را به قتل برساند.

امام رضا علیه السلام فرمودند: درست است و همانطور است پس عرض نمودم قول خداوند عزوجل که فرموده و زر و گناه فردی

مربوط به دیگری نمی شود و به جای فرد دیگری نمی توان او را قصاص نمود پس چه معنا دارد؟

قال: صدق الله فی جميع اقواله. ولكن ذراری قتله الحسين عليه السلام يرضون بفعال آبائهم و يفتخرون بها. و من رضى شيئاً كان كمن أتاه و لو أن رجلاً قتل بالمشرق فرضى بقتله رجل بالغرب لكان الراضى عند الله عزوجل شريك القاتل و إنما يقتلهم القائم عليه السلام اذا خرج لرضاهم بفعال آبائهم.^۱

شریک در قتل

حضرت امام رضا (ع) در جواب فرمود: صحیح و درست است قول خداوند در تمام گفتارش که گناه فردی مربوط به دیگری نمی شود اما ذراری و نسل در نسل قتله حسین (ع) به کارهای پدرنشان در کربلا و نسبت به امام حسین (ع) راضی هستند و به آن افتخار می کنند و فردی که به کاری راضی باشد مثل آن کسی است که آن فعل را انجام داده

اگر مردی در مشرق کشته شود و به قتل برسد و فردی به آن قتل راضی باشد در قتل شریک است اگر چه در مغرب باشد آن فردی

که به قتل رضایت دارد خداوند او را هم در قتل سهیم و شریک می‌داند همانا امام قائم علیه السلام چون ظهور نماید آن ذراری قتل حسین علیه السلام را به قتل برساند چون به کار پدر و اجداد خود راضی و خشنود می‌باشند.

عن جابر عن ابی جعفر علیه السلام قال: من ادرک قائمنا فقتل معه کان له اجر شهیدین و من قتل بین یدیه عدواً لنا کان له اجر عشرین شهیداً^۱

ثواب و اجر سپاهیان مهدی (ع)

جابر از امام باقر علیه السلام روایت نموده که آن حضرت فرمود: فردی که در زمان ظهور قائم ما حضرت مهدی (ع) با آن حضرت باشد و در سپاه آن حضرت شرکت نماید اگر به قتل برسد و کشته شود ثواب دو نفر شهید را دارا است و فردی که با دشمنان حضرت مهدی جنگ نماید و در سپاه مهدی شرکت نماید و در حضور آن حضرت دفاع نماید و یک فرد دشمن را به قتل رساند و آن مقتول از دشمنان ما باشد قاتل ثواب و اجر بیست شهید خواهد داشت^۲

۱- بحار ج ۵۲ ص ۳۱۷.

۲- حدیقه ص ۷۶۱.

عن حریر قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول: لن تذهب الدنیا حتّٰی ینخرج رجل منا اهل البیت یحکم بحکم داود و آل داود لایسأل الناس بینه^۱

حکم و داوری

فردی بنام حریر گفت: شنیدم از حضرت امام صادق علیه السلام که می فرمود: دنیا به پایان نخواهد رسید مگر اینکه ظهور نماید مردی از ما اهل بیت که در بین مردم حکم نماید مانند حکم و داوری نمودن حضرت داود پیامبر (ص) و آل داود و از افراد بینه نخواهد همانطور که داود به علم خود داوری می نمود و از کار افراد با خبر بود.

عن ابان عن ابی عبدالله (ع) قال: العلم سبعة و عشرون حرفاً فجميع ما جاءت به الرسل حرفان فلم یعرف الناس حتّٰی الیوم غیر الحرفین فاذا قام قائمنا اخرج الخسمة و العشرين حرفاً فبثها فی الناس و ضم الیها الحرفین حتّٰی یثبها سبعة و عشیرین حرفاً^۲

۱- بحار ج ۵۲ ص ۳۱۹.

۲- بحار ج ۵۲ ص ۳۳۶.

علم و دانش

از حضرت امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: علم و دانش بیست و هفت جزء است که آنچه پیامبران آورده اند دو قسم بیشتر نیست و تا امروز مردم از علم تنها دو قسم از آن را می شناسد چون قائم ما قیام نماید بیست و پنج حرف و قسمت از آن به نظر و ظهور آورد و انتشار دهد و آن دو قسمت را بر آن اضافه نماید که جمعاً بیست و هفت قسم علم کامل شود.

عن عمران بن داهر قال: قال رجل لجعفر بن محمد عليهما السلام: لَنَسَلَمَ عَلَى الْقَائِمِ بِأَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ؟ قَالَ: لِأَذَلِكَ اسْمُ سَمَاءِ اللَّهِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ لَا يَسْمَى بِهِ أَحَدٌ قَبْلَهُ وَلَا يَجْعُدُهُ إِلَّا كَافِرٌ.^۱

سلام بر مهدی (عج)

فردی از امام صادق (ع) سؤال نمود که آیا می توانیم به حضرت مهدی قائم آل محمد (ص) به عنوان امیرالمؤمنین به آن جناب سلام کنیم؟ حضرت فرمودند خیر آن اسمی است مخصوص حضرت علی (ع) است که خداوند وی را به این اسم نام گذاری نموده است و هیچ کس قبل و بعد از آن حضرت به این اسم

خوانده نشود مگر کسی که کافر باشد و آن را برای خود انتخاب نماید

قال: فیکف نسلم علیه؟ قال: تقول: السلام عليك يا بقية الله تعالى: ثم قرأ جعفر عليه السلام «بقية الله خير لكم ان كنتم مؤمنين»^۱

بقية الله

پس آن مرد از امام صادق (ع) سؤال نمود که چگونه و به چه عبارتی آن حضرت را درود و سلام گوئیم امام (ع) فرمودند بگوید السلام عليك يا بقية الله سپس امام صادق (ع) آیه ای از قرآن قرائت نمود که بقیه الله خير لكم ان كنتم مؤمنين

اسحق بن عمار قال: سألته عن انظار الله تعالى ابليس وقتاً معلوماً ذكره في كتابه فقال فانك من المنظرين الى يوم الوقت المعلوم قال: الوقت المعلوم يوم قيام القائم فاذا بعثه الله كان في مسد الكوفه و جاء ابليس حتى يجثو على ركبته فيقول يا ويلاه من هذا اليوم فيأخذ بناصيته فيضرب عنقه فذلك يوم الوقت المعلوم منتهى اجله^۲

۱- بحار ج ۵۲ ص ۳۷۳.

۲- بحار ج ۵۲ ص ۳۶۷.

ابلیس به زانو در آید

اسحاق از امام علیه السلام سؤال نمود از زمان و روزی را که خداوند معلوم نموده و تعیین کرده تا در آن روز به ابلیس مهلت داده آن چه روزی است که خداوند به او فرمود فانك من المنظرین الی یوم الوقت المعلوم امام علیه السلام فرمودند وقت معلوم روز قیام قائم است چون خداوند آن حضرت را مبعوث نماید او در مسیر کوفه خواهد بود و شیطان که همان ابلیس باشد می آید و به زانو بنشیند و گوید ای وای از امروز پس آن حضرت پیشانی او را بگیرد و گردنش را بزند و او را به قتل برساند پس آن روز وقت معلوم است که خداوند برای او تعیین نموده که در آن روز عمر ابلیس منتهی شود و مرگش فرا رسد.^۱

عن علی بن الحسین عن ابيه عن جدّه عليهم السّلام قال: قال رسول الله (ص) الاثمه من بعدی اثنا عشر اولهم انت یا علی و اخرهم القائم الذی یفتح الله تعالی ذکره علی یدیه مشارق الارض و مغاربها^۲

حکومت و سیطره

حضرت امام زین العابدین از امام حسین و او از امام علی علیهما السلام روایت نموده که رسول خدا (ص) فرمود: ائمه و پیشوایان و رهبران بعد از من دوازده نفر هستند اول آنها شما هستی یا علی و آخرین

۱- جث: به زانو یا انگشتان پا نشستن

۲- بحارج ۵۲ ص ۳۷۸.

آنها قائم است آن کسی که خداوند تعالی بدست او تمام جهان را از شرق تا غرب فتح نماید.

عن ابن تغلب قال: قال ابو عبدالله (ع): اذا خرج القائم (ع) لم يبق بين يديه احد الا عرفه صالح او طالح^۱

شناسائی

ابن تغلب روایت نموده که حضرت امام صادق (ع) فرمود: چون ظهور نماید حضرت امام قائم (ع) هیچ فردی از حضور آن جناب نمی گذرد مگر اینکه او را می شناسد و معرفی می نماید که آن انسان مؤمن نیکوکار است یا کافر و گناه کار می باشد.

عن ابن مسکان قال: سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول: ان المؤمن في زمان القائم و هو بالمشرق ليري اخاه الذي في المغرب و كذا الذي في المغرب يري اخاه الذي في المشرق.^۲

۱- بحار ج ۵۲ ص ۳۸۹.

۲- بحار ج ۵۲ ص ۳۹۱.

سیما از راه دور

ابن مسکان روایت نموده که شنیدم از حضرت امام صادق (ع) می فرمود: در زمان ظهور حضرت قائم (ع) افراد مؤمن که در مشرق باشند برادران خود را که در مغرب باشند می بینند و اگر در مغرب باشد برادر مؤمن خود را که در مشرق است می بیند.

عن الحكم بين عينيه قال: لما قتل امير المؤمنين (ع) الخوارج يوم النهروان قام اليه رجل فقال: يا امير المؤمنين طوبى لنا اذ شهدنا معك هذا الوقت و قتلنا معك هؤلاء الخوارج فقال امير المؤمنين: والذي فلق الحبه و برء النسمه لقد شهدنا في هذا الموقف اناس لم يخلق الله ابائهم و لا اجدادهم بعد^۱

نهروان و ناظران

فردی بنام حکم بن عیینہ روایت نموده که در جنگ نهروان چون امیر المؤمنین (ع) خوارج را کشت مردی بلند شد و رفت حضور حضرت علی (ع) و گفت: یا امیر المؤمنین خوشا به حال ما که با شما بودیم و با شما هستیم در این جنگ و این خوارج را کشتیم حضرت امیر المؤمنین (ع) فرمودند: به آن کسی که رستی‌ها و روئیدنیها را رویاند و دانه‌ها را سبز نمود و گیاهان را ظاهر نمود و

به جاندارن جان داد همانا که در این مکان افرادی بر ما شاهدند و ما را می بینند که پدران و اجداد آنها را خداوند هنوز خلق نکرده است.

فقال الرجل: و كيف يشهدنا قوم لم يخلقوا؟ قال: بلى قوم يكونون في آخر الزمان يشركوننا فيما نحن فيه و يسلمون لنا فاولئك شركاءنا فيما فيه حقاً حقاً^۱

آخر الزمان و شرکاء علی (ع)

پس آن مرد تعجب کرد! و عرض نمود چگونه ما را می بینند؟ قومی و افرادی که هنوز خلق نشده اند؟ حضرت فرمودند چرا همین است که گفتم و انکار نکن زیرا که قومی و افرادی هستند در آخر الزمان که با ما شریک هستند در جنگ و در ثواب جهاد و شهادت و تسلیم و منقاد و فرمانبردارند نسبت به ما پس آنها شرکاء ما می باشند در آنچه برای ما است حقاً حقاً.

عن عوف بن مالک قال: قال رسول الله (ص) ذات يوم: ياليتني قد لقيت اخواني فقال له ابوبكر و عمر: اولسنا اخوانك آمنابك و

هاجرنا معك؟ قال: قد آمنتم وهاجرتم ویا لیتنی قد لقیتم اخوانی
فاعادا القول فقال رسول الله (ص) انتم اصحابی.^۱

برادران رسول خدا (ص)

مردی بنام عوف پسر مالک گفت روزی رسول خدا (ص) فرمودند: ای کاش برادرانم را می دیدم! ابوبکر و عمر گفتند آیا ما برادران شما نیستیم که به تو ایمان آوردیم و با شما هجرت نمودیم و از شهر خود و خانه و زندگی دست کشیدیم و از مکه هجرت نمودیم و همراه شما به مدینه آمدیم؟!

حضرت رسول (ص) فرمودند همانا که شما ایمان آوردید و هجرت کردید. ای کاش برادرانم را می دیدم و ملاقات می کردم! پس ابوبکر و عمر کلام خود را تکرار کردند سپس رسول خدا (ص) فرمود: شما اصحاب من هستید و آنها برادران من می باشند

ولکن اخوانی الذین یأتون من بعدکم یؤمنون بی و یحبونی و یصرونی و یصدقونی و ما رأونی فیالیتنی قد لقیتم اخوانی^۲

۱- بحار ج ۵۲ ص ۱۳۲.

۲- بحار ج ۵۲ ص ۱۳۲.

تصدیق رسول خدا(ص)

اما برادران من آنهایی هستند که بعد از من می آیند و به من ایمان آورند و مرا دوست دارند و مرا کمک و یاری نمایند و مرا تصدیق کنند در حالیکه مرا ندیده اند. ای کاش برادرانم را می یدم!

بخش چهارم :

معجزات حضرت مهدی علیه السلام



عن ابی سعید الخدری عن النبی (ص) أنه قال: یكون من امتی المهدی ان قصر عمره ف سبع سنین و الا فثمان و الا فتسح یتنعم امتی فی زمانه نعیماً لم یتنعموا مثله قط البر و الفاجر، یرسل السماء علیهم مدراراً و لا تدّخر الارض شیئاً من نباتها^۱

ابی سعید خدری از رسول خدا (ص) روایت نموده که آن حضرت فرمودند حضرت مهدی (ع) از امت من است چون آن جناب ظهور نماید هفت سال حکومت و عمر نماید و یا اینکه هشت سال و نهایت اینکه نه سال که هر سال آن مطابق است با ده سال حکومت خواهد نمود و افراد مؤمن و نیکوکار و افراد گناه کار و فاجر از نعمتهای فراوان و بی مثل و مانند از جانب خداوند برخوردار خواهند شد و از آسمان باران و برکات جاری خواهد شد و انواع نباتات و گیاه از زمین روئیده شود و هیچ نوع گیاه و درخت و ثمره ای در زمین نمی ماند مگر اینکه ظاهر شود و در اختیار انسانها قرار خواهد گرفت.

عن امیرالمؤمنین (ع) قال: للقائم منا غیبة أمدها طویل کأنی بالشیعه یجولون جولان التعم فی غیبة یطلبون المرعی فلا یجدونه ألا فمن

ثبت منهم علی دینه لم یقس قلبه لطول أمد غیبه امامه فهو معی فی
درجتی یوم القیامه ثم قال (ع):

ان القائم منا اذا قام لم یکن لاحد فی عنقه بیعه فلذلک تخفی
ولادته و ینیب شخصه^۱

درجات

از امام امیرالمؤمنین (ع) روایت شده که فرمود: برای حضرت
قائم (ع) که از ما و از فرزندان من است غیبتی است که مدت آن
طولانی است و مثل آنکه با شیعیان هستم و می بینم آنها را که در
انتظار امام قائم (ع) می باشند و به اطراف و اکناف نظر دارند و
مانند گوسفند که دنبال چراگاه خوب و مناسب می گردد شیعه
می خواهد که امام قائم را در یابند لکن او را نمی یابند آگاه باشید
و بدانید کسی که در آن زمان غیبت بر دین خود ثابت باشد و از
جهت طولانی شدن غیبت قلبش سیاه نشود و دین خود را از دست
ندهد در قیامت با من در یک مقام و درجه خواهیم بود.

سپس آن حضرت فرمود: همانا قائم چون قیام نماید بر عهده او
بیعت از برای هیچ کس نیست و نسبت به هیچ کس از حاکم و

ظالم زمان عهدی نیست و برای همین جهت ولادتش مخفی شد و شخص آن حضرت غایب گردید.

معجزه امام عصر (ع)

از حضرت امام جعفر صادق (ع) روایت شده که فرمود: از فرزندم صاحب الامر علیه السلام افرادی معجزه خواهند خواست. یک نفر از افراد منطقه ماوراء النهر است. او از امام عصر صاحب الامر (ع) معجزه حضرت الیاس (ع) را طلب نماید

حضرت صاحب الامر (ع) آیه ای از قرآن بخواند و من یتوکل علی الله فهو حسبه و بر روی آب روان شود و از این طرف دجله به آن طرف دجله برود بطوری که کفش او تر نشود.

چون آن مرد نافر جام آن عمل را از امام (ع) مشاهده کند. گوید که او جادوگر است و این کار او جادو است.

پس امام (ع) به آب امر کند که او را بگیرد و او مدت هفت روز در آب زنده باشد و فریاد کند که این جزای فردی است که امام زمان را انکار کند.^۱

منکر مهدی (ع) می سوزد

چون امام عصر (ع) ظهور نماید مردی از اهل اصفهان حضور آن جناب شرفیاب گردد و از او معجزه خواهد و گوید حضرت ابراهیم (ع) معجزه داشت و آتش نمرودیان او را نسوزاند در حالیکه آتش بسیار بود چون او را در میان آتش قرار دادند آتش او را نسوزاند و به سلامت از آن بیرون آمد و شما اگر امام و خلیفه رسول خدا هستی باید که آتش تو را نسوزاند.

امام عصر (ع) امر نماید که آتش بسیار فراهم شود و آن حضرت آیه (فسبحان الذی بیده ملکوت کل شی و الیه ترجعون) را بخواند و به آتش وارد شود و به سلامت بیرون آید و آتش او را نسوزاند. اما آن مرد اصفهانی گوید که این کار سحر است و آن حضرت جادو کرده امام (ع) آتش را امر نماید تا آن مرد را بگیرد و بسوزاند.

آن مرد می سوزد و فریاد کند و بگوید این جزای فردی است که امام عصر (ع) را انکار نماید.^۱

عصا ازدها شود

فردی از اهل فارس چون حضرت امام زمان (ع) را مشاهده نماید: گوید که حضرت موسی (ع) معجزه داشت و عصا در دست او ازدها شد و آن عصا در اختیار شما است و شما یادگار انبیاء عظام و خلیفه رسول خدا هستی اگر این ادعای شما درست است باید چون موسی (ع) قدرت اعجاز و معجزه را دارا باشی امام قائم (ع) آیه والقی عصاک فاذا هی ثعبان مبین را می خواند و آن عصا را می اندازد و عصا بصورت ازدها شود آن مرد گوید که این عمل سحر است و جادوگری به امر امام قائم (ع) ازدها آن مرد را بگیرد و او را ببلعد و سرو گردن او از دهان ازدها بیرون باشد آن مرد فریاد کند و بگوید این سزای کسی است که معجزه را جادو و امام زمان را جادوگر بداند.^۱

اعدامش کنید

مردی از آذربایجان حضور امام قائم (ع) آید و در دست او استخوانی است و گوید از تو می خواهم مانند حضرت عیسی (ع) این استخوان را به سخن آوری و اگر امام زمان هستی باید قدرت بر این کار در تو باشد و به دعاء و خواست امام عصر (ع) آن

استخوان به سخن آید و گوید که ای امام معصوم هزار سال است که به عذاب گرفتارم و از شما امید نجات از عذاب را دارم از خدا بخواه که عذاب را از من باز دارد.

اما آن مرد آذربایجان ایمان نیاورد و به امر امام (ع) او را بر دار کنند و تا مدت هفت روز بالای دار بماند و فریاد کند که این جزای کسی است که معجزه ببیند و انکار نماید.^۱

طوق آهنی

معجزه حضرت داود پیامبر (ع) این بود که آهن در دست او نرم شده و با آهن زره می‌بافت و این اعجاز را فردی از اهل عمان از امام عصر (ع) تقاضا کند.^۲

اما قائم (ع) آل اعجاز را انجام داده اما آن مرد از کفر خود دست برندارد و آن معجزه را انکار نماید.

امام عصر (ع) عمودی از آهن برگردن او بیندازد و او نتواند که آن آهن را از گردن خود بردارد و فریاد کند و بگوید این جزای آن باشد که امام (ع) را انکار نماید.

۱- حدیقه ص ۷۶۱.

۲- حدیقه ص ۷۶۱.

کارد کشنده

فردی ترک زبان حضور امام قائم (ع) آید و گوید که حضرت اسماعیل (ع) کارد گردن او را نبرید و من آن را معجزه می دانم اگر شما امام هستی و آن معجزه را انجام دهی ایمان آورم و به امامت شما اقرار و اعتراف کنم حضرت قائم (ع) کاردی به دست او دهد و گوید که حلقوم فرزند خود را ببرد و آن کارد نبرد و آن مرد هفتاد مرتبه آن کارد تیز را برگردن و حلقوم فرزند خود بکشد اما آن کارد گردن او را نبرد پس آن مرد از روی غضب آن کارد را بر روی زمین اندازد به خواست خدا و امر امام عصر (ع) آن کارد حرکت کند و آن مرد را تعقیب کند و حلقوم آن مرد منکر را ببرد و او را بکشد.^۱

شهادت بر امامت

مردی از اعراب از حضرت قائم (ع) معجزه رسول خدا (ص) را طلب نماید امام (ع) شیری را طلب نموده و آن شیر آید و باز بان گویا و فصیح بر امامت حضرت قائم (ع) شهادت دهد اما آن مرد عرب به امامت آن جناب اقرار نمی کند.

آن شیر مرد را تعقیب کند و در آن لشکرگاه او را بدواند و آن مرد فریاد کرده و بگوید این است سزای فردی که امامت صاحب الامر را انکار نماید و عاقبت شیر او را پاره نموده و طعمه خود سازد.^۱

مهدی (ع) و شفای مرد کاشانی

مردی از کاشان که رهسپار مکه بود در نجف بیمار شد و پاهای او خشک شده و تسلیم مرگ شد روزی رفیق خود را گفت مرا از خانه بیرون ببر و در بیابان وادی السلام نجف. رفیقش او را تنها نهاد و رفت.^۲

بیمار گفت جوانی را دیدم که نزد من آمد و از احوال من جویا شد گفتم بیمارم نه خوب می شوم و نه اینکه می میرم و خداوند مرگم را نمی دهد.

آن جوان گفت به هر دو خواسته ات می رسی آن جوان رفت و من که بیمار بودم و نمی توانستم حرکت کنم.

ناگاه بدون اختیار از جای خود بلند شدم و لباسهای دوستم را که شسته بود و روی رخت انداخته بود چون باد آمد و آنها را روی

^۱ حدیقه الشیعه ص ۶۷۲

^۲ - ترجمه ۱۲ بحار ص ۹۳۸.

زمین انداخت رفتم و آن لباسها را جمع کرده و آوردم سپس متوجه شدم که آن جوان امام عصر (ع) بوده و مرا شفا داده و گرنه من که پاهایم فلج بود و نمی توانستم راه بروم.

چون مدتی گذشت و رفقای او از حج بازگشتند دیدند که بیماری او رفع شده و سالم گشته خوشحال شدند اما چه سود که بعد از مدتی کوتاه او بمرد و او را در نجف به خاک سپردند هر دو آرزوی او که رهائی از بیماری و رسیدن مرگ خود را از خدا طلب نمود حاجتش برآورده شد.

امام قائم (ع) شفا می دهد

در شهر حله حاکمی بود ناصبی و دشمن علی و فرزندان آن حضرت مردی بنام ابوراجح حمّامی که شیعه بود و با حکام و اطرافیان او مخالفت می ورزند و آنها را ظالم می دانست.^۱ بدستور حاکم شهر حله که او را مرجان صغیر می گفتند ابوراجح را دستگیر نموده و او را اذیت و آزار نمودند و آنقدر او را کتک زدند که جانش به لب رسید و مردن او حتمی شد.

بر اثر ضربات بر سر و صورت ابوراجح داندانهایش شکست
 ابوراجح گفت دیگر امیدی به زنده بودن برایم نماند .

در آن حال جان دادن به خدا و امام زمان استغاثه نمودم جوانی
 خوش اندام و زیبایی را دیدم که نزدیک آمد و دست بر سر و
 صورت من کشید نیرو و قدرت من باز گشت و سلامتی خود را
 باز یافتم و دندانهای من نیز که شکسته و ریخته بود به جای خود
 باز گشت و از آن زمان سالها ابوراجح زندگی نمود.

چون حاکم جریان او را دانست او را احضار نمود و ابوراجح را از
 اول بهتری و سالمتر و قوی تر بصورت جوان بیست ساله دید و از
 این جریان ترسی در دل حاکم راه یافت تا آن زمان وقت جلوس
 پشت به قبله و به مقام امام علیه السلام پشت می نمود اما از آن
 زمان شفای ابوراجح دیگر به مقام و محل امام (ع) احترام می نمود.

امام قائم حضرت مهدی (ع) و مقدس اردبیلی

میرعماد تفرشی که از شاگردان مقدس اردبیلی است گفت شبی
 در حجره خود در مدرسه نزدیک حرم حضرت امیرالمؤمنین (ع)
 دیدم که فردی در تاریکی شب به سوی حرم آمد.^۱

تصور کردم که شاید دزد باشد آمده بقصد دزدی در حرم چون نزدیک شدم دیدم که درهای بسته خود به خود باز شد و او وارد حرم شد سلام کرد و حضرت علی (ع) به او جواب داد مسائلی از امام (ع) سؤال نمود.

سپس مقدسی اردبیلی از حرم بیرون آمد و به طرف مسجد کوفه روانه شد و در محراب که حضرت علی علیه السلام در او شهید شد وارد شده دیدم که با فردی در رابطه با همان مسائل صحبت می کند مقدسی اردبیلی از مسجد کوفه به شهر باز گشت و من همراه او آمدم چون به دروازه شهر رسید نزد او آمدم تو از او سؤال کردم که در حرم حضرت امیرالمؤمنین با چه فردی سخن گفتی و در مسجد کوفه آن چه فردی بود.

مقدس اردبیلی از من عهد و پیمان گرفت که تا زنده است به کسی نگویم سپس فرمود هر گاه در مسائل علمی جواب خواستم به حرم حضرت علی (ع) می روم و از آن حضرت سؤال می کنم و آن حضرت بمن جواب می دهد اما امشب مرا حواله کرد به فرزندش حضرت مهدی (ع) و فرمود که در مسجد کوفه به سراغ آن حضرت رفتم و او حضرت قائم (ع) بود

عترت

امام صادق از پدر و جدش علی بن الحسین از حضرت امام حسین (ع) روایت است که فرمود: از امیرالمؤمنین (ع) سؤال شد درباره معنا و مفهوم این روایت که رسول خدا فرموده: همانا من دو چیز گرانمایه و گران بهاء می گذارم بین امت پس از خود و آن کتاب خدا و عترت من است.

آیا عترت چیست و عترت کیست

امام امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: من و حسن و حسین و ائمه نه گانه از فرزندان حسین می باشیم که نهمین آنها حضرت قائم است که از قرآن جدا نشوند و کتاب خدا هم از آنها جدا نیست تا زمانی که در قیامت بر رسول خدا وارد شویم در مکان و محلی که حوض کوثر در آن مکان است.

عن سلمان الفارسی رضی الله عنه قال: دخلت علی النبی (ص) فاذا الحسین علی فخذیه و هو یقبل عینیه و یلثم فاه و هو یقول انت سید ابن سید ابوساده انت امام ابن امام ابوائمه انت حجه ابن حجه ابوالحج تسعه من صلیبک تا سعه قائمهم.^۱

حجت فرزند حجت

از سلمان فارسی رضی الله عنه روایت است که وراد شدم به منزل رسول خدا (ص) و دیدم که حسین روی دو زانو رسول خدا نشسته بود و پیامبر (ص) دو چشمان حسین را می بوسید و لبهای او را بوسه می زد و می فرمود که تو آقا هستی و فرزند سید و پدر سادات تو امام و فرزند امام و پدر ائمه هستی و باز فرمود تو حجت خدا و فرزند حجت خدا و پدر حجج نهگانه که از صلب و یشت تو به وجود آیند که نهمین آن قائم آنها است.^۱

عن جابر بن یزید الجحفی قال سمعت جابر بن عبدالله انصاری يقول لما انزل الله تعالی علی نبیه (ص) یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم قلت: یا رسول الله عرفنا الله و رسوله فمن اولی الامر الذی قرن الله طاعتهم بطاعتک فقال: علیه و اله السلام هم خلفائی من بعدی یا جابر و ائمه الهدی بعدی اولهم علی بن ابی طالب.^۲

۱- یلثم: بوس می نمود

۲- کشف الغمه ج ۳ ص ۴۲۳.

اولی الامر کیست؟

جابر بن جحفی از جابر بن عبدالله انصاری روایت نموده که جابر بن عبدالله انصاری گفت: چون خداوند آیه اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم را نازل نمود از رسول خدا سؤال کردم که ما خدا و رسول خدا را شناختیم اولی الامر کیست که طاعت و پیروی از آن را خداوند قرین اطاعت از شما قرار داده است پس رسول خدا(ص) فرمود آنها خلفاء من می باشند بعد از من ای جابر و ائمه و امامان هستند که اولین آنها علی بن ابی طالب است ثم الحسن ثم الحسین ثم علی بن الحسین ثم محمد بن علی المعروف فی التوراه بالباقر و سدر که یا جابر فاذا لقیته فاقراء منی السلام ثم الصادق جعفر بن محمد ثم موسی بن جعفر ثم علی بن موسی ثم محمد بن علی ثم علی بن محمد ثم الحسن بن علی ثم سمی و کنی حجه الله فی ارضه و بقیته فی عباده محمد بن ا لحسن بن علی ذلك الذی یفتح الله عزوجل.^۱

حجت خدا در زمین

بعد از علی (ع) امام حسن و بعد حسین و سپس علی بن الحسین و بعد از او فرزندش محمد بن علی است که در تورات معروف است به باقر و زود باشد که او را ملاقات کنی و چون او را دیدی از من به او سلام برسان و بعد از او حضرت صادق است جعفر پسر محمد و پس از او موسی بن جعفر سپس علی بن موسی و بعد محمد بن علی است و علی بن محمد امام است بعد از پدرش و بعد حسن عسکری فرزند علی بن محمد و بعد از او همام من و همکنیه من حجه خدا در زمین بقیه الله فی عبادة محمد بن الحسن بن علی که به وسیله آن خداوند اسلام و مسلمانان را پیروز نماید.

علی یدیه مشارق الارض و مغاربها و ذلك الذی یغیب عن شیعته و اولیائه غیبه لا یثبت فیها علی القول بامامته الا من امتحن الله قلبه للایمان.^۱

پیروزی

و به دست او پیروزی حاصل شود و غرب و شرق زمین فتح گردد و او از شیعیان و دوستانش غایب باشد که در آن غیبت طولانی

کسی به امامت او باقی نباشد و قائل به امامت او نباشد مگر فردی
که خداوند قلب او را امتحان نموده و ایمان او را حفظ نموده باشد

بخش پنجم :

علائم زمان ظهور حضرت مهدی (عج)

و

وزراء مهدی (عج)



وزرائه من الاعاجم مافيهم عربی و لكن لا يتكلمون الا بالعربيه لهم
حافظ من جنسهم ماعصى الله قط و هو اخص الوزراء و افضل
الامناء^۱

وزراء مهدی (ع)

وزیران حضرت مهدی (ع) از افراد فارس و غیر عرب خواهند بود
حتی یک نفر از اعراب هم در بین آنها نیست و از اعراب انتخاب
نمی شوند جهت وزارت و آن افراد عجمی که وزراء مهدی (ع)
می باشند گرچه غیر عرب زبان هستند اما به زبان عربی تکلم
خواهند کرد و برای آنها محافظی است از انسان که هیچ گاه گناه
و عصیان مرتکب نشده و آلوده به گناه نمی شوند و آنها بهترین
وزیران هستند و وزراء مخصوص حضرت مهدی (ع) می باشند و
از جهت امانت و حفظ آن افضل و بهترین افراد به حساب
می آیند.

عن ابی بصیر عن ابی عبدالله (ع) قال: لا یخرج القائم الا فی وتر من
السنین سنه احدى او ثلاث او خمس او سبع او تسع.^۲

۱- منتخب التواریخ ص ۸۷۲

۲- اعلام الوری ص ۴۳۰

فرد یا زوج نشانه‌ای از سالهای ظهور مهدی (ع)

ابی بصیر روایت کرده از امام صادق (ع) که آن حضرت فرمود: حضرت مهدی امام قائم (ع) ظهور می‌نماید در یکی از سالهای فرد مانند هزار و یک یا هزار و صد و یک و همانطور در سال مفرد در عدد سه مانند سه و یا هزار و سه و یا هزار دویست سه و یا در سال پنج که فرد است مثل سال هزار و پانصد و پنج و یا هفت یا نه که هفت و نه نیز از سالهای مفرد در مقابل زوج است. عن ابی عبدالله (ع) قال: لا یخرج القائم حتی یخرج قبله اثنی عشر من بنی هاشم کلهم یدعی الامامة.^۱

ادعای امامت کذابین

از حضرت امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: امام قائم (ع) ظهور نمی‌کند مگر زمانی که بر اثر ضعف دین و ایمان افراد انسان از مقدسات فاصله گرفته و مقام امامت را هم از یاد برده و چنان از خدا بی‌خبر شده که افراد ادعای امامت کنند و از بنی هاشم دوازده نفر خروج نمایند و هر کدام ادعای امامت بنمایند و سپس امام زمان حضرت قائم (ع) خروج می‌فرماید.

عن جعفر بن محمد الصادق عن ابيه عن جده عليه السلام قال. قال رسول الله (ص) الائمه من بعدى اثنا عشر اولهم على بن ابي طالب و اخرهم القائم هم خلفائى و اوصيائى و اوليائى و حجج الله على امتى بعدى المقربهم مؤمن و المنكر لهم كافر.^۱

مؤمن و كافر اعتراف و انكار

امام جعفر بن محمد حضرت امام صادق از پدرش و او از جدش سلام الله عليهم روايت نموده كه رسول خدا (ص) فرمود: امامان بعد از من دوازده نفر مى باشند اولين آنها على بن ابيطالب است و آخر آنها قائم است اينها خلفاء من هستند و وصى من مى باشند و دوستان و اولياء من مى باشند و حجج و دليل و راهنما براى امت من خواهند بود پس از من و كسى كه آنها را قبول نمايد و به امامت آنها اعتراف نمايد مؤمن است و منكر آنها كافر است.

روى عبدالكريم الخثعمى قال قلت: لابي عبدالله (ع) كم يملك المهدي (ع) قال سبع سنين يطول الايام و الليالى حتى تكون السنه من سنه مكان عشر سنين من سنينكم مده فيكون سنى ملكه سبعين سنه من سنينكم هذه.^۲

۱- اعلام الورى ص ۳۷۰.

۲- اعلام الورى ص ۴۳۲.

مدت حکومت مهدی (عج)

عبدالکریم خثعمی روایت نموده که عرض کردم به حضرت امام صادق (ع) که حضرت مهدی (ع) چند سال حکومت خواهد نمود حضرت فرمود: هفت سال که سالهای آن طولانی خواهد بود روزها و شبها در زمان آن حضرت طولانی شود بطوری که یک سال آن مطابق ده سال شما خواهد بود پس در این صورت او به زمان و سال شما هفتاد سال حکومت خواهد کرد.

در بعضی از روایات ۹ سال و ۱۸ سال هم بیان شده و در بعضی روایات سیصد و نه سال هم ذکر شده .

عن حذیفه قال: قال رسول الله (ص) لولم یبق من الدنیا الا یوم واحد لیبعث الله فیہ رجلاً اسمه اسمی و خلقه خلقی یکنی ابا عبدالله یتابع له الناس بین الرکن و المقام یرد الله به الدین و یفتح له فتوح فلا یبقی علی ظهر الارض الا من یقول لا اله الا الله فقام سلمان فقال یا رسول الله من ای ولدک قال هومن ولد ابنی هذا و ضرب بیده علی الحسین (ع)^۱

مهدی(ع) و فتح الفتوح

حذیفه روایت نموده از رسول خدا(ص) که آن حضرت فرمودند: اگر دنیا به آخر رسد و تنها یک روز از آن باقی بماند خداوند در آن روز مبعوث نماید مردی را که نام او نام من است و سجایا و اخلاق او همانند من است و کنیه او اباعبدالله است و مردم در بین رکن و مقام در مکه با او بیعت نمایند و خداوند بوسیله او دین خود را احیاء کند و فتوحات فراوان بدست قدرتمند آن حضرت حاصل شود و در روی زمین فردی نماند مگر اینکه مؤمن و به خداوند ایمان و اعتقاد داشته و اعتراف و اقرار به یگانگی و وحدانیت او داشته و بگویند: لا اله الا الله

پس سلمان بلند شد و عرض نمود یا رسول الله حضرت مهدی از نسل کدام فرزندان شما خواهد بود؟ آن حضرت فرمود از فرزندان این پسر و با دست خود به طرف حضرت امام حسین(ع) اشاره نمود.

عن الفضیل قال: سئلت اباجعفر(ع) هل لهذا الامر وقت؟ فقال كذب الوقاتون كذب الوقاتون كذب الوقاتون^۱

دروغگویان

فضیل روایت نموده که از حضرت امام باقر علیه السلام سؤال نمودم آیا برای ظهور حضرت مهدی (ع) و قیام آن حضرت زمانی تعیین شده است؟ آن حضرت فرمودند: نه وقتی معین نشده است و آنها که چنین گویند و برای ظهور و قیام مهدی (ع) وقت و زمان تعیین نموده اند دروغ گفته اند و آنها کذاب و دروغگو می باشند.

بخش ششم :

پرچم و شعار سپاه حضرت مهدی (ع)



عن امیر المؤمنین (ع) يظهر صاحب الرايه المحمديه والدوله
الاحمديه القائم بالسيف و الحال الصادق في المقال يمهد الارض
و يحيى السنه و الفرض^۱

حضرت علی (ع) فرمودند: حضرت مهدی (ع) که صاحب پرچم
محمدی است و دولت احمدی است ظهور فرماید و او قیام نماید
به شمشیر و راستگو در گفتار و زمین را پاک سازد از کفر و
شرک و آماده نماید آن را جهت حکومت و پیروزی دین و سنت
و روش و احکام اسلام را زنده نموده و رونق دهد.

عن نوف انه قال: رايه المهدي فيها مكتوب البيعة لله^۲

شعار و پرچم

نوف روایت کرده که رسول خدا (ص) فرمودند: در پرچم
حضرت مهدی (ع) نوشته است بیعت برای خدا است و خدا را
اطاعت نمائید.

عن ابن سيرين قال: علي رايه المهدي . البيعة لله^۳

۱- ينابيع الموده ص ۴۰۶

۲- ينابيع الموده ص ۴۳۵

۳- منتخب الاثر ص ۳۱۹.

از قول ابن سیرین هم گفته اند که ایشان فرمود در پرچم حضرت مهدی (ع) است بیعت برای خدا است
رایه المهدی فیها مکتوب . الرفعه لله عزوجل^۱

کمال الدین

در کتاب کمال الدین روایت شده که در پرچم حضرت مهدی (ع) نوشته شده است که رفعت و بلندی مرتبه و مقام برای خداوند است .

عن فضل بن شاذان قال: روی انه یكون فی رایه المهدی اسمعوا واطیعوا^۲

فضل بن شاذان روایت نموده که در پرچم حضرت مهدی (ع) نوشته شده بشنوید و اطاعت کنید.

۱- منتخب الاثر ص ۳۱۹.

۲- منتخب الاثر ص ۳۱۹.

بخش هفتم :

رجعت در زمان حضرت مهدی (ع)



عن الحسن بن الجهم قال: قال المأمون للرضا عليه السلام يا اباالحسن ما تقول في الرجعه فقال عليه السلام انها الحق قد كانت في الامم السالفه و نطق بها القرآن و قد قال رسول الله (ص): يكون في هذه الامه كل ما كان في الامم السالفه حذوا النعل بالنعل والقذة بالقذة وقال رسول الله (ص) اذا خرج المهدي من ولدي نزل عيسى بن مريم عليهما السلام فصلى خلفه ا

عیسی (ع) نماز می خواند

حسن بن جهم روایت نموده که مأمون به امام رضا (ع) عرض نمود یا اباالحسن درباره رجعت چه نظر داری و چه می فرمائی؟ امام (ع) فرموده ند: آن حق است و در امتهای قبل هم بوده است بدون کم و زیاد و بطور مشابه و مساوی رسول خدا (ص) فرمودند: چون حضرت مهدی ظهور نماید که او از فرزندان من است حضرت عیسی بن مریم علیهما السلام از آسمان نزول فرماید؟

امام (ع) فرمودند: آن حق است و در امتهای قبل هم بوده و قرآن هم به آن شاهد است و همانا که رسول خدا (ص) هم فرموده که

در این امت واقع شود آنچه که در انسانها و امتهای قبلی بوده است بدون کم و زیاد و بطور مشابه و مساوی رسول خدا(ص) فرمودند: چون حضرت مهدی ظهور نماید که او از فرزندان من است حضرت عیسی بن مریم علیها السلام از آسمان نزول فرماید و به حضرت مهدی(ع) اقتدا نموده و پشت سر او نماز بخواند.

و قال صلی الله علیه و اله و سلم: ان الا سلام بدأ غریباً و سيعود غریباً فطوبی للغرباء قیل یا رسول الله ثم یکون ماذا؟ قال: ثم یرجع الحق الی اهله.^۱

حق به صاحب حق باز گردد

امام رضا (ع) از قول رسول خدا(ص) فرمودند همانا اسلام از اول غریب و بود و ابتدای شروع آن در حال غربت و طرفدار آن قلیل و تعداد آنها اندک بود و سپس باز غریب و طرفداران او کمتر شوند پس خوشا به حال غربا

پس گفته شد که یا رسول الله پس از آن چه شود؟

فرمود حق به صاحب حق باز گردد و رجعت نزدیک شود و واقع شود و حکام ظالم از میان بروند و دنیا را اسلام فتح نماید و مسلمانان بر جهان حکومت کنند!!

اجماع علماء شیعه حجت است

عقیده شیعه بر آن است که خداوند در زمان ظهور حضرت مهدی (ع) مرده‌ها را زنده نماید آن افرادی که دارای ایمان و عقیده کامل بوده‌اند و یا افرادی که کافرند و از دشمنان اهل بیت علیهم السلام و عقیده به مبدأ و معاد ندارند تا اینکه مجازات شوند و نیکوکاران دولت حق را نصرت دهند.

سید مرتضی رضی الله عنه می گوید:

که علماء شیعه بر این مطلب اجماع دارند و اجماع علماء شیعه حجت است زیرا که حاکی از قول امام (ع) است.

علاوه بر آیات و روایات فراوان که در رابطه با رجعت و زنده شدن مرده‌ها در دولت حق دلالت دارند که آن روایات در حد تواتر است.^۱

^۱ - ترجمه ۱۳، بحار، ص ۱۲۳۲.

عن ابی جعفر (ع) قال: كنت مريضاً بمنی و ابی علیه السلام عندی فجاءه الغلام فقال: ههنا رهط من العراقيين يسألون الاذن علیک فقال ابی (ع): ادخلهم الفسطاط و قام الیهم فدخل علیهم فمالبت أن سمعت ضحک ابی علیه السلام قد ارتفع فأنکرت و وجدت فی نفسی من ضحکه و أنا فی تلك الحال^۱

خنده و سرور امام زین العابدین (ع)

امام باقر علیه السلام فرمود: من بیمار بودم در صحرای منی و پدرم سلام الله علیه نزد من بود پس جوانی آمد و عرض نمود که افرادی از عراق آمدند و اجازه می خواهند تا شما را ملاقات نمایند پدرم علیه السلام فرمود: بگو بیایند پدرم بلند شد و نزد آنها رفت زمانی نگذشت که صدای خنده پدرم را شنیدم که آن حضرت می خندید بطور بلند.

چون مریض و بیمار بودم مقداری ناپسند دانستم پیش خود گفتم در حالیکه من بیمار هستم چرا پدرم انطور خنده می نماید؟
ثم عاد الی فقال: یا ابا جعفر عساک وجدت فی نفسک من ضحکی فقلت و ما الذی غلبک منه الضحک جعلت فداک؟

فقال: ان هؤلاء العراقيين سألوني عن امر كان مضي من آبائك و
سلفك يؤمنون به و يقرون فغلبني الضحك سروراً ان في الخلق
من يؤمن به و يقر فقلت: و ما هو جعلت فداك؟ قال سألوني عن
الاموات متى يبعثون فيقاتلون الاحياء على الدين^۱

مردها زنده شوند

سپس پدرم بسوی من باز گشت و فرمود یا اباجعفر آنچه در
خاطرات آمد دانستم از خنده من

پس عرض کردم چه شد که خنده ات غالب آمد و بلند خنده
نمودی پدرجان فدایت شوم؟

پدرم فرمود که این قوم عراقی هستند از من سؤال نمودند از امری
که در زمان پدران و اجداد شما پیش آمده در زمان گذشته که به
آن ایمان داشتند و به آن اعتراف و اقرار داشتند پس خنده من زیاد
شد و غالب آمد از جهت سرور و خوشحالی که در این زمان در
میان مردم افرادی هستند که به آن ایمان و اقرار دارند
پس سؤال کردم آن چیست فدایت شوم؟

پدرم فرمود: از من سؤال کردند که مرده ها چه وقت زنده شوند و در راه دین و به خاطر دین با زنده ها که کافرند جنگ نمایند که این کلام دلیل است بر صحت و وقوع رجعت در زمان ظهور امام عصر (ع)

عن حمران عن ابي جعفر (ع) قال: ان اول من يرجع لجاركم الحسين (ع) فيملك حتى تقع حاجباه على عينيه من الكبر^۱ رجعت و باز گشت.

حضرت امام باقر (ع) فرمود هنگام رجعت و باز گشت و زنده شدن انسانها اولین فردی که به دنیا باز گشت نموده و زنده شود حضرت امام حسین (ع) است.

آن حضرت بر جهان حکومت نماید زمانی طولانی و بر اثر عمر زیاد ابروان او دید گانش را پوشاند.^۲

عن الحسن بن شاذان الواسطي قال: كتبت الي ابي الحسن الرضا عليه السلام اشكو جفاء اهل واسط و حملهم على و كانت عصابه من العثمانيه تؤذيني فوق بخطه: أن الله خلّ ذكره أخذ ميثاق اوليائنا

۱- بحار ج ۵۳ ص ۴۴.

۲- حاجب: استخوان بالای چشم است که گوشت و پوست و یا موهائی که روی او است چشم را می پوشاند و مانع می شود از نور خورشید تا چشم را ضرر نرساند.

على الصبر في دولة الباطل فاصبر لحكم ربك فلو قد قام ستيد
الخلق لقالوا: «يا ويلنا من بعثنا من مرقدنا هذا ما وعد الرحمن و
صدق المرسلون»^۱

پیمان از پیروان و دوستان

مردی بنام حسن ابن شاذان واسطی روایت نموده که بنه حضرت
امام رضا (ع) نوشتم و شکایت کردم از اذیت و آزار مردم واسط
و ایادی و طرفداران عثمان که مشهورند به عثمانیها مرا مزاحمت و
اذیت می نمایند.

حضرت امام رضا (ع) با خط خود نوشت و برایم فرستاد که
خداوند جل ذکرة از دوستان ما پیمان گرفته بر صبر نمودن در
زمان دولت و حکومت باطل پس تو هم صبر کن به اراده و حکم
خدایت پس چون قیام کند اقا و سید خلق دشمنان که مرده باشند
از قبر بیرون آیند و زنده شوند تا کیفر شوند و تعجب کنند و از
روی تعجب گویند: یا ویلنا ای وای بر ما چه کسی ما را زنده نمود

و از قبر بیرون آورد این وعده ای است که خدا داد، خدای رحمان و راست گفتند پیامبران خدا که دوباره ما زنده شویم.

عن موسی الحنات قال: سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول: ایام الله ثلاثة: يوم يقوم القائم علیه السلام و يوم الکره و يوم القیامه^۱

ایام الله

موسی الحنات روایت نموده که شنیدم از امام صادق علیه السلام می فرمود: روزها و ایام الله سه روز است ۱- روزی که حضرت قائم (ع) ظهور نماید ۲- روزی که در او رجعت و بازگشت انسانها به دنیا خواهد بود مرده ها زنده شوند ۳- روز قیامت.

روی لمفضل بن عمر قال سمعت ابا عبدالله (ع) يقول: ان قائمنا اذا قام اشرفت الارض بنور ربها و استغنی العباد عن ضوء الشمس و ذهب الظلمه و یعمر الرجل فی ملکه حتی یولد له الف ذکر^۲

نور و ظلمت

مفضل روایت نموده که شنیدم از امام صادق علیه السلام فرمودند: همانا چون حضرت قائم قیام فرماید زمین بوسیله نور خدا روشن گردد بطوری که مردم از نور و روشنائی خورشید مستغنی و بی

۱- بحارج ۹۳ ص ۶۳.

۲- بحارج ۵۲ ص ۳۳۶.

نیاز شوند و ظلمت و تاریکی شب زایل شود و هر فردی چنان در ملک خود بماند تا اینکه دارای هزار فرزند ذکور خواهد شد.

عن المعلى بن خنيس و زید الشحام عن ابی عبدالله (ع) قالاً:
سمعناه يقول: ان اول من يكر فى الرجعه الحسين بن على عليهما
السلام و يمكث فى الارض اربعين سنه حتى يسقط حاجباه على
عينه^۱

عمر طولانی

معلى بن خنيس و زید شحام از امام صادق (ع) روایت نمودند که آن حضرت فرمودند: همانا اولین فردی که در زمان رجعت زنده شود حضرت حسین بن علی عليهما السلام است و سپس او زنده خواهد ماند در روی زمین و حکومت نماید مدت چهل سال که هر سال آن برابر است با ده سال بطوری که از گذشت ایام ابروهای او روی چشمانش قرار گرفتند و آن را پوشانند.

عن جابر بن یزید عن ابی جعفر (ع) قال: ليس من مؤمن الا وله قتله و موته انه من قتل نشر حتى بموت و من مات نشر حتى يقتل

جابر یزید روایت نموده که امام باقر علیه السلام فرمود هیچ مؤمنین نیست مگر اینکه برای او است قتل و مرگ فردی که کشته شود باز زنده شود تا به مرگ از دنیا برود و اگر مرده باز زنده گردد تا کشته شود.

ثم قال: ما فی هذه الامه احد بر او فاجر الا و ينشر اما المؤمنون فينثرون الى قرّة اعينهم و اما الفجار فينثرون الى خزي الله اياهم الم تسمع أن الله تعالى يقول و لنذيقنهم من العذاب الادنى دون العذاب الاكبر و قوله يا ايها المدثر قم فانذر يعني بذلك محمداً (ص) قيامه في الرجعه ينذر فيها و قوله لاحدى الكبر نذيراً للبشر يعني محمداً (ص) نذيراً للبشر في الرجعه.^۱

مؤمن خوشنود شود

سپس امام باقر (ع) فرمود: در این امت هیچ فردی نیست از خوب و بد نیکوکار و یا بد کار و فاجر مگر اینکه باز زنده شود اما افراد مؤمن زنده شود و خوشحال شوند به وسیله کارهای نیکوی خود و اما بدکاران زنده شوند تا ذلت و خاری به جهت کارهای خود که انجام داده اند برخوردار بشوند آیا نشنیدی که خداوند فرموده

آنها را عذاب کنیم در این دنیا و در زمان نزدیک بغیر از عذاب بزرگتر که قیامت است و قول خداوند ایهامدثر فاندز که مراد رسول خدا است که در زمان رجعت زنده شود و گناه کاران را از عذاب خدا بر حذر دارد و قول خداوند که لاحدی الکبر که باز مراد از آن رسول خدا است که نذیر است برای انسان در زمان رجعت .

خیمگاهی از عراق تا به حجاز

مفضل عن الصادق (ع) قال: ثم یظهر الحسین علیه السلام فی اثنی عشر الف صدیق و اثنین و سبعین رجلاً اصحابه یوم کربلا ثم یرج الصدیق الاکبر امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و ینصب له القبه بالنجف و یقام ارکانها: رکن بالنجف و رکن بحجر و رکن بصنعا و رکن بارض طیبه لکأنی انظر الی مصابیحہ تشرق فی السماء و الارض كأضواء من الشمس و القمر^۱

مفضل روایت کرد که امام صادق (ع) فرمود در زمان ظهور
حضرت مهدی (ع)

امام حسین (ع) همراه با دوازده هزار و هفتاد و دو نفر که در کربلا
با او شهید شدند می آیند.

رسول خدا و اصحاب از مهاجر و انصار رجعت نموده حضرت
امیرالمؤمنین صدیق اکبر ظهور می نماید.

خیمه ای که بر چهار پایه استوار است در نجف برای او سر و پا
می کنند که یک پایه او در نجف پایه ای در حجر اسماعیل و پایه
ای در صفا و یک پایه او در مدینه است.

سپس امام صادق (ع) فرمود: گویا چراغهای آن را می بینم که مانند
انوار مهر و ماه در آسمان و زمین می درخشد.

رجعت و محاکمه جباران

چون حضرت مهدی (ع) ظهور فرماید رسول خدا (ص) و حضرت
زهرا (ص) و حضرت امیرالمؤمنین و تمام امامان معصوم زنده شوند و
به حضور پیامبر (ص) می آیند و از حکام زمان خود به رسول

خدا (ص) شکایت می‌نمایند و رسول خدا (ص) در این وقت سخت گریان شود.^۱

اولین شاکی

حضرت زهرا سلام الله علیها اولین فردی است که حاضر شود و از رفتار نادرست و ظلمی که به آن حضرت روا داشته اند شکایت نماید از اولی و دومی و غصب فدک و پاره نمودن نامه آن حضرت را و سوزاندن درب خانه زهرا (س) را و سقط نمودن فرزندش را بنام محسن فاطمه بنت اسد و خدیجه کبری سلام الله علیهما محسن را که شهید شده روی دست گرفته و حضور رسول خدا می‌آورند.

پس امام صادق (ع) بسیار گریست و فرمود آیه قرآن که و اذالمؤودة سئلت مصداقش محسن سقط شده فرزند زهرا (س) می‌باشد.

امام صادق (ع) فرمود: در این هنگام فاطمه دختر رسول خدا (ص) پیاخیزد و گوید اللهم انجز و عدك خدایا به وعده خود وفا کن

در اینکه انتقام گیری از افرادی که بمن ظلم نمودند و حق مرا غصب کردند و مرا زدند و به هر یک از فرزندان من ظلم روا داشتند.

گریه اهل زمین و آسمان و قصاص جباران

امام صادق (ع) فرمود:

پس به حال زهرا همه گریه کنند از ملائکه آسمانها و حملة عرش و آنها در هوا و زمین باشند در دنیا و غیر آنها گریه کنان و شیون کنان به درگاه خداوند پس در آن زمان تمام افرادی که ظلم کردند درباره ما و به شهادت رساندند ائمه را و یا آنها که راضی بودند به ظلم و تعدی در رابطه با ما قصاص شوند نه یک مرتبه بلکه هزار مرتبه آنها را قصاص نمایند.^۱

شکایت امیرالمؤمنین (ع) در محضر رسول خدا (ص)

یا رسول الله بعد از شما امت با من بی وفائی را آغاز کرد و از اطاعت من سرپیچی نمودند عمر و ابوبکر در امر امامت با من اختلاف و دشمنی کردند و خود را خلیفه شما دانستند و به اجبار و زور از من بیعت گرفتند.

حقوق مرا غصب نموده و مرا متزوی کردند درب خانه ام را آتش زدند و حمله نموده و فرزندم محسن را کشتند و بازوی دخترت زهراس را کبود نموده و او را زدند و سینه اش را شکستند امت شما جنگ جمل و صفین و نهروان را به سرکردگی طلحه و زبیر و عایشه به راه انداختند و با آنها جنگیدم و عاقبت با شمشیر و ضربت ابن ملجم به شهادت رسیدم.

رجعت و امام حسن (ع)

چون حضرت مهدی (ع) ظهور فرماید و رسول خدا و حضرت علی (ع) و زهرا (س) و امام حسن و امام حسین علیهما السلام به دنیا بازگردند حضرت امام حسن (ع) به حضور رسول خدا (ص) آید و از مردم دوران و زمان خود شکایت کند که آن افراد امام (ع) را تنها نهادند و با او بیعت نمودند.^۱

حضرت امام حسن (ع) عرض می نماید یا جدا یا رسول الله مردم کوفه با من بی وفائی نمودند در جمع آنها به منبر رفتم و آنها را به

احکام خدا و تکالیف الهی دعوت کردم اما آنها به من جواب ندادند و مانند آن بود که گنگ بودند و لجام بر دهان آنها زده شده من هم از منبر پائین آمدم و به مدینه باز گشتم. تنها افرادی که با من بودند بیست نفر با من بیعت نمودند به راست و چپ نظر نمودم غیر از آن بیست نفر دیگری را ندیدم که با من موافق باشند.

از طرفی معاویه یکصد و پنجاه هزار نیرو به سرکردگی زیاد به کوفه فرستاد و او را امر نمود که مرا و حسین و دیگر برادران و دوستان مرا دستگیر نماید و از ما بیعت بگیرد برای معاویه و اگر فردی بیعت نمی کرد گردن او را می زدند و او را کشته و سرش را برای معاویه می فرستاد.

پس برای حفظ جان مسلمانان و نبود کمک و نیرو امام علیه السلام صلح را اختیار نمود و فرمود اللهم فانزل علیهم رجزک و بأسک و عذابک

امام حسین (ع) و شکایت

امام صادق (ع) فرمود پس از ظهور حضرت مهدی (ع) که رسول خدا رجعت نماید پس از شکایت علی و زهرا و امام حسین (ع)

حضرت امام حسین (ع) قیام نماید و در حضور رسول خدا (ص) آید در حالیکه پیکر آن حضرت به خون رنگین شده و تمام افرادی که در کربلا در روز عاشورا با آن حضرت شهید شده اند همراه او می آیند چون رسول خدا حسین را به آن حالت می بیند گریان شود و به گریه آن حضرت تمام اهل آسمان و زمین گریان شوند.

فاطمه زهراس برای حسین گریه نماید و با گریه فاطمه بر زمین زلزله افتد و امیرالمؤمنین و امام حسن در طرف راست او باشند و رسول خدا حسین را به سینه خود چسباند و گوید یا حسین فدایت شوم دو چشمم روشن و با قیام و شهادت مرا سربلند نمودی. مفضل گفت امام صادق (ع) بعد از بیان این مطلب آنقدر گریه کرد که اشک او بر صورت مبارکش جاری شد.^۱

ثم يقوم جدی علی بن الحسین و ابی الباقر عليه السلام فیشکو ان الی جدھما رسول اللہ (ص) ما فعل بهما ثم اقوم انا فاشکو الی جدی

رسول الله (ص) ما فعل المنصور بی ثم يقوم ابنی موسی فیشکو الی
جدّه رسول الله (ص) ما فعل به الرّشید^۱

داد خواهی

امام صادق (ع) فرمود: جدّم علی بن الحسین نزد رسول خدا آید و
از حاکم زمان خود هشام بن عبدالملک شکایت و دادخواهی
نماید.

حضرت امام باقر (ع) نیز نزد جدش رسول خدا (ص) آید و آنچه
از حاکم زمان خود به او ظلم شده شکایت کند.

سپس من قیام نموده و نزد جدم رسول خدا (ص) روم واز منصور
خلیفه عباسی که مرا اذیت و آزار نموده شکایت کنم و بعد پسر
موسى شکایت نماید نزد جدش رسول خدا (ص) از هارون الرشید
از بد رفتاریها که نسبت به او نموده .

ثم يقوم علی بن موسی فیشکو الی جدّه رسول الله (ص) ما فعل به
المأمون ثم يقوم محمد بن علی فیشکو الی جدّه رسول الله (ص) ما
فعل به المتوکل

ثم يقوم الحسن بن علي فيشكوا الي جده رسول الله (ص) ما فعل به
المعتز^۱

شکایت امام رضا (ع)

پس حضرت علی بن موسی عليه السلام قیام نماید و به سوی جدّ خود
رسول خدا (ص) می رود و پیشامدها و رویدادهای زمان و ظلم و
ستمی را که مأمون نسبت به آن حضرت روا داشته برای پیامبر
خدا (ص) باز گو نماید.

سپس فرزند او امام محمد تقی (ع) در محضر رسول خدا (ص) آید
و از مأمون شکایت نماید.

و بعد علی بن محمد حضرت امام علی النقی و بعد امام حسن
عسکری علیهما السلام حضور رسول خدا (ص) شرفیاب شوند و از
حاکم و ظالم زمان خود متوکل و معتز شکایت کنند.

ثم يقوم المهدي سمي جدّي رسول الله (ص) و عليه قميص رسول
الله مضرّجاً بدم رسول الله يوم شجّ جنبیه و كسرت رباعيته و

الملائكة تحفه حتى يقف بين يدي جده رسول الله (ص) فيقول يا
جداه و صفتني و دللت علي و نسبتني و سميتني و كنتني فجدد تن
الامه و تمردت و قالت ما ولد و لا كان و اين هو و متي كان و امن
يكون و قدمات و لم يعقب ولو كان صحيحاً ما اخره الله تعالى الي
هذا الوقت المعلوم فصبرت محتسباً و قد اذن الله لي فيما باذنه يا
جداه^۱

شکایت حضرت مهدی (عج) در محضر رسول خدا (ص)

حضرت امام صادق (ع) فرمود

پس حضرت مهدی (ع) همانام جدم رسول خدا که آن حضرت به
نام کنیه خود نام گذاری نموده به حضور پیامبر (ص) آید در
حالیکه پیراهن خون آلود جدش رسول خدا (ص) را به تن نموده
آن پیراهنی که به خون پیشانی رسول الله و هنگامی که دندان
پیامبر (ص) را شکستند و خون دهان و دندان خود را با آن پیرهن
پاک نموده حضرت مهدی ظاهر شود و ملائکه اطراف او خواهند
بود تا اینکه مقابل رسول خدا قرار گیرد و به جدش خطاب نموده
که یا جدا شما مرا معرفی نمودی و توصیف کردی و خلق را

توجه دادی که از من اطاعت کنند و مرا نام نهادی و کنیه ام را تعیین نمودی در عین حال امت و مردم مرا انکار نمودند و تمرد کردند و گفتند که مهدی به دنیا نیامده و نبوده و اگر هست کجا است بلکه او مرده و اگر وجود داشت خداوند ظهورش را به تأخیر نمی انداخت پس من صبر کردم تا خداوند به قایم و ظهور امر نمود.

فیقول رسول الله (ص) الحمد لله الذی صدقنا وعده و اورثنا الارض
نتبؤ من الجنة حیث نشاء فنعم اجر العاملین.^۱

حمد و سپاس

پس دشمنان ما و قاتلان ما قصاص شوند و کشته و اعدام گردند هر کدام نه یک مرتبه بلکه هزار مرتبه کشته شوند و آنها را زنده نماید خداوند و باز قصاص شوند.

سپس رسول خدا (ص) می فرماید حمد و سپاس خداوندی را است که وعده اش درست است و وفا نمود به وعده خود و ما را وارث زمین قرار داد و حاکم نمود و بهشت را جایگاه ما قرار داد تا در

هر مکان آن که خواهیم اقامت گزینیم و چه نیکو است پاداش
انسانهای خداجو و نیکوکار.

فیقول الحسین (ع): ان كنت مهدی آل محمد (ص) فاین هراوه
جدی رسول الله (ص) و خاتمه و بردته و درعه الفاضل و عمامته
السحاب و فرسه و ناقته الغضباء و بغلته دلدل و حماره یغفور و
نجیه البراق و تاجه و المصحف الذی جمعه امیر المؤمنین (ع) بغیر
تغییر و لا تبدیل فیحضر له السفت الذی فیہ جمیع ما طلبه^۱
امام حسین (ع) و امام عصر (ع)

گفتگوی فرمانده دو سپاه

حضرت امام حسین (ع) رجعت فرماید و همراه او است چهار هزار
نفر از اصحاب و در کنار شهر کوفه فرود آیند
از طرفی سپاه حضرت مهدی ظاهر شوند و از امام حسین (ع) سؤال
شود که آنها چه افرادی هستند حضرت امام حسین (ع) به طرف
سپاه مهدی (ع) آید و حضرت مهدی (ع) نیز از بین صفوف لشکر
خود خارج شده و به طرف سپاه امام حسین (ع) آید و هر دو بین
دو لشکر بایستند و با یکدیگر صحبت کنند.

حضرت امام حسین (ع) به حضرت مهدی (ع) گوید اگر تو مهدی آل محمد (ص) هستی پس کو عصای جدم رسول خدا و انگشتر او و قاطر او دلدل و حمار او بنام یعفور و براق او و تاج او و قرآنی که حضرت امیرالمؤمنین (ع) او را جمع نموده و ترتیب داده بدون تغییر تبدیل پس حضرت مهدی حاضر نماید ظرفی را که در او است تمام چیزهائی را که امام حسین (ع) از او مطالبه نموده حتی مواردی مثل عصای موسی و غیره^۱

و عند ذلك يقول الحسين (ع) يا ابن رسول الله اسألك ان تغرس هراوه رسول الله (ص) في هذا الحجر الصلد وتسال الله ان ينبتا فيه ولا يريد بذلك الا ان يري اصحابه فضل المهدي (ع) حتى يطيعوه و يبایعوه و يأخذ المهدي (ع) الهراوه فيغرسها فنبت وتعلو و تفرع و تورق حتى تظل عسكر الحسين (ع)^۲

درخت سوسبز

حضرت امام حسین (ع) فرماید: ای فرزند رسول خدا از تو می خواهم که آن عصای پیامبر (ع) را در این سنگ و زمین سخت غرس نمائی و از خدا طلب نمائی که مانند درخت سبز شود و

۱- السفت: قشر علی جلد المسک السفت: ظرف و وعاء.

۲- بحار ج ۵۳ ص ۳۶.

منظور امام حسین (ع) از این کار آن است که اصحاب مقام و منزلت حضرت مهدی (ع) را بشناسند و از او اطاعت کنند و با او بیعت نمایند.

پس حضرت مهدی (ع) آن عصا را غرس نموده و در زمین مانند درخت و نهال بنشانند و سبز شود و رشد نماید و شاخه و برگ از او ظاهر شود و آنقدر بزرگ و سرسبز و پرشاخ و برگ شود که افراد و سپاه امام حسین (ع) در سایه آن درخت جای گیرند.

فیقول الحسین (ع): الله اکبر یا ابن رسول الله مدیدک حتی ابایعک
فیبا یعه الحسین (ع) و سائر عسکره^۱

تعجب و تکبیر حسین (ع)

در این وقت حضرت امام حسین (ع) تکبیر گوید و می فرماید که ای پسر رسول خدا دستت را بده تا با تو بیعت نمایم سپس امام حسین (ع) با حضرت مهدی (ع) و تمام سپاه او بیعت می کنند.

سلیمان زمان

ای سلیمان زمان پادشه عرش مکان
ای همای ملا قدس و حمام جبروت
ای رخت قبله توحید و درت کوی امید
کعبه در گه تو قبله ارواح و عقول
ای که در ظل لوای تو کندگردون جای
ای ز شمشیر تو از بیم دل دهر دونیم
حاوی علم و یقین حامی دین و آئین
جامع شمل پس از تفرقه اهل وفاق

خاتم ملک تو تا کی بکف اهرمن است
تا بکی روضه دین مسکن زاغ و زغن است
تا به کی کعبه دلها همه بیت الوثن است
خاک پاک ره تو سجده گه مرد و زن است
نوبت رایت اسلام بر افراشتن است
گاه خونخواهی شاهنشاه خونین کفن است
ماحی زیغ و زلل محیی فرض و سنن است
باسط عدل پس از آنکه زمین پر فتن است

آیه الله محمد حسین اصفهانی

السلام علیک ایتها الصدیقة الطاهره

به صد غم گفت زهرا بعد بابا
کنار بستر بابا نشستی
پدر مرد دو چشمت اشک ریزان
برفتی در بقیع تنها نشستی
به خانه گریه ها کردی تو تنها
علی را بی کس و تنها دیدی
چو درب را سوخت آن قوم جفاکار
بزد پا بر در محسن نمود سقط
چو بشکست استخوان سینه ات را

بیا مهدی پسر جانم کجائی
فغان کردی که ای مهدی کجائی
بنالیدی که ای مهدی کجائی
نمودی گریه مهدی جان کجائی
بیا مهدی پسر جانم کجائی
بگفتی آخر ای مهدی کجائی
نظر کردی که ای مهدی کجائی
بگفتی ای خدا مهدی کجائی
به غم گفتی که ای مهدی کجائی



اللهم عجل لولیک الفرج بمحمد و آله الطیبین الطاهرین

و الحمد لله رب العالمین

منابع و مأخذ

نام صاحب کتاب	نام کتاب
	۱- قرآن
	۲- نهج البلاغه
	۳- اصول کافی ج ۱
	۴- خرائج
	۵- من هو المهدي
	۶- اثبات الهداة
	۷- کمال الدين و تمام النعمه
	۸- عيون اخبار الرضا (ع)
	۹- بحار الانوار، ج ۵۱، ۵۲، ۵۳
	۱۰- اعلام الوری
	۱۱- الزام الناصب
	۱۲- ترجمه بحار، ج ۱۳
	۱۳- منتخب الاثر
	۱۴- کفاية الاثر
	۱۵- حديقه الشيعه
	۱۶- منتهی الامال
	۱۷- منتخب التواريخ
	۱۸- علل الشرايع
	۱۹- غيبة نعمانی
	۲۰- کشف الغمه
	۲۱- ينا بيع الموده
	۲۲- دارالسلام
	۲۳- مواليد الاثمه
	۲۴- مفاتيح الجنان
حضرت علی (ع)	
مرحوم کلینی	
قطب راوندی	
ابوطالب تجلیل تبریزی	
حر عاملی	
شیخ صدوق	
شیخ صدوق	
مرحوم مجلسی	
طبرسی	
حائری یزدی	
دوانی	
لطف الله صافی	
الخرزاز القمی	
مقدس اردبیلی	
شیخ عباس قمی	
محمد هاشم خراسانی	
شیخ صدوق	
محمد بن ابراهیم نعمانی	
علی بن عیسی بن ابی الفتح الاربیلی	
سلیمان بن ابراهیم القندوزی	
حاجی نوری	
عباس شیرین پناه	
شیخ عباس قمی	